

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این پایان نامه با حمایت مالی ستاد مبارزه

با مواد مخدر ریاست جمهوری صورت

پذیرفته است.



واحد سبزوهار

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد MA

گروه معارف اسلامی و حقوق گرایش حقوق خانواده

**عنوان:**

**ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد**

**استاد راهنما:**

**دکتر محسن ولایتی**

**نگارنده:**

**علی مسین منصوری**

**تابستان ۱۳۹۷**



Islamic Azad University

Sabzevar Branch

A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements For  
the Degree of M.sc(Ph.D)in TheField of FikhandThe basis of Low

**Title:**

**Relationship between addiction and crime in addicted parent families**

**Supervisor:**

Dr. Mohsen Velayati

**By:**

Ali Hossein Mansouri

2018



تعهد نامه‌ی اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب «**علی حسین منصوری**» دانش آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته / دکترای تخصصی در رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی که در تاریخ از پایان نامه / رساله خود تحت عنوان:

### **«ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد»**

باکسب نمره به عدد ( ) و به حروف ( ) و درجه عالی دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱) این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه - کتاب - مقاله و...) استفاده نموده‌ام. مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.  
۲) این پایان نامه / رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، و در صورت ابطال مدرک تحصیلی‌ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

**علی حسین منصوری**

تاریخ و امضاء:

تقدیم به

پدر و مادر عزیز و همسر و فرزندان مهربانم  
که در سختی‌ها و دشواری‌های زندگی همواره یابوری دلسوز و فداکار  
و پشتیبانی محکم و مطمئن برایم بوده‌اند.  
قدر دان زحمات پدر، مادر، همسر و فرزندان و تمام کسانی که مرا  
یاری نمودند هستم.

و نیز قدردان زحمات استاد راهنمای خویش

### **جناب آقای دکتر محسن ولایتی**

و اساتید داور و مدیریت محترم تحصیلات تکمیلی می‌باشم.  
همچنین تشکر و قدردانی از جناب آقای دکتر عبدلی که در طول  
انجام پایان نامه از مشاوره و مساعدت ایشان نیز بهره مند شده.  
تقدیر و تشکر ویژه از دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد  
مخدر ریاست جمهوری و سرکار خانم نیکخواه کارشناس محترم  
پژوهشی شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان خراسان  
رضوی که در انجام این پایان نامه مساعدت نموده و موردحمایت  
قرار دادند.

امیدوارم که خداوند متعال همه این بزرگواران و تمامی یاری  
دهندگان را در پناه خود موفق و موید بدارد.

## فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	پرسش اصلی پژوهش
۴.....	پرسش فرعی
۴.....	فرضیات پژوهش
۴.....	بیان مساله
۹.....	سوابق مربوط
۱۱.....	اهداف تحقیق
۱۲.....	اهمیت پژوهش
۱۲.....	روش کار

## فصل اول- کلیات و مفاهیم

۱۴.....	مبحث اول- واژگان شناسی
۱۴.....	گفتار اول- مفهوم اعتیاد
۱۶.....	گفتار دوم- مفهوم جرم
۱۸.....	گفتار سوم- مفهوم خانواده
۲۶.....	مبحث دوم- تاریخچه قوانین مربوط به نهاد خانواده
۲۶.....	بند اول- قوانین و تصویب نامه‌های پیش از انقلاب
۲۹.....	بند دوم- قوانین پس از انقلاب

## فصل دوم- جرم شناسی اعتیاد با آموزه‌های فقهی و حقوقی

۳۳.....	مبحث اول- جرم شناسی اعتیاد در حقوق موضوعه
۳۳.....	گفتار اول- مبانی مجازات و اصول حاکم بر آن

گفتار دوم: اصول حاکم بر مجازات ها .....	۳۵
گفتار سوم- جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر .....	۳۹
بند اول- جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر در قوانین داخلی .....	۴۲
بند دوم- جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر در حقوق بین المللی .....	۴۳
گفتار پنجم- مبنای جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر .....	۴۵
بند اول- اعتیاد به مواد مخدر و نقض قواعد اخلاقی .....	۴۶
بند دوم- اعتیاد به مواد مخدر و ایراد ضرر به دیگران .....	۴۷
مبحث دوم- جرم شناسی اعتیاد در منابع فقهی .....	۴۸
گفتار اول- ادله حرمت استعمال مواد مخدر در کتاب .....	۴۸
گفتار دوم- ادله حرمت استعمال مواد مخدر در روایات .....	۵۳
گفتار سوم- ادله حرمت از نظر بناء وسیره عقلاء .....	۵۵
بند اول- قاعده لاضرر .....	۵۶
بند دوم- مستندات قاعده لا ضرر .....	۵۹

### فصل سوم- ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد

مبحث اول- ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد .....	۶۵
گفتار اول- تأثیر اعتیاد والدین در بزهکاری کودک و نوجوان .....	۶۵
گفتار دوم- جرم شناسی فرزندان اعتیاد .....	۷۳
گفتار سوم- بزه دیدگی نوزاد معتاد و گستره آن .....	۷۸
بند اول- نوزاد معتاد متولد شده .....	۷۹
بند دوم- از نوزاد بزه دیده تا کودک بزهکار .....	۸۴
نتیجه گیری .....	۸۷
پیشنهادات .....	۹۰
منابع و ماخذ .....	۹۱



فرم اطلاعات پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترای حرفه‌ای

<p>کد شناسایی پایان‌نامه:</p>	<p>نام واحد دانشگاهی: سبزوار کد واحد: ۱۲۷</p>
<p>سال و نیمسال اخذ پایان‌نامه:</p>	<p>نام و نام خانوادگی دانشجو: <b>علی حسین منصوری</b> شماره دانشجویی:</p>
<p>عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا دکترای حرفه‌ای: «ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد»</p>	
<p>نمره پایان‌نامه دانشجو به عدد: به حروف:</p>	<p>تاریخ دفاع از پایان‌نامه: تعداد واحد پایان‌نامه: ۶</p>
<p align="right"><b>چکیده</b></p> <p>خانواده کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و سازنده نسل آینده است؛ اما این محیط انسان‌ساز و آینده‌ساز دشمنی به نام اعتیاد والدین را می‌تواند پیش رو داشته باشد. زندگی خانوادگی برای کودکان بیشتر از افراد بالغ اهمیت دارد، کودک اولین تجربیات خود را در زیستن با دیگر افراد خانواده می‌آموزد و محیط خانواده است که پایه رشد و فعالیت آینده فرزندان گذاشته می‌شود. کودکی که دارای خانواده‌ای باشد که از ابتدا با روحيات پرخاشگرانه والدین که ناشی از دعوی و اعتیاد والدین باشد و زندگی ناآرامی را تجربه می‌کند در مقایسه با کودکی که در ناز و نعمت بزرگ شده و همیشه به او محبت شده و تمام خواسته‌های مادی و معنوی او برآورده شده، قطعاً از لحاظ تفکرات نسبت به عوامل مجرمانه متفاوت است و قبح عمل مجرمانه را کمتر می‌داند و حتی ممکن است قبحی برای آن تصور نکند؛ چراکه این‌گونه بزرگ شده است و تأثیر محیط اطراف اوست. این پژوهش با روش تحلیلی و تبیینی، با روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش برداری به این نتیجه می‌رسد که؛ وجود والدین معتاد در خانواده، از دو جهت زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازد. از یک سو، وجود الگوی معتاد در خانواده، به ویژه اگر از نظر نوجوانان و جوانان نقش مسلط و مثبتی تلقی شود، نوجوان را جهت همانند سازی مهیا می‌سازد و از سوی دیگر زمینه آشنایی وی با مواد مخدر و نیز دسترسی آسان به آن را تسهیل می‌نماید. افرادی که در خانواده‌های معتاد زندگی می‌کنند، ترس و قبح معتاد شدن برایشان از بین رفته و مصرف مواد برای آن‌ها امری عادی محسوب می‌گردد. لذا والدین باید از مصرف هرگونه مواد مخدر در منظر فرزندان خود جداً پرهیز نمایند و علاوه بر آن از تماس فرزندان با افراد فامیل که گرفتار اعتیاد هستند، جلوگیری نمایند؛ چرا که وجود افراد معتاد در خانواده، فرصت گرایش به سوء مصرف مواد برای سایر اعضا را نیز فراهم می‌نماید و موجب ارتکاب جرم نوجوانان می‌شود.</p> <p align="right">کلمات کلیدی: اعتیاد، ارتکاب جرم، اعتیاد والدین، فقه و حقوق</p>	

## مقدمه

والدین به کودکان خود کمک می‌کنند تا به دنیای بزرگسالی وارد شوند، مهارت‌ها را آموزش می‌دهند، حد و مرزی برای کودکان و نوجوانان خود تعیین می‌کنند و جهان واقعی را در اندازه‌های کنترل پذیر به آنها ارائه می‌کنند. با بزرگ شدن فرزندان، والدین در مراحل همسرگزینی به فرزندان جوان خود کمک می‌کنند و به تدریج نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ را ایفاء می‌نمایند. فرزندان جدیدی متولد می‌شوند و نسل قدیمی می‌میرد یا به حاشیه خانواده رانده می‌شود. به این ترتیب خانواده با تمام مشکلات و شادکامی‌هایش برقرار می‌ماند. هر مشکل و نابهنجاری در ساختار چند نسلی خانواده، تأثیر مستقیمی بر کودکان دارد. مخرب‌ترین معضل خانواده اعتیاد است. گاهی والدین به مصرف مواد مخدر می‌پردازند و گاهی نسل سوم یعنی پدر بزرگ و یا مادر بزرگ خانواده معتاد هستند. کودکان به شیوه‌های متفاوتی با هر نسل ارتباط دارند و از اعتیاد آنها تأثیر می‌پذیرند. کودکان والدین معتاد و الکلی در خانه‌ای بزرگ می‌شوند که فضای آن توأم با بدرفتاری، طرد و بی‌توجهی است. برخی از این کودکان از همان ابتدا با سندرم الکلی جنین متولد می‌شوند. در موارد دیگر، والدین یا یکی از آنها بعد از تولد کودک شروع به مصرف مواد می‌کنند و پیامدهای آن وارد چهره شاخص خانواده می‌شود.

وقتی که پدر بزرگ یا مادر بزرگ معتاد است. والدین نمی‌توانند به سهولت ارتباط فرزند خود را با آنان قطع کنند و مانع تشکیل ارتباطی آسیب‌زا با معتادین شوند. گاهی تصور می‌شود که با مرگ عضو معتاد و پیر خانواده، مشکل ایجاد شده نیز خواهد مرد. اما شواهد نشان می‌دهند که گاهی پدر یا مادر بعد از مرگ والدین معتاد خود دچار استرس شدید و آشفتگی‌های خانوادگی می‌گردد و خود شروع به مصرف مواد مخدر می‌نماید. انکار عمومی‌ترین الگوی این خانواده‌هاست. شدت پرخاشگری، بدرفتاری، برونریزی، فرار از منزل، دیر کردن و تأخیر در بازگشت به منزل و فعالیت‌های جنسی نابهنجار کودکان و نوجوانان از طرف والدین معتاد انکار می‌شود. کودکان یاد می‌گیرند که اعتیاد والد خود را انکار کنند و والدین نیز

مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان خود را که بازتاب اعتیاد آنهاست ندیده می‌گیرند. در برخی از موارد والدین معتاد از عهده نگهداری فرزندان خود بر نی‌آیند و آنها را به پدر و مادر بزرگ می‌سپارند. این والدین قدیمی که در اثر تربیت غلط، فرزندان خود را به طرف اعتیاد سوق داده بودند، همین روش را درباره تربیت نوه‌های خود نیز به کار می‌گیرند و زمینه بروز پدیده اعتیاد را در آنها فراهم می‌کنند. گاهی والدین دارای والدین معتاد هستند. آنها از کودکی اعتیاد والدین خود را یاد گرفته‌اند. به تدریج به طرف مصرف مواد رانده شدند و بنا به دلایل بیشماری از اعتراف به مشکل خود و تقاضای کمک سر باز زدند و اکنون افزایش مصرف و یا شروع اعتیاد فرزندان خود را نیز انکار می‌کنند و تمام رفتارها را نادیده می‌گیرند. به این ترتیب فرزندان نیز به انکار اعتیاد والدین و خودشان عادت می‌کنند.

والدین معتاد در مواجهه با مشکلات رفتاری فرزندان خود، گاهی از روش‌های خشنی استفاده کنند و در زمان دیگر تمام مشکلات کودکان و نوجوانان تازه معتاد خود را ندیده می‌گیرند.

روش‌های حل مسئله در خانواده‌های دارای عضو معتاد دارای ویژگی‌های خاصی است. راه حل‌ها دارای کانون کوتاه مدت و محدودند و در بلند مدت کارآیی ندارند. مثلاً "پدر برای آنکه از تأثیر اعتیاد خود بر فرزندان بکاهد، در هنگام مصرف مواد کودک بزرگتر را مسئول کودکان کوچک‌تر می‌کند تا شاهد مصرف مواد نباشند و آن را یاد نگیرند. این روش در کوتاه مدت مفید است اما در بلند مدت مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند.

راه حل‌ها در موارد و مواقع عادی موجب می‌شوند که ساختارها در جای مناسب خود قرار داشته باشند اما در هنگام بحران از هم می‌گسلند. به همین دلیل است که در فضای خانواده‌های معتاد سطح بالایی از تنش و هیجانات ناگهان رها شونده و پراکنده را احساس می‌کنیم.

راه حل‌ها معمولاً "به شدت واکنشی هستند و بار هیجانی زیادی به همراه دارند. الگوی ساختاری این خانواده‌ها با هرج و مرج و تداوم آشفتگی مشخص می‌شود. جریان عادی و روزمره دارای ثبات متعارف

نیست. کودکان زمان خواب و بیداری ثابتی ندارند. زمان صرف غذا، انجام تکالیف و دیگر فعالیت‌ها هیچ  
نظمی ندارند. در این پژوهش فقهی حقوقی نویسنده با بررسی ارتباط بین اعتیاد و ارتکاب جرم در  
خانواده‌های دارای والد معتاد به بررسی راه کارهای فقهی و حقوقی این معضل پرداخته است.

### پرسش اصلی پژوهش

چرا ارتکاب جرم در خانواده‌هایی که دارای والد معتاد می‌باشند بالاست؟ و چه ارتباطی میان اعتیاد و ارتکاب  
جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد وجود دارد؟

### پرسش فرعی

۱. چه خطراتی فرزندان دارای والدین معتاد را تهدید می‌کند؟ و راه‌های پیشگیری آنها کدام اند.

۲. چه رابطه‌ای بین داشتن والدین معتاد و گرایش به اعتیاد فرزندان وجود دارد؟

### فرضیات پژوهش

بین اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد ارتباط مستقیمی وجود دارد.

فرزندان دارای والد معتاد با خطراتی مانند بزهکاری، جرم، اعتیاد و ... مواجه هستند.

بین والدین معتاد و گرایش به اعتیاد فرزندان ارتباط مستقیمی وجود دارد.

### بیان مساله

زندگی کردن در خانواده‌هایی که با مشکل اعتیاد روبرو هستند اغلب بسیار دشوار است و به همین علت در  
خانواده‌های آسیب دیده از اعتیاد، افراد با انواع مشکلات عاطفی، روحی، روانی و اختلال‌های رفتاری روبرو  
می‌شوند. بیماری اعتیاد، اعضای خانواده فرد معتاد را تحت فشارهای عصبی غیر عادی قرار می‌دهد. بر اثر  
اقدامات و رفتارهای ترسناک و غیر منتظره - که از ویژگی‌های زندگی با یک فرد معتاد است - روند  
معمولی زندگی در این خانواده‌ها مختل می‌شود. آنچه که در باره خانواده معتادان گفته می‌شود با آنچه که  
حقیقتاً آنها به چشم خود می‌بینند و تجربه می‌کنند متفاوت بوده و با نگاهی دقیق‌تر متوجه می‌شویم که درون

زندگی خانواده معتاد با بیرون آن تفاوت بسیار دارد. فرد معتاد یا اعضای خانواده او برای حفظ شالوده و بنیان خانواده‌ای که به تدریج در حال از هم پاشیده شدن است، ممکن است مسائل را وارونه جلوه دهند، صحنه سازی کنند و یا حتی وجود اعتیاد و مشکلات ناشی از آن در خانواده خود را انکار کنند. همه ابعاد زندگی خانوادگی بر اثر مبتلا شدن یک یا چند عضو خانواده به بیماری اعتیاد با مشکل روبرو شده و اعضای خانواده به تدریج کنترل اوضاع را از دست می‌دهند. بر اثر انکار کردن مصائب و مشکلات ناشی از اعتیاد، مسائل جزئی و پیش پا افتاده مهم جلوه می‌کنند و مسائل مهم و جدی کم اهمیت و ناچیز شمرده می‌شوند و بدین ترتیب کنترل مشکلات از دست اعضای خانواده خارج می‌شود. حضور در محیط آشفته و خطرناکی که زندگی خانواده معتادان را دربر گرفته است، باعث می‌شود تا احساس نیاز و وابستگی کودکان به والدین خود؛ با ترس و نگرانی همراه باشد. کودکان خانواده‌های معتاد در دوران جوانی ممکن است با هیجانات و احساسات شدید روحی روانی روبرو شده و به علت عدم برخورداری از حمایت و تربیت مناسب خانوادگی نتوانند این مسائل و مشکلات روانی را درک و آنها را حل و فصل کنند؛ در نتیجه معمولاً نوجوانی که در یک خانواده معتاد پرورش یافته است رفتارهای تدافعی شدیدی از جمله: نادیده گرفتن احساسات خود، انکار وجود مشکلات، مقصر دانستن دیگران، توجیه کردن و منطقی جلوه دادن مشکلات، روشنفکر نمایی، کنترل شدید، انزوا طلبی و گوشه گیری، ظاهر سازی یا خوددرمانی با هدف کنترل آشفتگی درونی را در پیش می‌گیرد. خانواده‌های عادی از قابلیت برقراری و حفظ ثبات در خانواده یا نظم بخشی درونی خانواده - که در اصطلاح علمی به آن هوموستازی گفته می‌شود - برخوردار هستند. اما زمانی که پای اعتیاد به دورن خانواده باز می‌شود، آن‌ها دیگر نمی‌توانند مثل گذشته مسائل خود را سر و سامان دهند و در نتیجه نحوه برخورد آنها با مسائل و مشکلات عاطفی به شدت تغییر می‌کند. خانواده به عنوان یک نهاد، معمولاً تلاش می‌کند تا در درون خود تعادل و توازن ایجاد کند، اما در خانواده‌ای که یکی از اعضای آن معتاد است، این توازن و تعادل برهم می‌خورد. فرد معتاد به خاطر مسائل و مشکلاتی که هم برای خود و

هم برای اعضای خانواده‌اش ایجاد می‌کند، باعث می‌شود تا زندگی همه اعضای خانواده حالت غیر عادی پیدا کند. اعضای خانواده معتاد تلاش می‌کنند تا واقعیت زندگیشان را از خودشان، از فرزندانشان و از بستگان و اطرافیانشان مخفی نگه دارند. با آشفته شدن و بهم ریختن نظم زندگی خانوادگی، اعتماد و باور اعضای خانواده از بین می‌رود و آنها دیگر نمی‌توانند پیش بینی کنند که با چه حوادث و رویدادهایی روبرو خواهند شد. در این خانواده‌ها به حرف‌ها و وعده‌های هیچکس نمی‌توان اعتماد کرد و کسانی که اعضای خانواده برای برخورداری از ثبات و آرامش باید به آنها تکیه کنند، رفتاری در پیش می‌گیرند که ارزش و اعتباری ندارد. در چنین خانواده‌های کودکان و بزرگسالان نمی‌دانند که به چه کسی می‌توانند اعتماد کنند. با پیشرفت و شدیدتری شدن بیماری اعتیاد، اعضای خانواده فرد معتاد نیز الگوهای رفتاری خاصی در پیش می‌گیرند و همین رفتارها به تدریج باعث آشفتگی و ناکارآمدی بیشتر می‌شود. در این گونه خانواده‌ها معمولاً کودکان به حال خود رها شده و مجبور می‌شوند تا خودشان گلیم خود را از آب بیرون بکشند و مشکلاتشان را حل کنند. در چنین خانواده‌ای هر کس که بخواهد به طور علنی با بیماری اعتیاد مقابله و مبارزه کند به عنوان خائن محسوب می‌شود. به همین علت اعضای خانواده ممکن است در دنیای درونی خود فرو بروند یا اینکه برای جلب توجه و محبت سایر اعضا یا والدین معتادشان با یکدیگر رقابت کنند. به علت خالی بودن جای یک فرد بزرگسال قابل اعتماد در خانواده، ممکن است کودکان خودشان نقش والدین را بازی کرده و برای جبران کردن محبت والدین، خودشاناز یکدیگر مراقبت و مواظبت کنند.

خانواده‌هایی که با بیماری اعتیاد دست به گریبان هستند، با محدودیت‌های عاطفی و روانی روبرو می‌شوند. اعضای این خانواده‌ها نمی‌توانند به راحتی حرف‌های دلشان را به یکدیگر بزنند و ابراز وجود کنند چون از آن می‌ترسند که حرفهایشان به وقوع یک فاجعه منجر شود. اعضای چنین خانواده‌هایی برای اینکه از گرفتاری‌های فرد معتاد در امان باشند. اغلب احساسات واقعی خود را مخفی می‌کنند. همه اعضا بسیج می‌شوند تا رفتارهای غیر قابل کنترل معتاد را مهار نمایند. آن‌ها هر روشی که به فکرشان برسد را امتحان

می‌کنند تا معتاد را به قطع مصرف مواد و ترک کردن اعتیاد ترغیب کنند. آن‌ها ممکن است با خشم و عصبانیت با او رفتار کنند یا او را تنبیه و یا طرد کنند. در واقع آنها برای مهار کردن اعتیاد و پیشگیری از متلاشی شدن خانواده هر کاری که از دستشان بر بیاید را انجام می‌دهند. زندگی روزمره در این شرایط باعث می‌شود که اعضای خانواده بطور مداوم در یک حالت التهاب و خطر زندگی کنند و به همین علت آسایش و آرامش همه آن‌ها برهم می‌خورد. همه گوش به زنگ هستند که مبادا فرد معتاد با رفتارهای پر خطرش بلایی بر سر خود یا دیگر اعضای خانواده بیاورد. آن‌ها همیشه در هراس هستند که فرد معتاد جرم و جنایتی مرتکب نشود یا برای تهیه پول مواد ائاثیه منزل یا سایر اموال خانواده را به سرقت نبرد. کودکانی که در این شرایط بزرگ می‌شوند، همیشه مراقب هستند تا خود را از هر گونه خطر جانی نجات داده و در مواقع بحرانی برای خود پناهگاهی پیدا کنند. هیچ یک از اعضای خانواده معتاد حاضر نیست که درباره مشکل اعتیاد در خانواده صحبت کند چون قبول کردن و روبرو شدن با این موضوع برای اعضای خانواده بسیار سخت و دردناک است. به همین دلیل آنها به تدریج از یکدیگر فاصله گرفته و ارتباطشان کم می‌شود. با این حال، زمانی که احساسات دردناک آن‌ها روی هم انباشته می‌شوند به یکباره عکس العمل‌هایی غیر عادی و شدید از خود نشان می‌دهند. بروز چنین رفتارهای غیر ارادی و خشن از اعضا، خانواده را به مرکز تولید و ایجاد بی‌وقفه آسیب‌ها و ضربات روحی و روانی تبدیل می‌نماید. ضربات روحی و روانی به بخشی از زندگی روزمره هر یک از اعضای خانواده تبدیل شده و باعث می‌شود تا آنها نتوانند رفتاری متوازن و متعادل با یکدیگر داشته باشند. احساس گناه و شرمساری اعضای خانواده از رفتارهای غیر عادی و نامعقول عضو معتاد، به همراه فشارهای عصبی که برای انکار اعتیاد عزیزشان متحمل می‌شوند، باعث می‌شود تا آنها از درخواست کمک خودداری کنند. به همین علت است که اعضای چنین خانواده‌هایی در زندگی فعلی و آینده خود با انواع مختلف مشکلات روبرو می‌شوند. فرزندان خانواده‌های معتاد ممکن است نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که وظیفه پدر و مادر آن‌ها است را عهده دار شوند و به دلیل اینکه اطلاعات زیادی در

خصوص نحوه کنار آمدن با مسائل و مشکلات ندارند، احتمالاً در ارتباط برقرار کردن با دیگران یا در محیط کارشان نیز دچار مشکلات زیادی می‌شوند.

زمانی که هیچ یک از اعضای خانواده درباره آنچه که بر سرشان آمده است صحبت نمی‌کند، کودکان مجبور می‌شوند تا خودشان به این فکر بیفتند که چگونه می‌توانند مشکل اعتیاد و اثرات ناشی از آن را به تنهایی حل نمایند. اگرچه که صحبت کردن در خصوص همه مسائلی که در خانواده به وجود می‌آید ضروری نیست، اما عدم موشکافی و صحبت کردن در مورد مسائل مهم باعث بروز سوء تفاهم، سردرگمی و یا کج خیالی اعضای خانواده می‌شود. صحبت کردن و تجزیه و تحلیل مشکلات باعث می‌شود تا از بروز عصبانیت در خانواده پیشگیری شده و از تا حدودی از بروز مسائل و مشکلات روحی و روانی در مراحل بعدی زندگی جلوگیری گردد. مسائل و مشکلاتی که خانواده معتاد با آنها روبرو است موقتی نبوده و بلکه بدون وقفه ادامه دارد. برای کودکانی که در یک خانواده معتاد رشد می‌کنند، ممکن است هیچ نقطه امن و پناه گاهی وجود نداشته باشد؛ چون افرادی که کودکان باید به آغوش آنها بپرند خودشان از مشکلات ناشی از بیماری اعتیاد در عذاب هستند و نمی‌توان از آنها انتظار داشت که بتوانند توجه و محبت کافی به کودکان داشته و آنها را به طور کامل تحت حمایت خود قرار دهند. اگر برای بهبودی عضو معتاد خانواده اقدامی صورت نگیرد، تاثیرات ناشی از اعتیاد و رفتارهای ناهنجار و غیر معقولی که اعضای خانواده برای کنار آمدن با فرد معتاد و زندگی خانوادگی در پیش می‌گیرند به رفتاری عادی و دائمی تبدیل می‌شود. افراد خانواده معتاد همواره با ذهنی آشفته و دردناک زندگی می‌کنند و همیشه یا می‌خواهند از محیط خانه فرار کنند یا در برابر دیگر اعضا عصبانی و پرخاشگر می‌شوند. در صورت طولانی شدن زندگی در این شرایط ناخوشایند، اعضای خانواده در معرض مبتلا شده به انواع مشکلات روحی و روانی قرار خواهند گرفت.

نویسنده در این پژوهش به دنبال بررسی و پاسخ به این سؤال است که چه ارتباطی میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد وجود دارد؟



## سوابق مربوط

درباره موضوع پژوهش تاکنون چندین پژوهش و مقاله مشابه نگاشته شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- دالوندی اصغرو صدرالسادات سیدجلال الدین (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان، پژوهشی پیرامون مشکلات روانی - اجتماعی نوجوانان «پدر معتاد» به بررسی موضوع پرداخته و نتایج زیر را حاصل نمودند. الکل و دیگر مواد مخدر بر زندگی نوجوانانی که والدین آنها به مصرف مواد مخدر وابسته باشند، تأثیر فراوان باقی می‌گذارد. این قبیل نوجوانان نه تنها بعداً در معرض خطرات ناشی از مصرف مواد مخدر هستند، بلکه از دیگر مشکلات روانی اجتماعی نیز رنج می‌برند.

در مطالعه حاضر که با هدف شناسایی مشکلات روانی - اجتماعی (افت تحصیلی، اختلال در روابط اجتماعی، و بروز اضطراب) نوجوانان پدرمعتاد انجام گرفته، از پرسشنامه ۹۰ سوالی آزمون روانی - اجتماعی (SCL-90)، پرسشنامه وضعیت تحصیلی و پرسشنامه حوادث زندگی استفاده شده است. این مطالعه از نوع مطالعات مورد - شاهدهی است و در ابتدا، با مراجعه به مرکز بازپروری قرچک ورامین، تعدادی از معتادانی که دارای فرزند نوجوان ۱۸-۱۲ ساله (پسر و دختر) و معیارهای مورد نظر بودند، به صورت تصادفی انتخاب و سپس از بین فرزندان آنها ۴۰ نفر به عنوان جامعه مورد تعیین شدند. به منظور مقایسه، تعداد ۴۰ نفر نوجوان "پدر غیر معتاد" از فامیل و ۴۰ نفر نوجوان "پدر غیرمعتاد" از همکلاسیها که از نظر متغیرهای سن، جنس، سطح تحصیلی، تعداد فرزندان در خانواده سطح تحصیلات و شغل پدر و مادر همتا شده بودند، به عنوان گروه شاهد به طور تصادفی انتخاب و در آزمون شرکت داده شدند.

نتایج این پژوهش حاکی از تفاوت معنی دار در وضعیت تحصیلی، اختلال در روابط متقابل، و میزان اضطراب نوجوانان "پدر معتاد" و نوجوانان "پدر غیرمعتاد" است. بدین معنی که در گروه مورد، افت تحصیلی، اضطراب و اختلال در روابط متقابل بیشتر است و بین اعتیاد پدر و مشکلات روانی - اجتماعی

فرزندان نوجوان آنها، رابطه معنی داری وجود دارد. ( $P < 0.05$ )

۲- مهدی پوررابری رقیه، نعمت الهی منیرالسادات و نوحی عصمت (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "بررسی نقش خانواده در اعتیاد فرزندان از دیدگاه مادران دارای فرزند معتاد شهر کرمان" به بررسی موضوع در شهر کرمان پرداختند. در نظر ایشان؛

خانواده‌ها نقش مهمی در اعتیاد فرزندان دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباط نزدیکی بین افراد خانواده و اعتیاد وجود دارد. از آنجایی که در میان اعضای خانواده فردی که از کودکی بیشترین زمان را با فرد می‌گذراند مادر است، بنابراین بر آن شدیم تا نقش مادران را از دیدگاه مادران افراد معتاد بررسی کنیم.

روش کار: این مطالعه یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که بر روی ۲۰۰ مادر دارای فرزند معتاد به مواد مخدر انجام شد. در این مطالعه ۲۰۰ مادر بین ۴۰ تا ۷۰ سال که بنا به گفته خود فرزند معتاد به مواد مخدر داشتند، به روش خوشه‌ای از سطح شهر کرمان انتخاب شدند. پس از آگاهی دادن و گرفتن رضایت نامه، از پرسشنامه پژوهشگر ساخته‌ای که شامل اطلاعات دموگرافیک و ۲۰ سؤال در مورد نقش مادران در اعتیاد فرزندان بود و پایایی و روایی آن مورد تأیید واقع شده بود، استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از SPSS15 و آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که ۸۵٪ مادران فرزند پسر معتاد و در سنین ۲۲ تا ۴۵ سال داشتند. ۸۰٪ مادران خود را در اعتیاد فرزندان مقصر می‌شمردند و بر این باور بودند که اگر می‌دانستند که فرزند آنان نیز ممکن است معتاد شود، بیشتر مراقب می‌بودند. جدال خانوادگی در ۸۳٪، بی‌اعتنایی به فرزندان در ۴۱٪، مصرف مواد در حضور فرزندان در ۳۶٪ مؤثر گزارش شد.

نتیجه گیری: یافته‌ها نشان داد که آگاهی مادران به میزان زیادی می‌تواند از اعتیاد فرزندان پیشگیری نماید.

۳- اعتمادی احمد، ماستری فراهانی فاطمه (۱۳۹۰)، در پژوهش خود با عنوان: مقایسه وضعیت سلامت روانی و منبع کنترل نوجوانان دختر خانواده‌های معتاد و غیرمعتاد. به بررسی موضوع پرداختند. ایشان چنین

عقیده دارند که؛

در این پژوهش مقایسه‌ای، به تعداد ۱۲۰ نفر، که از این تعداد ۶۰ نفر نوجوان وابسته به خانواده‌های معتاد و ۶۰ نفر وابسته به خانواده‌های غیر معتاد از شهرستان رباط کریم شهر تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت، اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه سلامت روانی (GHQ) جمع‌آوری شد و با استفاده از روش آماری  $t$  و تحلیل واریانس دو طرفه (شیفر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بدست آمده به شرح زیر می‌باشد: تفاوت معناداری بین سلامت روانی نوجوانان دارای منبع کنترل درونی با توجه به  $t=2/84$  وجود داشت، و همچنین تفاوت معناداری بین سلامت روانی نوجوانان دختر خانواده‌های معتاد و غیر معتاد با توجه به  $t= 2/61$  وجود داشت، که بین سلامت روانی نوجوانان دختر خانواده‌های معتاد و غیر معتاد، با در نظر گرفتن منبع کنترل هم و با توجه به  $f= 2/86$  تفاوت معناداری وجود داشت. نوجوانان دختر دارای منبع کنترل درونی وابسته به خانواده‌های غیر معتاد از سلامت روانی بیشتری برخوردار بودند. و سرانجام نوجوانان خانواده‌های معتاد دارای منبع کنترل بیرونی و نوجوانان خانواده‌های غیر معتاد دارای منبع کنترل درونی به ترتیب از کمترین و بیشترین میزان سلامت روانی برخوردارند، رشد و تقویت منبع کنترل درونی یکی از روش‌های مناسب برای پیشگیری و کاهش آسیب‌پذیری است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود درباره موضوع چندین پژوهش انجام شده است و به علت اهمیت موضوع این مبحث مورد تطبیق در کشورهای زیادی صورت گرفته است. نویسنده در پژوهش خود با نگاهی جدید به موضوع وبه بررسی ارتباط بین اعتیاد و ارتکاب جرم در بین خانواده‌های دارای والد معتاد می‌پردازد.

### اهداف تحقیق

- ۱- بررسی ارتباط بین اعتیاد و ارتکاب جرم در بین خانواده‌های دارای والد معتاد
- ۲- بررسی خطراتی که فرزندان دارای والدین معتاد را تهدید می‌کند و راه‌های پیشگیری آنها کدام‌اند.

۳- نتایج این پژوهش برای استفاده دانشجویان فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی، و نیز طلاب و قضات محترم می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

### اهمیت پژوهش

بی‌شک نقش خانواده به عنوان واحد اصلی و عنصر تاثیرگذار بر روابط، رفتارها و خصوصیات ذاتی و اکتسابی اعضا، واضح و غیرقابل تردید است. تاثیرگذاری و تاثیرپذیری افراد این نهاد کوچک اجتماعی از یکدیگر، باعث شده خانواده همواره عنصر اصلی مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی قرار گیرد و تاثیر آن بر موفقیت‌ها یا آسیب‌های فردی و اجتماعی در موضوعات مختلف سنجیده شود. خانواده سالم بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی و بالندگی اعضای خود فراهم می‌کند و در حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی آن‌ها تاثیر فراوان و غیرقابل انکاری دارد. در مقابل، خانواده ناسالم زمینه را برای ایجاد اختلاف در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی فراهم کرده و افراد را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد. از موضوعات قابل تحقیق در مطالعات خانوادگی، بحث نقش اعتیاد خانواده در ارتکاب جرم فرزندان است. در این پژوهش به بررسی ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد می‌پردازیم.

### روش کار

الف- نوع روش تحقیق: تحلیلی - تبیینی

ب- روش گردآوری اطلاعات: کتابخانه‌ای

پ- ابزار گردآوری اطلاعات: فیش برداری

# فصل اول

## کلیات و مفاهیم

## مبحث اول - واژگان شناسی

### گفتار اول - مفهوم اعتیاد

تعریف‌های متعددی از اعتیاد ارائه گردیده، اما تعریف جامع و قابل قبول از سوی کمیسیون بهداشت جهانی، بدین شرح است: «اعتیاد به مواد مخدر، مسمومیت حاد یا مزمنی است که مضر به حال شخص و اجتماع می‌باشد و زائیده مصرف دارویی طبیعی و صنعتی بوده و مصرف آن، عوارض روحی و جسمی را در پی دارد.»<sup>۱</sup>

اعتیاد را به عادت کردن، خو گرفتن، و خود را وقف عادت‌های نکوهیده کردن معنا کرده‌اند؛ به عبارت دیگر تسلیم به ماده مخدر که از نظر جسمی و یا اجتماعی زیان آور شمرده می‌شود، اعتیاد نام دارد.<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۵۰ سازمان ملل متحد تعریف زیر را برای اعتیاد به مواد مخدر ارائه کرد: «اعتیاد به مواد مخدر عبارت است از مسمومیت تدریجی یا حادی که به علت استعمال مداوم یک دارو اعم از طبیعی یا ترکیبی ایجاد می‌شود و به حال شخص و اجتماع زیان آور است.»<sup>۳</sup>

اعتیاد (همچنین: خوگری) حالتی، که در آن شخص به علت روانی یا مصرف مواد شیمیایی، طبیعی دچار ضعف اراده در کنترل تکرار اعمال خود می‌شود هرچند ضعف اراده فی نفسه بیماری نیست ولی به علت عوارضی که بر سیستم عصب مرکزی شخص ایجاد شده به عنوان بیماری فرض می‌شود و این بیماری با ایجاد اختلال در کنترل بر سیستم رفتار-پاداش، باعث تکرار آن رفتار می‌گردد.<sup>۴</sup>

بیماری اعتیاد مدارهای عصبی مربوط به نظام پاداش، انگیزش، و حافظه را در مغز دچار اختلال کرده، و اختلال در این سیستم‌ها در مغز باعث بروز عوارض بیولوژیکی، فیزیولوژیکی، اجتماعی و روحی می‌گردد.

<sup>۱</sup> کفایشان محمدعلی، خودآموز ترک اعتیاد، کتابخانه دانشگاه پیام نور اصفهان، ۱۳۸۱، ص ۷۳

<sup>۲</sup> معین محمد، فرهنگ فارسی، ذیل واژه

<sup>۳</sup> ستوده هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱ و ۱۹۲.

<sup>۴</sup> West, Robert. Theory of Addiction. Addiction Press, 2013, p 66

بررسی اعتیاد به عنوان عارضه‌ای روانی، اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه علوم پزشکی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و همین‌طور از دیدگاه‌های فلسفه، قانون، اخلاق و مذهب صورت می‌گیرد. از سال ۱۹۶۴ میلادی، سازمان بهداشت جهانی استفاده از عبارت وابستگی دارویی یا وابستگی به دارو را به جای اصطلاح اعتیاد توصیه نموده‌است. در عموم به لحاظ مفهومی، بیماری اعتیاد یک بیماری اصلی، مزمن و عصبی است، که در اثر عوامل ژنتیکی، فیزیولوژیک و اجتماعی رشد و بروز پیدا می‌کند، به طوری که وجه مشخصه این بیماری اختلال در کنترل انجام عملی، یا احساس اجبار در انجام یک عمل مشخص، با وجود آگاهی نسبت به عواقب خطرناک آن باشد.<sup>۱</sup>

وابستگی به مواد (مواد مخدر و مشروبات الکلی)، یا عادت‌های ناهنجار، یک اختلال روان پزشکی و روان‌شناسی بوده که از یک سو، معنای لغت خوشبختی را در زندگی فرد و خانواده او از بین می‌برد و از سوی دیگر آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی بیشماری را به همراه دارد. البته عادت‌های ناهنجار و اعتیادهای رفتاری مستقل از مواد شیمیایی تا همین سالهای اخیر هم در طبقه‌بندی‌های رسمی به عنوان اعتیاد محسوب نمی‌شدند و مدت کوتاهی است که اعتیادهایی مانند اعتیاد به اینترنت، اعتیاد به کار و اعتیاد به بازی‌های کامپیوتری به عنوان شکلی از اعتیاد طبقه‌بندی شده و مورد توجه قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup>

یکی از بزرگترین مشکلات اغلب کشورها در عصر امروز، پدیده سوء مصرف مواد است، که بطور مستقیم و غیر مستقیم، کوتاه مدت و بلند مدت، کیفیت زندگی ساکنین آن را تحت‌الشعاع قرار داده است. اعتیاد پاسخ فیزیولوژیک بدن است به مصرف مکرر مواد اعتیادآور. این وابستگی از طرفی باعث تسکین و آرامش موقت و گاهی تحریک و نشاط گذرا برای فرد می‌گردد و از طرف دیگر بعد از اتمام این اثرات سبب جستجوی فرد برای یافتن مجدد ماده و وابستگی مداوم به آن می‌شود. در این حالت فرد هم از لحاظ جسمی و هم از

---

<sup>۱</sup> PETER M. MILLER & Others. PRINCIPLES OF ADDICTION, Comprehensive Addictive Behaviors and Disorders, Volume 1..Elsevier Inc ,2013. 23

لحاظ روانی به ماده مخدر وابستگی پیدا می‌کند و مجبور است به تدریج مقدار ماده مصرفی را افزایش دهد.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم - مفهوم جرم

**تعریف لغوی جرم:** جرم در لغت به معنای گناه، خطا و بزه به کار می‌رود، در معنای گناه نیز به کار بد، بزه، عمل زشت، نافرمانی، معصیت و جرم اشاره شده است در فرهنگ دهخدا جرم به معنی گناه و تعدی آمده است.<sup>۲</sup>

اصل معنی جرم، بریدن میوه از درخت است و برای هر کسب و کار زشت و مکروه، استعاره شده است و به معنی وادار کردن به کار ناپسند نیز اطلاق شده است.<sup>۳</sup>

**تعریف جرم از دیدگاه‌های مختلف:** جرم عبارت از اینکه افعالی که مغایر با احکام یا اوامر خداوند متعال و نیز مواردی که مخالف با موازین اجتماعی جامعه هست که از نظر بسیاری از افراد کار زشت و ناپسند محسوب می‌شود و هرکس با توجه به میزان تقصیر خود در ارتکاب جرم باید به همان میزان مجازات گردد در این باره به بیان تعریفی چند از نظریات مختلف می‌پردازیم:

**تعریف جرم از نظر فقها:** جرم انگاری در هر نظام کیفری ریشه در ارزش‌های پذیرفته شده آن مکتب دارد و به همین دلیل نظام کیفری در هر جامعه نشان دهنده ارزش‌های مورد تأیید آن جامعه است اسلام نیز با توجه به ارزش‌های واقعی در زندگی انسان کلیه اعمالی را که به نوعی ارزش‌های اساسی مربوط به زندگی فردی و اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد جرم دانسته و به تناسب اهمیت آن ارزش‌ها برای جرائم،

---

<sup>۱</sup> Pipher, Mary. THE SHELTER OF EACH OTHER Rebuilding Our Families to Enrich Our Lives. 1996, p 74

<sup>۲</sup> دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه ص ۱۶

<sup>۳</sup> آصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن در ماده جرم، ص ۱۶۶



مجازات مقرر نموده است. جرم از دیدگاه اسلام هر فعل یا ترک فعل است که با مصالح و مفاسد واقعی انسان اعم از مادی و معنوی و دنیوی و اخروی ارتباط پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

از نظر فقها و یا به تعبیر دیگر دیدگاه اسلام، افعالی جرم تلقی می‌شود که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند این افعال در قرآن کریم با نام‌های مختلف از قبیل سوء، اثم، جناح و.. مذکور است.

جناح (گناه) که موضوع حدود و تعزیرات اسلامی است شامل هر فعلی ولو آنکه تنها جنبه شخصی داشته باشد یعنی مفسده‌ی آن عاید خصوص مرتکب گردد نیز می‌شود مانند: رده، شرب، خمر، کذب، ترک واجبات و غیره، تعریف جرم، تعریف عام است که می‌توان آن را برائت و معصیت و خطیئه نیز تسری داد و در این تعریف، همه دارای یک ماهیت هستند و عبارتند از:

نافرمانی خدای تعالی و سرپیچی از اوامر و نواهی او که به دنبال آن استحقاق مجازات وجود دارد.<sup>۲</sup>

**تعریف جرم از دیدگاه حقوق دانان:** علمای حقوق کیفری هر یک، جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند هر یک از این تعاریف اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم بوده است برای نمونه مکتب عدالت مطلق جرم را «هر عمل مغایر اخلاق و عدالت، تعریف کرده است یا بنا به تعریف گاروفالو یکی از بنیان گذاران دانش جرم شناسی، جرم عبارت است از: تعرض به احساس اخلاق بشر که شفقت و درستکاری را شامل می‌شود» یا به تعبیری دیگر «جرم عبارت است از عملی که خلاف نوعی از احساسات شرافتمندانه و خدایسندانه انجام شود».<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۱۲۴

<sup>۲</sup> همان، ص ۶۵

<sup>۳</sup> همان

در تعریف دیگری از حقوقدانان فرانسه، علاوه به عنصر قانونی و مادی جرم، عنصر روانی نیز در تعریف منظور شده است طبق این تعریف جرم عبارت است از تجلی خطاکارانه ی اراده مشخص برخلاف حق که قانون برای آن کیفر تعیین کرده است. کارا در تعریف جرم می‌گوید:

«هر عمل مغایر اخلاق و عدالت، تعریف کرده است» یا بنا به تعریف گاروفالو، جرم عبارت است از: تعرض به احساس اخلاق بشر که شفقت و درستکاری را شامل می‌شود» یا به تعبیری دیگر «جرم عبارت است از عملی که خلاف نوعی از احساسات شرافتمندانه و خدایسندانه انجام شود»<sup>۱</sup>

دقیق‌ترین و ساده‌ترین تعریف از جرم این است که جرم چیزی است که قانون جزا آن را منع کرده است، یعنی فعل یا ترک فعلی که در قانون قابل مجازات است ماده ۲ ق. م مصوب سال ۱۳۹۲ در مورد تعریف جرم به ضمانت اجرای کیفری مجازات‌های مقرر در ماده ۲ قانون مزبور اکتفا نموده و مقرر می‌دارد:

ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.

### گفتار سوم- مفهوم خانواده

فیروزآبادی در تفسیر و تعریف خانواده در لغت می‌گوید: خانواده سپر آهنین است و برای مرد، نیروی مطمئن.<sup>۲</sup>

بنابراین مفهوم لغوی خانواده تنها در حوزه و قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشان او که با آن‌ها قدرتمند می‌شود، نیز هست.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۶۶

<sup>۲</sup> شریف قریشی، باقر، نظام خانواده در اسلام، به نقل از قاموس المحيط، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶، ص ۱۱.

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۲

در اصطلاح خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنها، آن را تشکیل می‌دهند. خانواده شامل مجموعه‌ای از افراد است که با هدف مشترک و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می‌آیند. اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند، که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می‌دهد. نکاح، عقدی است که بر اساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می‌شود و در پس آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می‌آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می‌گردند!<sup>۱</sup>

از نظر حقوقی محض، خانواده عبارت است از مجموع اشخاصی که به واسطه قرابت بهم بستگی دارند و این خویشاوندی رابطه‌ای است که از نسب یا نکاح یا رضاع حاصل می‌شود و خود نکاح، عقدی است که به واسطه آن زن و مرد به قصد مشارکت در زندگی و تعاون بایکدیگر قانوناً متحد شده‌اند و این تعریفی است که حقوقدانان ما تقریباً به طور هم آهنگ از نکاح نموده‌اند.<sup>۲</sup>

«خانواده به معنای عام، یا خانواده گسترده عبارت از گروهی است مرکب از شخص و خویشان نسبی همسر او، گروهی که از یک دیگر ارث می‌برند مواد ۸۶۲، ۱۰۳۲ قانون مدنی طبقات اقرباء نسبی را بیان می‌کند»<sup>۳</sup>

«ماده ۱۰۳۲ قانون مدنی بیان می‌کند:

قرابت نسبی به ترتیب طبقات ذیل است.

طبقه اول: پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد.

---

۱. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ نهم، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۴، ص ۲۰

۲ صفایی سید حسین، امامی اسد الله، مختصر حقوق خانواده - تهران - انتشارات میزان - چاپ هشتم، ص ۲۱۲  
۳ لنگرودی محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، تهران، کتابخانه گنج دانش - چاپ چهاردهم، ص ۱۲۲

طبقه دوم: اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها

طبقه سوم: اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها»

«ضابطه این خانواده، همان ارث بردن است البته نکاح با بعضی از اقرباء سببی قانوناً ممنوع است.»<sup>۱</sup>

«ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی بیان می‌دارد: «نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه مصاهره ممنوع است:

۱- بین مرد و مادر و جدات زن و اوزهر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی.

۲- بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا یکی از اجداد زن پسر یا زن یکی از حفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد.

۳- بین مرد با ناث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد.»<sup>۲</sup>

«حتی مأمور اجرای احکام نمی‌تواند متصدی اجرای حکم نسبت به اشخاصی که با آنها قرابت سببی تا درجه معینی دارد (ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنی) به هر حال، خانواده به معنای گسترده در قدیم اهمیت بیشتری داشته ولی در عصر جدید اهمیت خود را تا حد زیادی از دست داده است. خانواده به فضای خاص، عبارت از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنهاست که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند. معیار ضابطه تشکیل این خانواده همان ریاست یک شخص بر اعضای آن است ماده ۱۱۰۵ ق.م. می‌گوید: در روابط زوجین ریاست خانواده با شوهر است.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> کاتوزیان، ناصر، «حقوق مدنی خانواده»، تهران، جلد اول، انتشارات بهمن برنا، ۱۳۷۸، ص ۱۹۲

<sup>۳</sup> همان، ص ۱۹۶

گروهی از محققان علوم اجتماعی، خانواده را به «گروهی از افراد که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به هم خویشاوند محسوب می‌شوند»؛ تعریف کرده بودند. گروهی دیگر از جامعه‌شناسان، برای تعمیم خانواده، به گونه‌ای که افزون بر روابط هم‌خونی، مواردی هم چون فرزند‌پذیری و پذیرش‌های اجتماعی و قراردادی را نیز در برگیرد، خانواده را این گونه تعریف کردند: «گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند».<sup>۱</sup>

دیگر صاحب‌نظران نیز در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، تعاریف و تعبیر مشابهی در تعریف خانواده به کار برده‌اند، برای نمونه، به دو تعریف دیگر اشاره می‌شود:

- خانواده ترکیبی از افرادی است که از راه خون، زناشویی، و یا فرزند‌پذیری، با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص، با هم زندگی می‌کنند.

خانواده پیوندی است که با نهاد ازدواج، یعنی صورتی از روابط جنسی، که به تصویب جامعه رسیده، مرتبط است.

- خانواده گروهی اجتماعی است که بزرگ‌سالان آن (مذکر و مؤنث) از نظر جنسی، با هم زندگی می‌کنند و از نظر اقتصادی، همکاری دارند و دارای یک بچه یا بیش‌تر هستند.<sup>۲</sup> که قدر مشترک این گونه تعاریف را می‌توان در سه محور خلاصه کرد:

۱. خانواده بر مبنای ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد.

<sup>۱</sup> ساروخانی باقر، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵، ص ۳  
<sup>۲</sup> برای آگاهی بیشتر، ر.ک: بروس کونن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا، ۱۳۷۷، ص ۳۲. باقر ساروخانی، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، استفان مور، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی‌نائب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲.

۲. روابط نسبی (قرار دادی یا واقعی) یا سببی بین اعضای آن وجود دارد.

۳. افزون بر کارکردهای زیستی (تولید مثل)، کارکردهای آموزشی، تربیتی و اقتصادی نیز برای آن متصور است.

با این حال، نگاهی گذرا به سیر تطورات خانواده، نشان می‌دهد که این نهاد کهن، در عمر طولانی خود - به ویژه در دوران معاصر - دست خوش چنان تغییراتی شده است که مشکل بتوان تعریفی جامع از آن ارائه داد. از این دیدگاه، تصور قالبی ما از خانواده، که از یک شوهر، همسر و فرزندانشان ترکیب می‌شود، با توجه به ساختار خانواده در سراسر تاریخ بشر، تصور چندان درستی نیست.<sup>۱</sup>

بر این اساس، تعریف خانواده، امری سهل و ممتنع است. سهل است به علت تصور قالبی که از خانواده، حتی در ذهن خواص وجود دارد و آن را ترکیبی از شوهر، همسر و فرزندان می‌پندارد؛ و ممتنع است به سبب گونه‌های بی‌شمار و متفاوتی که قدر مشترک آنها، تنها اطلاق نام «خانواده» است و جز آن، قدر مشترک دیگری ندارند. به همین دلیل، مارتین سگالن معتقد است که جامعه‌شناسی معاصر ناگزیر است که در تعریف خانواده، تا حدودی محتاطانه وارد عمل شود؛ زیرا «خانواده» واژه‌ای با معانی متعدد است و از یک چارچوب مفهومی، که قادر به تعریف حیطه گسترده پدیده‌های خانوادگی باشد، محروم است.<sup>۲</sup>

در واقع، جامعه‌شناسان معاصر از ارائه یک تعریف کلی درباره خانواده پرهیز می‌کنند؛<sup>۳</sup> زیرا ارائه تعریفی جامع که همه مصادیق خانواده را - از خانواده سنتی گرفته تا مواردی که در عصر جدید، نام خانواده گرفته‌اند، مانند روابط زناشویی خارج از چارچوب رسمی، زندگی‌های مشترک هم جنس‌بازان، خانواده‌های تک والدینی - در برگیرد، ممکن نمی‌دانند. از این رو، مناسب‌تر آن است که برای آشنایی بیشتر با مفهوم

<sup>۱</sup> بروس کونن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ص ۱۲۷

<sup>۲</sup> مارتین سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰، ص ۵۳

<sup>۳</sup> استفان مور، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ص ۳۲

خانواده، به جای ارائه تعریفی جامع، به بررسی گونه‌های مختلف خانواده و تعاریف آن‌ها بسنده کنیم. در همین باره، سگالن می‌نویسد: «به جای این که در قالب واژگانی دقیق، همیشه از خانواده سخن بگوییم، اصطلاحاتی را به کار خواهیم گرفت که به نظر می‌رسند این نهاد را در جنبه خاصی که مورد بررسی است، به روشن‌ترین وجهی تعریف می‌کنند و به همین منظور، از اصطلاحاتی چون خانواده تک هسته‌ای، گروه خانگی و روابط خویشاوندی استفاده خواهیم کرد».<sup>۱</sup>

این بررسی، در دو مقطع زمانی (پیش از انقلاب صنعتی و پس از آن) صورت می‌گیرد: خانواده و گونه‌های آن پیش از انقلاب صنعتی خانواده در دوران پیش از انقلاب صنعتی، از چند ویژگی و مؤلفه اصلی تشکیل شده است. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خانواده در این دوران را - که بعدها در دوران صنعتی با چالش روبه رو شد- می‌توان در این محورها خلاصه کرد: - پیمان زناشویی رسمی و مورد پذیرش جامعه، میان یک زن و مرد. - روابط جنسی و زیستی (تولید مثل) میان زن و شوهر. - تشکیل روابط و مناسبات نسبی (واقعی یا قراردادی)، سببی و خویشاوندی. - کارکردهای فرازیستی (مانند کارکردهای آموزشی و تربیتی، اقتصادی، روانی و عاطفی). مطرح‌ترین اشکال خانواده در دوران پیش از انقلاب صنعتی، که عناصر و مؤلفه‌های یاد شده، در آن‌ها به چشم می‌خورد، به شرح ذیل است:

۱. خانواده هسته‌ای و گسترده، ویلیام جی گود خانواده هسته‌ای را به «واحدی بنیادی که از یک زن و شوهر و فرزندان تشکیل شده است»، معنا کرده است.<sup>۲</sup> گفتنی است که بروس کوئن در کتاب درآمدی به جامعه‌شناسی و استفان مور در دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی تعریفی مشابه ارائه داده‌اند (گرهارد لنسکی در

<sup>۱</sup> مارتین سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ص ۱۹

<sup>۲</sup> ویلیام جی گود، خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، ص ۲۵۶

کتاب جامعه‌های انسانی، پا را اندکی فراتر گذاشته و در تعریف خانواده هسته‌ای می‌گوید: «معمولاً تشکیل شده است از یک مرد، زن یا زنان او و فرزندان مجرد آنان».<sup>۱</sup>

اما در این میان، شاید کامل‌ترین تعریف را آنتونی گیدنز ارائه داده باشد. در تعریف او، خانواده هسته‌ای، «خانواده‌ای است که در آن، یک زوج متأهل (یا یکی از والدین) با فرزندان خود یا کودکانی که به فرزندی پذیرفته، زندگی می‌کنند».<sup>۲</sup>

جامعه‌شناسان، خانواده هسته‌ای را کهن‌ترین و در عین حال، شایع‌ترین نوع خانواده می‌دانند. از همین جا می‌توان تعریف خانواده گسترده را حدس زد: «خانواده‌ای که در خود، سه نسل یا بیش‌تر را، که با یکدیگر رابطه نسبی دارند، جای می‌دهد». بر این اساس، یک خانواده گسترده می‌تواند شامل جد، جده، زن و شوهر و احتمالاً فرزندان مزدوج آنان باشد.<sup>۳</sup>

«گود» از زاویه‌ای دیگر (پایین به بالا) خانواده گسترده را به نظامی تعریف کرده است که مانند خانواده چینی، از یک زن و شوهر با خانواده‌ها و پسران متأهل و پسران و دختران مجرد و سرانجام نوه‌ها و نتیجه‌ها تشکیل شده است.<sup>۴</sup>

۲. خانواده تک همسری و چند همسری تک همسری به پیوند زناشویی یک زن و یک مرد گفته می‌شود. از میان گونه‌هایی که می‌توان برای خانواده هسته‌ای برشمرد، خانواده تک همسری، رایج‌ترین صورت زناشویی در بیش‌تر کشورهای جهان است.<sup>۵</sup> در جوامع مسیحی غرب، ازدواج و خانواده، با تک همسری پیوستگی دارد. به بیان دیگر، یگانه شکل مشروع ازدواج و خانواده در جهان غرب، تک همسری است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> پاتریک نولان، گرهاردلنسکی، جامعه‌های انسانی، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶

<sup>۲</sup> آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲

<sup>۳</sup> ساروخانی، باقر، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۲۷۴

<sup>۴</sup> ویلیام جی گود، خانواده و جامعه، ص ۱۳۱

<sup>۵</sup> بروس کونن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ص ۱۲۶

<sup>۶</sup> استفان مور، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ص ۳۳.



۳. خانواده مادر مکان، پدر مکان و نو مکان در اثر ازدواج، یکی از دو خانواده، عضوی را از دست می‌دهد و دیگری آن را به دست می‌آورد. اگر زن به محل زندگی خانواده شوهر برود، خانواده را پدرمکان و اگر شوهر به محل زندگی خانواده زن برود، خانواده را مادرمکان گویند، اما اگر هر دو به محل تازه‌ای برای زندگی جدید نقل مکان کنند، خانواده را نو مکان می‌نامند. پیش از انقلاب صنعتی، خانواده پدر مکان از فراوانی بیش‌تری داشت؛ اما پس از آن، معادله به نفع خانواده‌های نو مکان تغییر می‌کند.

خانواده زیستی و خانواده راهیانی خانواده زیستی، خانواده‌ای است که پدر و مادر، تنها نقش زیستی و تولید مثل دارند. با تکامل فرهنگ ملل و جوامع بشری، نقش‌های والدین نیز تعدد و تنوع یافت. رابطه پدر و فرزند، دیگر تنها رابطه زیستی نبود. پدر و مادر، مسؤول اجتماعی شدن کودک خویش نیز شدند و مسؤولیت راهبری او، اجتماعی شدن، فرهنگ آموزی و حتی آموزش حرفه را نیز بر عهده گرفتند.<sup>۱</sup>

به نظر بعضی اسلام در تعریف خانواده تعریف ویژه‌ای ندارد. همان گونه که در سایر موضوعات جانبی نیز نظر بخصوصی نداشته است، و تنها در پی لغت عرف عام مردم است. و هر چه را عرف بیان کند اسلام آن را تأیید می‌کند.

بنابراین نظریه خانواده شامل زوجین، فرزندان و خویشاوندان ایشان است و با این معنا همسویی دارد. اسلام برای تمام افراد در مقابل خانواده، قوانین و سنت‌هایی اعم از حقوق و مسؤولیت‌های اقتصادی و تربیتی وضع کرده و ایشان را ملزم به انجام آن‌ها ساخته است.<sup>۲</sup>

طبق آنچه که از آیات و روایاتی که در مورد وظایف و حقوق زن و شوهر در مقابل یکدیگر، در قرآن کریم و کتب حدیثی بیان شده است، به نظر می‌رسد تعریف اسلام از خانواده فقط شامل زن و شوهر و فرزندان می‌شود. اما این گونه نیست که صرفاً فقط رابطه جنسی آن‌ها را گرد هم آورده باشد، بلکه به نظر دین مبین

<sup>۱</sup> ساروخانی، باقر، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ص ۲۷۵

<sup>۲</sup> قائمی، علی، نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی)، ص ۲

اسلام، آن‌ها برای رسیدن به آرامش روحی که به تبع آن، باعث آرامش جسمی می‌شود، گرد هم آمده‌اند. همان طور که قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الی‌ها»<sup>۱</sup> و این در حالی است که زن و مرد نه تنها برای رسیدن به آرامش بلکه برای رسیدن به کمال و سعادت به یکدیگر نیازمند هستند.

### مبحث دوم- تاریخچه قوانین مربوط به نهاد خانواده

تا قبل از سال ۱۳۴۶ قوانین مربوط به نهاد خانواده به طور پراکنده در قوانین مختلف از جمله قانون مدنی آمده بود، اما لزوم توجه بیشتر به نهاد خانواده و ویژگی‌های خاص آن، این الزام را برای مقنن به وجود آورد که به طور اختصاصی به نهاد خانواده پرداخته و با پیش بینی راهکارهای مناسب، تا حد امکان از گسسته شدن این نهاد جلوگیری نموده و معضلات و مشکلات احتمالی را با کمترین هزینه حل و فصل نماید. اولین قانونی که به طور خاص مربوط به نهاد خانواده می‌شد در سال ۱۳۴۶ با عنوان قانون حمایت خانواده به تصویب رسید که در آن نوآوری‌های خاصی گنجانده شده بود.<sup>۲</sup>

### بند اول- قوانین و تصویب نامه‌های پیش از انقلاب

از سال ۱۲۹۸ هـ - ش مطابق با ۱۹۱۰ میلادی که اولین قانون راجع به مواد مخدر تحت عنوان قانون تحدید تریاک در ایران تعریف شد که تا کنون ۹۸ سال سپری شده است. در این مدت بیش از ۷۰ قانون، نظامنامه، تصویب‌نامه و لایحه در خصوص موضوعات گوناگون مواد مخدر تصویب شده و نحوه موضع‌گیری دولت‌مردان و قانون‌گذاران نسبت به کشت و توزیع و مصرف مواد مخدر، فراز و نشیب بسیاری را پیموده است که نمونه‌هایی از آن عناوین ذکر خواهد شد و قوانینی که مربوط به زمان حال بوده در بخش سوم به صورت مفصل توضیح و ارائه خواهد شد.

<sup>۱</sup> سوره روم، آیه ۲۱

<sup>۲</sup> آراد، علی: «مهر، تاریخچه و ماهیت و احکام آن از نظر حقوق مدنی ایران و مقایسه با مذاهب مختلفه»، تهران، ۱۳۴۱، ص ۲۵

تصویب قانون تحدید تریاک در مجلس شورای ملی، پس از پیروزی مشروطه در ۲۲ اسفند سال ۱۲۸۶ هجری شمسی

قانون مجازات عمومی متجاهرین استعمال مسکرات، افیون، شیره تریاک، مرفین، بنگ و چرس مصوب ۷ بهمن ۱۳۰۴ شمسی

قانون مجازات مرتکبین قاچاق تریاک مصوب ۳ آذر ۱۳۰۸ شمسی

قانون چگونگی جلوگیری از قاچاق تریاک مصوب ۳ آذر ۱۳۰۸ شمسی

قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ شمسی

کوپنی شدن مصرف تریاک در ایران پس از اخراج رضاشاه در سال ۱۳۲۰

تصویب تأسیس کمیسیون مبارزه با تریاک مصوب ۲۳ تیر ۱۳۲۵

تصویب آئین‌نامه ادویه مخدر، مصوب ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۶

تصویب اصلاحی ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۷ تیر ۱۳۲۸

قانون راجع به اصلاح قانون منع کشت و استعمال تریاک مصوب ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۸

تصمیم متخذہ کمیسیون بودجه درباره نحوه پرداخت صدی ده جریمه به‌عنوان پیش‌پرداخت به کاشفین مواد

مخدر تا میزان صدی پنجاه مصوب ۱۸ بهمن ۱۳۳۸

اصلاح قانون منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۴۲

قانون پرداخت حق الکشف مواد مخدر غیرمجاز مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۴۲

قانون تشدید مجازات مرتکبین اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت و اجازه موقوفی

تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرائم مذکور مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۴۸ هجری شمسی

آیین‌نامه اجرایی ماده ۳ قانون کشت محدود خشخاش و صدور تریاک مصوب ۱۳۴۷ مصوب ۲۰ شهریور

۱۳۴۸

کمیسیون‌های دادگستری و اصلاحات ارضی و بهداری مجلسین

آیین‌نامه اجرائی موضوع مواد ۴، ۵، ۶ و ۷ قانون کشت محدود خشخاش و صدور تریاک مصوب ۲۰ شهریور

۱۳۴۸ کمیسیون‌های دادگستری و اصلاحات ارضی و بهداری مجلسین

قانون استرداد اراضی واگذاری از زارعین معتاد به مواد مخدر مصوب ۹ دی ۱۳۴۷

قانون اجازه معاملات تریاک و کمک به درمان معتادان مصوب ۷ تیر ۱۳۴۹

اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک مصوب ۳۱ مرداد ۱۳۴۹

آیین‌نامه اجرائی تبصره ۳ قانون اجازه معاملات تریاک و کمک به درمان معتادان مصوب ۳ دی ۱۳۴۹

اجازه کشت خشخاش به شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی روستایی و کشاورزی شش استان مصوب ۳

بهمن ۱۳۴۹

قانون بخشودگی قسمتی از جریمه‌های نقدی محکومین قانون منع کشت خشخاش مصوب ۲۵ اسفند ۱۳۴۹

قانون مربوط به مواد روان‌گردان (پسیکوترپ) مصوب ۸ اردیبهشت ۱۳۴۵

تصویب ۵۲ قانون و نظام‌نامه توسط دولت‌های وقت در زمینه مبارزه با مواد اعتیادآور طی سال‌های ۱۳۵۷-

۱۳۸۶

اوج مشارکت‌های مردمی در زمینه با اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در مقطع زمانی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲

## بند دوم- قوانین پس از انقلاب<sup>۱</sup>

ممنوعیت کشت خشخاش در سال ۱۳۵۸ بر اساس مصوب شورای انقلاب اسلامی

تصویب‌نامه هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران در مورد امحاء مواد افیونی و مخدر مصوب ۱۸ اردیبهشت

۱۳۵۸

لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال

به کار معتادین مصوب ۹ خرداد ۱۳۵۹

قانون انحلال سازمان معاملات تریاک مصوب ۳ آذر ۱۳۶۰

قانون راجع به الحاق یک تبصره به ماده یک قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر و اقدامات

تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ شورای انقلاب

قانون صدور صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب مصوب یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۲

قانون اصلاح ماده ۱۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ اصلاحیه‌های بعدی آن

تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۳ آبان ۱۳۶۷

آئین‌نامه اجرائی قانون مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۲ بهمن ۱۳۶۷

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع احکام اعدام متوقف شده مربوط به جرائم مواد مخدر مصوب

۱۴ تیرماه ۱۳۶۷

---

۱ غنجدی علی، ۱۳۷۶، ژئوپلیتیک موادمخدر، انتشارات معاونت آموزش ناجا، ص ۳۳۵

اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام

تغییر ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر ۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۲۱ آذر ۶۸

آئین‌نامه اجرائی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۲ نخست‌وزیری شامل ۳۵ ماده و ۵ تبصره

قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان

مصوب ۱۷ آذرماه ۱۳۷۰

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب اجلاس

مورخه ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ در ششمین جلسه عمومی امضاء کنندگان این کنوانسیون

قطع‌نامه مبادله اطلاعات، اجلاس سازمان ملل متحد برای تصویب یک کنوانسیون علیه قاچاق مواد مخدر و

داروهای روان‌گردان مصوب ۳ آذر ۱۳۷۰

قطعنامه در اجرای موقت کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاقچیان مواد مخدر و داروهای روان‌گردان

مصوب ۳ آذر ۱۳۷۰

قانون اصلاح ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب

۲ مهر ۱۳۷۰

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت

نظام شامل ۴۲ ماده و ۲۴ تبصره که در حال حاضر کاربرد مهمی در جلوگیری از استعمال، توزیع، کشت و...

مواد مخدر در کشور دارد که در ماده ۱ اعمالی از قبیل کشت خشخاش، کوکا، شاه دانه، واردکردن، ارسال،

صادر کردن، تولید، ساخت، نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اختفاء، ترانزیت، عرضه و فروش، دایر کردن یا

اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر، استعمال مواد مخدر به هر شکل و طریق و ... را جرم دانسته و

مرتکبین به مجازات اتهامی مقرر در این قانون محکوم می‌شوند.<sup>۱</sup>

---

۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷

## فصل دوم

جرم‌شناسی اعتیاد با توجه به آموزه‌های فقهی و حقوقی



## مبحث اول- جرم شناسی اعتیاد در حقوق موضوعه

### گفتار اول- مبانی مجازات و اصول حاکم بر آن

اهل لغت مجازات را به معنی پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی معنی نموده‌اند.<sup>۱</sup>

حقوقدانان مشقتی که مقنن به مجرم تحمیل می‌کند را مجازات یا کیفر نامیده‌اند؟<sup>۲</sup>

آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی در تعریف مجازات می‌نویسد: «مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیر قابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که شخص حقیقی مجازات می‌باشد.<sup>۳</sup>

از نظر فلاسفه مجازات مشقتی است که هیئت جامعه به منظور تلافی و قصاص جامعه اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم و مصونیت جامعه از اضرار وضع می‌کند.

فلسفه تشریح مجازات در مکتب اسلام همچون سایر ادیان الهی موجب تهذیب نفس و تربیت افراد بیان شده است.

زجر و تنبیه مجرم قلمداد شده است و با هدف مذکور مطابقت دارد زیرا مجازات دارای اهداف متعددی است که می‌توان اهم آنها را ارباب، اصلاح و دفاع از جامعه مطرح شود.

با این توضیح که منظور از اصلاح به عنوان یکی از اهداف مجازات، پیشگیری از ارتکاب جرم و ممانعت مجرم از تکرار تبهکاری است. بنابراین برای نیل به این اهداف مهم باید میان جرم ارتكابی و مجازات مجرم رابطه منطقی وجود داشته باشد.

<sup>۱</sup> دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ص ۴۲۲

<sup>۲</sup> جعفری لنگرودی محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۵۴

<sup>۳</sup> علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ص ۱

به طوری که که ضرر کیفر درباره محکوم بیش از فایده ناشی از ارتکاب بزه بوده و مرتکب نفعی در ارتکاب مجدد آن نداشته باشد.

براساس تئوری استدلالی بتنام، چنانچه رنج ناشی از تحمل مجازات از لذات تحصیل احتمالی منافع جرم بیشتر باشد مجرمین بالقوه از ارتکاب جرم خودداری می‌کنند<sup>۱</sup> نتیجه این امر در خصوص کسانی که زمینه‌های ارتکاب جرم در آنها فراهم است و ممکن است بر اثر وقوع حادثه‌ی به سوی بزهکاری کشیده شوند رعب وحشتی ایجاد می‌کند مانع ارتکاب جرم شده و ممکن است آن‌ها را از مهلکه تبهکاری نجات دهد از دیگر اهداف دیرینه تاریخی مجازات می‌توان تلافی و قصاص را ذکر کرد به موجب این هدف تفصیر و سوءنیت شخص در ارتکاب جرم همیشه مفروض و مسلم بود و عدم مکافات سوء نیت و پرورش ظالم تلقی می‌شود. بنابراین برداشت، مکافات صرف نظر از اینکه موجب اصلاح حال مجرم می‌شود اخلاقاً ضرورت داشته و باید اجرا شود اما با پیدایش افکار جدید و نهضت‌های اجتماعی در قرون هفده و هیجده، میلادی مبنی بر حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و لزوم احترام به شخصیت والای انسانی مجازات‌ها کم کم نقش اربابی خود را از دست دادند وعده بسیاری از فلاسفه و متفکرین مروج این عقیده شدند که باید زندان و مجازات‌های مختلف را وسیله‌ای قرارداد که ضمنان بتوان مجرمین را نسبت به بدی اعمال خود مطلع نموده و آنان را مجدداً اصلاح و تربیت شود. زیرا اگر مقصود کیفر، شکنجه بزهکار نباشد، پس هدفی عالی‌تر از اصلاح حال او نمی‌تواند داشته باشد به گونه‌ای که مهمترین کاربرد کیفر این است که مجرم را دوباره به جامعه بازگرداند تا بتواند از طریق کار و فعالیت مشروع زندگی خود را تأمین نماید. با این اهداف حقوق دانان برای مجازات‌ها خصوصیات و ویژگیهای برشمرده‌اند که ضمن تشریح اساس مجازات و غرض از آن بتوانند موجب تفکیک مجازات‌ها از اقدامات تأمینی و تربیتی شود.

---

<sup>۱</sup> صانعی پرویز، حقوق جزای عمومی، ص ۱۶۸

## گفتار دوم: اصول حاکم بر مجازات‌ها

برکلیه مجازات‌ها اصولی حاکم است که سابقه طولانی در تاریخ دارند و در طول تاریخ دچار تکامل شده‌اند و بر اثر تلاش بی وقفه‌ی اندیشمندان که با مجاهدت‌های خو توانستند آرا و نظریات خود را بر قانون گذاران تحمیل کنند و این اصول را به شکل اصولی ثابت درآوردند که امروزه بر قوانین مجازات‌ها حاکم است در اینجا به بررسی این اصول می‌پردازیم.

### بند اول: اصل قانونی بودن مجازات‌ها

اصل قانونی بودن مجازات‌ها در قوانین اکثر نظام حقوق کیفری پذیرفته شده است به این شکل که قاضی نمی‌تواند بدون وجود نص قانونی اقدام به تعیین مجازات برای مرتکب جرم نماید یعنی ابتدا جامعه باید ناهنجاری را براساس قانون جرم بشناسد و بعد از آن به تعیین مجازات مناسب با آن جرم پردازد و آن را به تصویب مراجع ذیصلاح برساند و به شکل قانون درآورد و آن را به اطلاع شهروندان خود برساند این اصل که امروزه بر قوانین جزایی اکثر کشورهای جهان حاکم است اصل قانونی بودن مجازات‌ها نامیده می‌شود.

بکاریا از کسانی بود که اعمال خودسرانه قضات و مجریان کیفرها را در زمان خود مورد انتقاد شدید قرارداد و بر این اصل بسیار تاکید کرد شاید تاکید بر این اصل در آن زمان مانعی در راه خود سری قضات که برای خود حد و مرزی نمی‌شناختند بود.

اما ضامن حفظ حقوق و آزادیهای فردی و اجرای عدالت نبود چون بعدها این نظریه مورد انتقاد قرار گرفت و تعدیل شد.

این اصل مورد توجه قانونگذاران کشور ما هم قرار گرفته است به موجب این اصل هیچ مجازاتی و هیچ دادگاهی بدون قانون وجود ندارد چنانچه در اصل سی و ششم قانون اساسی ایران آمده است:

«حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ نیز این مساله را مورد تاکید قرار داده است و این اصل در مقررات اسلامی نیز از مفاهیم آیه «ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا» و نیز قاعده فقهی «قبح کتاب بلا بیان» قابل فهم است.

اما در نظام حقوقی انگلوساکسون این اصل به شدت نظام‌های حقوقی کشورهای حقوق نوشته مورد توجه قرار نگرفته است چون در این نظام مجازات خیلی مشخص نیست و این قاضی است که بر اساسش قضایی و توجه به موقعیت مجرم میزان مجازات را مشخص می‌کند.<sup>۱</sup>

به علت اصطکاکی که این اصل با اصل فردی کردن مجازات‌ها دارد و مانع اجرای عدالت کیفری در برخی مواقع می‌شود از قاطعیت و شدت آن در اکثر نظام‌های حقوقی کاسته شده است مسائلی چون اصلاح مجرم، نظام مجازات‌های غیر معین و در کشورمان نظام مجازات‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته که در بحث‌های بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

### بند دوم: اصل تساوی در مجازات‌ها

اصل تساوی مجازات‌ها به این معنی است که دو مجرمی که در شرایط مساوی و مشابه، جرم یکسانی را انجام داده‌اند؛ برای آنها باید مجازات مشابه و مساوی تعیین شود این اصل در واقع مکمل اصل قانونی بودند مجازات‌ها است.

سنجش شرایط ارتکاب جرم برای چند نفر که جرم مشابه را انجام داده‌اند اگر غیر ممکن نباشد کاری است فوق العاده مشکل که در توان قضات نیست.

---

<sup>۱</sup> علی ابادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ص ۵۴

متأسفانه اکثر قضات بدون توجه به شخصیت واقعی مرتکب جرم، به خود عمل مجرمانه و خصوصیات

ظاهری اعمال مرتکبین جرم شده‌اند؟

چه عواملی بر اداره آزاد آن‌ها تأثیر گذارده است؟

چه مجازاتی بر آنها اثر گذار است؟

آیاتعین یک مجازات مساوی برای همه مرتکبین اثر یکسان دارد؟

توجه به این مسائل توسط قاضی کیفری ایشان را در نگرش به اعمال مجازات‌های مساوی برای افرادی که جرم مشابه و یکسان انجام داده‌اند با ما هم عقیده می‌نماید که اعمال این مجازات‌ها نه تنها عدالت کیفری را تأمین نمی‌نماید بلکه عین بی‌عدالتی نیز می‌باشد نه تنها همه مرتکبین جرم مشابه از انگیزه و میزان اراده آزاد در ارتکاب جرم به صورت مساوی بر خوردار نیستند بلکه اعمال مجازات‌های مشابه نیز اثر یکسانی روی افراد مختلف ندارند. و میزان آنها با توجه به قدرت جسمی و روانی در مجازات‌های مالی با توجه به قدرت اقتصادی افراد شدیداً در نوسان است به عنوان مثال دو نفر که محکوم به مجازات می‌شوند و مجازات حبس آنها چون دو ماه است آن مجازات تبدیل به جریمه نقدی می‌شود.

برای یکی از آنها که فرد فقیری است این مجازات بسیار سنگین می‌باشد و برای دیگری که فرد ثروتمندی است نه تنها اثری ندارد بلکه ممکن است اعمال مجازات را به تمسخر بگیرد یا برعکس تحمل زندان برای یک فقیر آرمانی و بعلت هزینه‌های زندگی مشتاق تحمل آن است در حالی که برای ثروتمند خلاف آن می‌باشد. پس نتیجه می‌گیریم که تساوی مجازات‌ها به این شکلی که امروزه در عمل اجرا می‌شود و قضات ما به آن می‌نگرند با اصل فردی کردن مجازات‌ها در اصطکاک بوده و اهداف عدالت کیفری را تأمین نمی‌نماید که این مساله در فصول آینده در ارتباط با فردی کردن مجازات‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## بند سوم: اصل شخصی بودن مجازات‌ها

قبل از پیدایش حقوق کیفری و شکل‌گیری نظام‌های جدید جزائی مسئولیت مجرمین در عمل، اعضای خانواده و بستگان آنان را نیز در بر می‌گرفت وقتی شخصی مرتکب جرم سنگین چون خیانت به پادشاه می‌شد همه اعضای خانواده و بستگان مرتکب، مجازات و شکنجه می‌شدند یا در نظام قبیله‌ای وقتی یک نفر از یک قبیله مرتکب جرمی علیه شخصی از قبیله دیگر می‌شد نه تنها مرتکب و اعضای خانواده‌اش، بلکه تمام اعضای قبیله در آتش خشم و انتقام جویی قبیله مجنی علیه می‌سوخت و در واقع در آن زمان مسئولیت دسته جمعی بوده ولی با گذشت زمان و تکامل حقوق کیفری و با هدف برقراری امنیت و عدالت کیفری اصل شخصی بودن مجازات‌ها که دقیقاً نقطه مقابل مسئولیت دسته جمعی بود حاکم گردید که در واقع مرحمی بود بر افراط‌گری‌های آن زمان.

مفهوم واقعی این اصل دلالت بر این دارد که مجازات و آثار آن باید فقط شامل حال مرتکب شود و هر شخص مسئول عمل خویش می‌باشد و تصویب تمام قوانین باید با چنین رویکردی صورت گیرد شارع مقدس در وضع قوانین در تمام موارد چنین رویکردی را مدنظر قرار داده و این آیه کریمه «لاتزو وازره وزر الاخری» در تمام موارد مورد توجه بوده است.

اما متأسفانه رعایت این اصل در تمام موارد، مورد توجه قرار نگرفته است و آثار ناشی از اجرای مجازات‌ها شامل دیگران نیز می‌شود به عنوان مثال فردی که به زندان محکوم می‌شود و مدتی را در حبس سپری می‌کند و چون خانواده، سرپرست خود را از دست داده است و فرزندان از فقر عاطفی و فقر مالی ناشی از عدم حضور پدر خود، آثار مجازات را تحمل می‌کنند؛ جامعه پذیرنده مجدد نیز برای زندانی، کاری بسیار مشکل خواهد بود.

در محکومیت‌های مالی ناشی از عمل مجرمانه نیز با اخذ جریمه مالی از میزان سهم الارث ورثه کاسته می‌شود و آثار مجازات بر ورثه تحمیل می‌شود.

### گفتار سوم - جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر

جرم انگاری فرایندی است که از رهگذر آن، دولت رفتاری را ممنوع کرده و به آن خصیصه کیفری می‌دهد و با اعمال کیفر، در صدد سرکوب آن بر می‌آید. ضمانت اجرای کیفری، پاسخ رسمی و شدید دولت به عمل مجرمانه است.<sup>۱</sup>

قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. بر این اساس، جرم انگاری امری پسینی بوده و مبتنی بر علوم زیر ساختی و پیشینی مانند فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است. آن دسته علوم زیرساختی که ضرورت وجود دولت و حکومت راه برای نظم و سامان بخشی به جوامع بشری، توجیه کرده‌اند، برای این نهادها، حق جرم انگاری و تعیین کیفر و مجازات برای نقض ارزش‌های اساسی جامعه قائل شده‌اند. اعتیاد به مواد مخدر از معضلات اساسی بشر به شمار می‌رود و همه جوامع با درجات متفاوت، در معرض آسیب‌ها و عوارض مستقیم و غیر مستقیم آن هستند. این مشکلات را در یک طبقه بندی کلی می‌توان به دو دسته عوارض فردی و اجتماعی تقسیم بندی کرد از مهم‌ترین عوارض فردی مرتبط با این معضل، آسیب‌های بهداشتی است که در حوزه جسم و روان را مبتلا می‌سازد. از عوارض اجتماعی اعتیاد نیز می‌توان به مشکلات خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. از ضررهای جسمی ناشی از اعتیاد دردهای جسمانی، خستگی مفرط، زردی و پوکی دندان‌ها، افزایش فشار خون، ضعیف شدن سیستم اعصاب مرکزی، بیماری‌های دستگاه تنفسی، امراض عفونی، سرطان ریه و

<sup>۱</sup> نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی حمید، (۱۳۹۰) دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۹۰

حنجره، مشکلات قلب و کبد، نازایی، سقط جنین و ... هستند. تحریک پذیری عصبی، افسردگی، تدمزاجی، توهم، هذیان، و جنون آنی نیز از آسیب‌های روانی ناشی از آن به شمار می‌روند.<sup>۱</sup>

در حوزه خانواده نیز، اعتیاد باعث بروز مشکلاتی چون اختلال در روابط با شریک زندگی همسر آزاری، کودک آزاری، طلاق و پیامدهای آن خواهد شد.<sup>۲</sup> اعتیاد در سطح اجتماعی، بیماری‌های صعب‌العلاجی مانند ایدز و هپاتیت را اشاعه می‌دهد و یکی از دلایل مهم افزایش کودکان بی سرپرست و در نتیجه آن وفور معتادان آینده می‌شود. کارتن خوابی، تکدی‌گری، ولگردی و انحرافات حاصل از آن سیمای شهرها را زشت و امنیت جانی و روانی را از مردم سلب خواهد کرد. معتادان در عرصه اقتصاد، علاوه بر اتلاف مال خود و خانواده و ترویج بیکاری، با گسترش سطح تقاضای مواد مخدر از مافیای عرضه‌کنندگان، سرمایه‌های کلان اقتصادی کشور را به نوعی در وافور اعتیاد دود می‌کنند. باید اذعان داشت در شرایطی که بخش عمده‌ای از مردم و نیروی فعال مملکت در خمودگی و خماری فرو می‌روند آن کشور نمی‌تواند در معادلات سیاسی و تصمیمات جهانی تأثیرگذار باشد و به تدریج موضعش در جامعه جهانی تضعیف خواهد شد.<sup>۳</sup>

جرم دانستن اعتیاد به مواد مخدر، همچون سایر جرائم مندرج در قوانین کیفری، مستند به مبانی و اصولی بنیادی است که از سوی نظامهای سیاسی با استناد به ایدئولوژی‌های پایه، اتخاذ می‌شود، اصول جرم‌انگاری، پایه‌های اساسی جرم‌انگاری است که بر مبانی نظری هر ایدئولوژی سیاسی و زیرساختهای فلسفی آن استوار شده است. به تعبیر دیگر، مبانی جرم‌انگاری ارائه‌کننده بسترهای فکری قانون‌گذار است و اصول جرم‌انگاری به ملاحظات حقوقی و اجرایی قانون‌گذار اشاره می‌کند که خود، تعیین‌کننده حدود و چگونگی حقوق کیفری است.

<sup>۱</sup> معلمی، صدیقه و رقیبی، مهوش و دیگران (۱۳۸۹)، مقایسه هوش معنوی و سلامت روان در افراد معتاد و غیر. معتاد، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد، دوره هجدهم، شماره ۳، ص ۲۹۵  
<sup>۲</sup> محمدخانی، پروانه و عسگری، علی و دیگران (۱۳۸۹)، بروز نشانگان روان پزشکی در زنان دارای همسران. معتاد، مجله روانشناسان ایرانی، دوره ششم، شماره ۲، ص ۲۳۷  
<sup>۳</sup> رضایی نسب، مسعود (۱۳۸۶)، گذری کلی بر عوارض مواد مخدر، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۶، ص ۲۵-۲۸



اصل اخلاق‌گرایی قانونی، اصل ضرر از جمله اصولی هستند که با مبنای جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر مطرح می‌شوند. حقوق‌دانان و صاحب‌نظران نیز، هریک به فراخور ایدئولوژی و مکتبی که به آن تعلق دارند، در توجیه جرم‌انگاشتن اعتیاد به مواد مخدر به مبانی خاصی استناد می‌کنند. در این تحقیق با تحلیل و بررسی نظرات موجود، پیرامون مبانی جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر در توجیه جرم‌انگاری اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر برجسته شده است. با توجه به اینکه اغلب کشورهای جهان با پیش‌فرض‌های متفاوت نسبت به جرم محسوب کردن سوء مصرف مواد مخدر اقدام کرده‌اند تحلیل بنیادهای این روند، که در اسناد بین‌المللی نیز توجه به آن توصیه شده است، برای شناسایی و ترسیم مرزهای سیاست‌جنایی در خصوص سوء مصرف مواد مخدر اهمیت دارد.

در خصوص پدیده مصرف و اعتیاد به مواد مخدر تلقی‌های متفاوتی در جوامع بشری وجود دارد. به طور کلی، سیاست‌گذاری برای مقابله با اعتیاد، از سرکوب کیفری و عدم مدارا تا آزادی کامل، به همراه تدابیری بینابین در کشورهای مختلف آزمایش شده است،<sup>۱</sup> در مجموع می‌توان رویکرد قانونمندی‌سازی و جرم‌زدایی (مانند هلند، آلمان، اتریش، فنلاند و یونان) و جرم‌انگاری (ایران، فرانسه، ترکیه و بلژیک) را به عنوان رویکردهای غالب مطرح کرد. در ایران، به خصوص در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، علی‌رغم نگرش‌هایی چون بیمار بودن فرد معتاد و لزوم معالجه او، رویه غالب، برخورد کیفری بوده است و تصور غالب، با استناد به قوانین تصویب شده، لزوم برخورد قهرآمیز با معضل اعتیاد بوده است، که در ادامه، تحولات این حوزه را بررسی می‌کنیم.

---

<sup>۱</sup> رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، حقوق کیفری مواد مخدر، چاپ اول، تهران، انتشارات میثاق عدالت و انتشارات سها دانش، ص ۲۰۳

## بند اول - جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر در قوانین داخلی

جرم استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی با قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ وارد قوانین کیفری ایران شد.<sup>۱</sup> قوانین اولیه مربوط به مواد مخدر خفیف‌تر بوده و فقط استعمال علنی این مواد را جرم می‌دانست،<sup>۲</sup> تا اینکه در قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۴، استعمال مواد مخدر به طور کلی ممنوع شناخته شد.<sup>۳</sup> این روند هم‌چنان در قوانین و اصلاحیه‌های سال ۱۳۵۹، ۱۳۶۷، ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ پس از انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرده است. با این تفاوت که در مقررات بعد از انقلاب به دلیل سیاست جنایی خاص جرائم حدی و اینکه مصرف مسکرات مستلزم مجازات حدی است، مقررات متفاوتی در خصوص مسکرات وضع شده است.<sup>۴</sup> اعتیاد به مواد مخدر، طبق ماده ۱۵ اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و نیز اصلاحات به عمل آمده در سال ۱۳۸۹، جرم محسوب می‌شود. با این تفاوت که تا قبل از اصلاحات ۱۳۸۹، در ماده ۱۶ و ۱۹ برای معتادانی که نسبت به درمان خود اقدام نمی‌کنند، جزای نقدی و شلاق در نظر گرفته شده بود در حالی که در ماده ۱۵، بعد از اصلاحات، معتادان مکلف شدند با مراجعه به مراکز دولتی و خصوصی و یا سازمانهای مردم‌نهاد، گواهی ترک اعتیاد و درمان با کاهش آسیب دریافت کنند.

مطابق این ماده، اگر معتادی گواهی مذکور را دریافت نکند یا با وجود دریافت آن تظاهر به اعتیاد کند، مجرم محسوب شده و مشمول مجازات ماده ۱۶ قرار می‌گیرد. در این قانون، یک تا سه ماه حبس در مراکز نگهداری مجاز دولتی، جهت کاهش آسیب و درمان معتاد، پیش‌بینی شده است. مدت زمان مذکور طبق

<sup>۱</sup> ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ - ۱. هر کس علناً استعمال تریاک با شیره یا مرفین یا هرویین یا کوکابین یا بنگ و یا چرس بنماید یا متجاهراً مشروبات الکلی استعمال کند به حبس تأدیبی از هشت روز تا سه ماه و با جزای نقدی ۱۰ تا ۵۰ تومان محکوم خواهد شد.

<sup>۲</sup> ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در تاریخ ۴ / ۷ / ۱۳۲۸ اصلاح و استعمال علنی تریاکه شیره تریاک، مرفین، هرویین، کوکابین، بنگ و چوس جرم شناخته شد و مجازات استعمال مواد مزبور به حبس از سه تا شش ماه افزایش یافت، اما قانون‌گذار همچون گذشته صرفاً استعمال علنی این مواد را جرم می‌دانست. مفهوم مخالف ماده مذکور آن بود که استعمال غیر علنی مواد مزبور جرم تلقی نمی‌شد.

<sup>۳</sup> قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک در تاریخ ۱۳۳۴ به تصویب رسید. طبق ماده ۳ این قانون، استعمال مواد افیونی به طور کلی (علنی و غیر علنی) از شش ماه پس از تصویب آن ممنوع شناخته شد و برای استعمال کنندگان بدون مجوز طبی مواد افیونی، طبق ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی مجازات متخلفین از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب آبان ۱۳۳۴، برای بار اول مجازات حبس تأدیبی از یک ماه تا دو ماه و در صورت تکرار از سه تا شش ماه و در دفعات بعد از یک سال تا سه سال تعیین شد.

<sup>۴</sup> جدیدترین مقرر در این خصوص ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که با ادبیات متفاوتی آورده است: مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین کم باشد یا زیاد جامع باشد یا مایع مست کند یا نکند..... موجب حد است.

گزارش مراکز مذکور و دستور مقام قضایی به طور نامحدود قابل تمدید خواهد بود. در تبصره ۲ این ماده، یک تعلیق تعقیب ۶ ماهه در نظر گرفته شده است و اگر مقررات آن دوره رعایت نشود، مطابق تبصره ۳، مقام قضایی مکلف است از نود و یک روز تا شش ماه دستور به حبس دهد.<sup>۱</sup> با مقایسه اصلاحات اخیر قانون با تدابیر ماقبل آن می‌توان گفت که قانون گذار در برخورد خود انعطاف بیشتری نشان داده و در اقدامات بعدی با تبدیل مجازات به اقدامات تأمینی نوعی کیفرزدایی با جرم زدایی ناقص اتخاذ کرده است.<sup>۲</sup>

### بند دوم- جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر در حقوق بین المللی

جامعه جهانی، از اوایل قرن بیستم میلادی، به علت گسترش مشکلات ناشی از مصرف مواد مخدر مخصوصاً افزایش صادرات تریاک از شرق به غرب و درگ تدریجی مضرات مشتقات تریاک به ویژه هرویین، در سطح بین المللی، شروع به مداخله در این امر کرد. کنفرانس شانگهای در سال ۱۹۰۹ م، اولین مورد دخالت جامعه جهانی در این خصوص است، یعنی ممنوعیت مصرف مواد مخدر برای هر منظوری غیر از اهداف پزشکی.<sup>۳</sup> از آن، کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های بین المللی متعددی در سال‌های مختلف تصویب و در سال ۱۹۶۱ م کنوانسیون واحدی شامل مفاد کنوانسیون‌های قبلی، تصویب شد. در نهایت در سال ۱۹۸۸ م کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روانگردان به امضای ۱۰۸ کشور عضو سازمان ملل و سازمان‌های تخصصی ذی ربط رسید. که طی آن از دولت‌ها خواسته شده است، استعمال مواد مخدر را جز در موارد پزشکی ممنوع کنند. تقریباً در همه کشورهای دنیا، جز در جاهایی مانند هلند، اسپانیا و ایتالیا که در آن،

<sup>۱</sup> ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶: اعتیاد جرم است. ولی به کلیه معتادان اجازه داده می‌شود به مراکز مجازی که از طرف بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می‌گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند. در تبصره ۱ این ماده ذکر شده: معتادان مذکور در طول مدت درمان و باز پروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف می‌باشند. « ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ بعد از اصلاحات ۱۳۸۹: معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیر دولتی یا خصوصی و سایر سازمان‌های مردم نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند، معنادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنان چه تجاهر به اعتیاد ننماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد.

معتادانی که مبادرت به درمان ننمایند، مجرمند. ماده ۱۶ قانون مذکور: معتادان به مواد مخدر و روان گردان مذکور در دو ماده ۴ و ۸ فاقد گواهی موضوع ماده ۱۵ و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع است.

<sup>۲</sup> نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی حمید، (۱۳۹۰) دانشنامه جرم شناسی، ص ۹۰

<sup>۳</sup> رحمنل، منصور، حقوق کیفری مواد مخدر، ص ۲۰۵

مصرف برخی مواد سبک آزاد است، مواد مخدر زیر نظر کامل دولت‌ها بوده و استعمال آن، از هر نوع، ممنوع است و جرم تلقی می‌شود.<sup>۱</sup>

نکته مهم اما سیاست جنایی دوگانه کشورهای بزرگ و قدرتمند غربی در خصوص مصرف الکل و مواد مخدر است. به تعبیر یکی از نویسندگان، با وجود اینکه الکل اولین ماده مخدری بود که از لحاظ اجتماعی به یک معضل بزرگ برای کشورهای غربی تبدیل شده بود، نخستین ماده مخدری که به ابتکار و فشار غربی‌ها در حقوق بین الملل ممنوع شد تریاک است.<sup>۲</sup> به گونه‌ای که در اسناد بین المللی ناظر بر جرم انگاری قاچاق مواد مخدر، تریاک از شاخص‌های فهرست مواد مخدر محسوب می‌شود. در این میان، الکل جزو مواد مخدر مغفول محسوب می‌شود (همان). این در حالی است که آن دسته از نویسندگان غربی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم که به بررسی و مقایسه آثار زیان بار الکل و تریاک پرداخته‌اند، به نتایج مخرب این دو اشاره و حتی بار منفی بیشتری به الکل می‌دادند، یکی از نویسندگان غربی در این خصوص تصریح کرده است که در همه ادوار افرادی فارغ از آنکه ماده مخدر کولا، حشیش، تریاک، الکل، اتر یا مرفین باشد، برای فرونشاندن احساس خوشی و لذت آنی به برخی مواد مؤثر بر جسم و روان، پناه برده‌اند. انگیزه‌ای که افراد را به سمت این مواد می‌کشاند. هم چنین عوارض این مواد، با یکدیگر همسانند.<sup>۳</sup>

برخی دیگر از نویسندگان، با اطلاق «داوطلبان خوشبختی مسموم» به مصرف کنندگان الکل و تریاک، این سموم را به سموم غربی و سموم شرقی تقسیم کرده‌اند. منظور آنها از سموم غربی، الکل و کوکاین بود که عمدتاً محصول خود غرب بودند و تریاک و حشیش را که در غرب تولید نمی‌شد، سموم شرقی نام نهادند. این نویسندگان به ویژگی‌های متفاوت الکل و تریاک در دو وجه آرامش بخشی و آسودگی، و تحریک خشونت اشاره و اذعان داشتند که الکل به طور خاص یک محرک جسمانی و تریاک یک برانگیزاننده ذهنی

<sup>۱</sup> رحمنل، منصور (۱۳۸۳)، حقوق کیفری مواد مخدر، ص ۲۰۷

<sup>۲</sup> طغری نگار، حسن، (۱۳۹۲)، مرزهای شکننده سیاست جنایی، در دایره المعارف علوم جنایی، علی حسین نجفی ابرندآبادی (زیر نظر)، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ص ۱۶۴

<sup>۳</sup> همان، ص ۱۷۰

است و از این منظر آسیب تریاک برای فرد و خطر آن برای اجتماع کمتر است (همان). در مجموع این سؤال مهم و جالب همچنان برجاست که چرا غربی‌ها سم غربی را بر سم شرقی ترجیح دادند و الکل از فهرست مواد ممنوع و غیر قانونی کنار گذاشته شد و منافع اقتصادی و ژئوپولیتیک کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده، چه اندازه<sup>۱</sup> در این خصوص تأثیرگذار بوده است؟ از دیگر سو، با وجود جرم انگاری بین المللی مواد مخدر و ضمانت اجراهای بسیار سختگیرانه ملی برای تولید، قاچاق و مصرف مواد مخدر کماکان این سؤال باقی است که چرا در ایران مصرف مواد مخدر در آمارهای پلیسی و فضایی بسیار بیش از الکل است؟ پاسخ به این سؤال در قسمت تولید و قاچاق این مواد قابل درک و توجیه است، و با توجه به اینکه ایران در مرکز تولید و ترانزیت مواد مخدر است، بالا بودن مصرف مواد مخدر نسبت به الکل، موضوعی است که نیاز به بررسی‌های دقیق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قضایی دارد.

### گفتار پنجم - مبنای جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر

در حیطه جرم انگاری، صرف نظر از رفتارهایی که در گروه جرائم طبیعی قرار می‌گیرند و مجازات آنها حتی در جوامع بدوی هم وجود داشته است و مایه شباهت نظامهای کیفری هستند، اکثر جرائم بر اساس پندارها و ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه شناسایی و از طرف حکومت گزینش می‌شوند. بنابراین جرم انگاری مبتنی بر مبانی نظری، مورد قبول حکومت یا قدرت سیاسی است. رفتار پیش گفته با توجه به ایدئولوژی حاکم بر انسان و سرشت او و مفاهیمی همچون آزادی، مساوات، عدالت، قدرت و امنیت، گزینش شده و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر می‌شود. با افزودن این نکته که در نظامهای سیاسی دینی، حقوق کیفری متأثر از الزامات ناشی از آموزه‌های دینی و وحی الهی هستند، باید اذعان داشت که جرم انگاری در حوزه ارزشهای اساسی دینی به معنای بیان، اعلام و قانون گذاری جرائم و مجازات‌های شرعی خواهد بود.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> طغری نگار، حسن، (۱۳۹۲)، مرزهای شکننده سیاست جنایی، در دایره المعارف علوم جنایی، ص ۱۷۲  
<sup>۲</sup> آقابابایی، حسین (۱۳۸۶)، بررسی فقهی- حقوقی جرم براندازی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۳۶-۳۷

در خصوص مبنای جرم انگاری اعتیاد به مواد مخدر و تأثیر ایدئولوژی‌های حاکم بر آن، نظرات مختلفی وجود دارد، اصل اخلاق‌گرایی قانونی، اصل ضرر در این زمینه قابل ذکر هستند، با اشاره به نظرات مختلف در مورد مبنای جرم انگاری اعتیاد، به دیدگاه مورد نظر نگارندگان می‌پردازیم.

### بند اول- اعتیاد به مواد مخدر و نقض قواعد اخلاقی

اخلاق‌گرایی قانونی، به معنای بهره‌برداری از ضمانت اجرای حقوقی است و در بحث ما مجازات به منظور حفظ و ترویج فضایل و موازین اخلاقی است. رویکرد معتدل اخلاق‌گرایی قانونی معتقد است که اخلاق متعارف، موجب تداوم و استحکام جامعه است و نقض این اصول اخلاقی باعث اختلال در نظم و انسجام جامعه می‌شود. لرد دولین از مدافعان این دیدگاه است. از نظر وی استانداردهای رفتاری و اصول اخلاقی معینی وجود دارد که نیاز است برای حمایت از جامعه رعایت شوند و نقض آنها، فقط یک گناه و جرم علیه شخص نبوده، بلکه علمیه جامعه به عنوان یک کل است.»

اگرچه اخلاق‌گرایان در بیان مفهوم اخلاق متعارف و ملاک تعیین آن و اینکه کدام حکم اخلاقی نیازمند حمایت حقوقی است اختلاف نظر دارند، اما در این موضوع اشتراک نظر وجود دارد که: «حقوق کیفری آن گونه که ما می‌شناسیم، مبتنی بر اصلی اخلاقی است و در تعدادی از جرائم، کارکرد آن صرفاً اجرای یک اصل اخلاقی است.»

هر چند اخلاق‌گرایی در معنای محدود خود، حفظ و پاسداشت اخلاقیات جامعه را مد نظر دارد، آن چه می‌تواند مبنای دیدگاه اخلاق‌گرایان در حمایت از اخلاق جامعه باشد، این است که یکی از وجوه همبستگی اجتماعی وجود باورهای اخلاقی مشترک در جامعه است و چون حقوق کیفری باید از همزیستی مسالمت‌آمیز و پایه‌ها و ارگان همبستگی اجتماعی حمایت کند، لذا حمایت از اخلاقیات نیز از جمله کارکردهای حقوق کیفری است. بر این اساس، چون سوء مصرف مواد مخدر به فرد ضرر می‌زند و قرار

دادن جان خود در معرض خطر اعتیاد، از بین بردن تدریجی آن است و این امر از نظر اخلاقی مذموم است، حقوق کیفری می‌تواند در راستای صیانت از نفس انسانی، نسبت به جرم انگاری اعتیاد اقدام کند. کمال‌گرایی عقیده دیگری است که حمایت از اخلاقیات جامعه را با ضمانت اجرای کیفری توجیه می‌کند. این دیدگاه هر چند مورد انتقاد لیبرال‌هایی مانند میل و طرفداران وی است، در ایدئولوژی دینی و در فرهنگ اسلامی قابل فهم است. از منظر آموزه‌های اسلامی، کمال انسان از طریق آراستگی به فضایل و دوری از رذایل و عمل به دستورات شریعت کمال مطلوب انسان با ایمان است. به عبارت دیگر در تفکر دینی، ارزش رقیب که آزادی مورد نظر لیبرالهاست، فی نفسه مطلوب مطلق و هدف نیست بلکه آزادی در حقیقت برخوردار از نیروی خلاقه حیات است تا آدمی بتواند به وسیله آن به حیات معقول نائل گردد.<sup>۱</sup>

### بند دوم- اعتیاد به مواد مخدر و ایراد ضرر به دیگران

مطابق این دیدگاه، معتاد به مواد مخدر با عمل خود به دیگران ضرر می‌زند و این دلیل موجهی است برای اینکه با اعتیاد برخورد سرکوبگرانه و کیفری داشته باشیم. در این دیدگاه گفته می‌شود که خانواده معتاد از بزه دیدگان مستقیم هستند. طرفداران این نظر معتقدند به سختی می‌توان این سخن را پذیرفت که در این جرم بزه دیده‌ای وجود نداشته باشد، زیرا علی‌رغم اینکه تعریف بزه دیده کسی است که مستقیماً از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است، لکن در بسیاری از موارد، بزه دیدگان دیگری هم وجود دارند. از نظر برخی محققان، بزه دیدگان مستقیم اعتیاد، در وهله نخست شخص معتاد و در درجه دوم خانواده او هستند. کشور در تمام ابعاد اقتصادی و فرهنگی و امنیتی خود و در محدوده‌ای وسیع‌تر، بشریت و همه آرمان‌های عالیش بزه دیده غیر مستقیم خواهند بود.<sup>۲</sup> هم‌چنین در این زمینه گفته می‌شود مصرف‌کننده مواد مخدر و مبتلابه اعتیاد وقتی نتواند از خانواده خود مراقبت کند و مخارج آنها را پردازد، جامعه با بر عهده گرفتن

<sup>۱</sup> جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام جهانی حقوق بشر، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۴۵

<sup>۲</sup> توجیهی، عبدالعلی (۱۳۷۹)، کاربرد یافته‌های بزه‌شناسی در روند مبارزه با اعتیاد، همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، روزنامه رسمی، ص ۳۱۸

حمایت این اشخاص متحمل هزینه و ضرر خواهد شد. ضمن اینکه فرد برای حفظ سلامت خود (که به واسطه مصرف مواد، به خطر می افتد) از خدمات گران قیمت پزشکی استفاده می کند. خدماتی که متعلق به جامعه است و می تواند در جایی دیگر مورد استفاده عموم قرار گیرد.<sup>۱</sup>

از نگاهی دیگر، خسارت در مفهوم کلی اعم است از خسارات مادی، معنوی، جسمانی و منافع فوت شده، خسارت معنوی، بخش وسیعی از مفاهیم و مصادیق را در بر می گیرد که عبارت از ضررهای وارده به آبرو، شهرت، احساسات و عواطف و علائق اخلاقی و خانوادگی است.<sup>۲</sup>

فرد معتاد علی رغم اینکه به حسب ظاهر مصرف کننده مواد مخدر است و به جسم و جان خود آسیب می زند، تأثیرات منفی و صدمات بسیاری نیز به خانواده و بستگان مرتبط وارد می کند. در این خصوص حتی برخی از لیبرال ها نیز این جرم را از دریچه ضرر به دیگران توجیه می کنند و معتقدند معتاد به مواد مخدر همچون باری بر دوش دیگران تحمیل می شود، احساسات اخلاقی جامعه نیز صرف نظر از رفتارهای مجرمانه یا غیراخلاقی که یک معتاد در اثر اعتیاد ممکن است انجام دهد، با دیدن معتاد یا مصرف مواد توسط او جریحه دار خواهد شد.<sup>۳</sup>

## مبحث دوم- جرم شناسی اعتیاد در منابع فقهی

### گفتار اول- ادله حرمت استعمال مواد مخدر در کتاب

با استفاده از منابع فقهی (کتاب سنت اجماع عقل) حرمت استعمال مواد مخدر عبارت اند از:

«يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا»؛<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کلارکسون، سی. ام. وی (۱۳۷۱)، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۲۳۰

<sup>۲</sup> آشوری، محمد (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت، ص ۲۵۷  
<sup>۳</sup> رحمتل، منصور (۱۳۸۲)، اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در ایران؛ جرم زدایی یا جرم انگاری، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۹، ص ۲۱۰

<sup>۴</sup> سوره مبارکه بقره آیه ۲۱۹



از تو درباره شراب و قمار می پرسند بگو در آنها گناهی بزرگ و منافی برای مردم است ولی گناه آنها از منافعشان بیشتر است.

خمر به هر ماده مست کننده ای اطلاق می شود: زیرا خمر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است همه مست کننده ها باعث ستر و زوال عقل و مانع تشخیص خوب و بد توسط انسان می شوند و قدرت تفکر و ادراک را از او می گیرند اثم هم معنای نزدیک به ذنب و گناه دارد یعنی حالتی که باعث محرومیت انسان از نیل به خیرات می شود و شقاوت و حرمان برای انسان به بار می آورد و این حالت وقتی که در عقل و روح انسان به وجود می آید او را از رسیدن به مقصود اصلی و هدف اصلی آفرینش یعنی کمالات انسانی باز می دارد و ضرر زیادی به جسم و جان وارد می کند.

بر اساس آیه شریفه، مشروبات الکلی و مواد مخدر به دلیل ضرر و زیان های زیاد باعث زوال عقل انسان و ادراک و فهم شده و شهوات کاذب و زودگذر را بر اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حاکم می کنند بدین جهت حرام هستند.<sup>۱</sup>

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»<sup>۲</sup>

ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتي از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید) و یکدیگر را نکشید که البته خدا بسیار به شما مهربان است.

بنابراین آیه هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد و خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد خرید و فروش وسایل فساد و گناه همه در

<sup>۱</sup> مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، چاپ ۴۵، دارکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹، ذیل آیه، ص ۴۱

<sup>۲</sup> سوره نسا آیه ۲۹

تحت این قانون کلی قرار دارند و اگر در روایات متعددی کلمه باطل به قمار، ربا و مانند آن تفسیر شده در حقیقت معرفی مصداق‌های روشن این کلمه است نه آن که منحصر به آن‌ها باشد.<sup>۲</sup>

برداشتی که از آیه می‌شود این است که حفظ نفس و برطرف کردن فشار و سختی و فراهم کردن راحتی و دوری از قتل نفس واجب است. نتیجه‌ای که از استعمال مکرر مواد مخدر حاصل می‌شود این است که از آن حرارتی در نفس ایجاد می‌شود که مبدل به بیماری سخت و نابودکننده‌ای می‌شود پس مشمول قول خداوند سبحان می‌گردد که فرموده است یکدیگر را نکشید.

مضمون این آیه (۱ و ۲) نگهداری و سلامت نفس را واجب کرده و همچنین واجب کرده است که نباید نفس را در مهلکه یا ارتکاب خطرهایی قرارداد که منجر به قتل نفس شوند مگر اینکه مصلحت مهم‌تری وجود داشته باشد مانند جهاد در راه خدا و چون مواد مخدر باعث ضرر و به خطر افتادن سلامت و تندرستی می‌شود و این موضوع از نظر پزشکی به اثبات رسیده است لذا استفاده از آن نیز حرام می‌باشد.

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا أُولَئِكَ هُمُ الْمَعْرُوفُ وَيَتَنَاهَا هُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۗ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup>

آنان که پیروی کنند از رسول ختمی مرتبت و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آن‌هاست (نام و نشانی و اوصافش را) نگاشته می‌یابند (که آن رسول) آن‌ها را امر به نیکویی و نهی از زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند و احکام پررنج و مشقتی را که (از جهل و هوا) چون زنجیر بگردان خود نهاده‌اند همه را می‌دارد پس آنان که به او گرویدند و از او

<sup>۲</sup> مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، چاپ ۴۵، دارکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹، جزء ۵، آیه ۲۹، ص ۴۱  
<sup>۱</sup> سوره اعراف آیه ۱۵۷

حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالم‌اند.

فقها و دانشمندان از آیه فوق چنین استنباط می‌کنند که محتوای دعوت او با فطرت سلیم هم آهنگ است طیبات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد برای آن‌ها حلال می‌شمرد و آنچه خبیث و تنفرآمیز باشد را بر آنها تحریم می‌کند (وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ) او بسان مدعیان در چنین نبوت و رسالت که هدفشان به زنجیر کشیدن توده‌های مردم و استعمار و استثمار آن‌ها است نیست نه تنها بندی بر آنها نمی‌گذارد که بارها را از دوش آن‌ها بر می‌دارد و غل و زنجیرهایی را که بردست و پا و گردنشان سنگینی می‌کرد را می‌افکند حال سؤال اینجاست آیا هر فرد عاقلی می‌تواند بگوید که مواد مخدر جزء طیبات و مباحات هستند یقیناً مواد مخدر جزء خبیثات است و حرام است زیرا ضررهای ناشی از آن بر همگان آشکار است و انسانها را در غل و زنجیر حقارت‌ها ننگه می‌دارد.<sup>۱</sup>

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»<sup>۲</sup>

ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گروبندی (که اسمی بود در جاهلیت) همه این‌ها پلید و از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید-شیطان قصد آن دارد وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد پس شما آیا از آن دست برمی‌دارید (تا به فتنه شیطان مبتلا نشوید)

<sup>۱</sup> نوری میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل، بیروت انتشارات موسسه آل بیت، چاپ اول، ۱۲ جلدی، ج ۱۷، ص ۸۰  
<sup>۲</sup> سوره مائده آیه ۹۰-۹۱

آشنایی مسلمانان به احکام اسلام و آمادگی فکری آن‌ها برای ریشه کن ساختن این مفسده بزرگ اجتماعی که در اعماق وجود آن‌ها نفوذ کرده بود سبب شد که دستور نهایی با صراحت کامل و بیان قاطع که حتی بهانه جویان نیز نتوانند به آن ایرادگیرند نازل گردید که همین آیه مورد بحث بوده باشد.<sup>۱</sup>

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup>

از مال خود در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف) و خود را به مهلکه (خطر بیچارگی) نیفکنید و نیکوئی کنید زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

ابتدای آیه فوق اشاره به انفاق دارد لیکن در ادامه با بیان جمله و لا تلقوا بایدیکم هشدار مهمی را به انسان‌ها گوشزد می‌کند لذا اعتیاد به مواد مخدر یکی از بزرگ‌ترین مصادیق هلاکت و نابودی است. جمله و لا تلقوا بایدیکم إِلَى التَّهْلُكَةِ «با دست خویش خود را به هلاکت نیفکنید» هر چند در مورد ترک انفاق برای جهاد اسلامی وارد شده ولی مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که موارد زیاد دیگری را نیز شامل می‌شود از جمله این که: انسان حق ندارد از جاده‌های خطرناک (چه از نظر ناامنی چه عوامل جوی یا غیر آن) بدون پیش بینی‌های لازم بگذرد یا غذائی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند.

و یا حتی در میدان جهاد بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود و در تمام این موارد انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته و مسئول است پس در جامعه امروزی که اثرات و زیان‌های مواد مخدر به طور علمی مشخص شده است و مصرف آن در حقیقت خوردن سم خطرناکی است که به تدریج وارد بدن شده و در نهایت به هلاکت و نابودی او و یا ضرر و زیان شدید منجر می‌شوند و به خطر انداختن بی‌جهت جان انسان

<sup>۱</sup> مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۲۰

<sup>۲</sup> سوره بقره آیه ۱۹۵

است به طور کل حرام است و باید از آن اجتناب کرد و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی رحمت ... آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم- ادله حرمت استعمال مواد مخدر در روایات

استدلال به آیات و روایات از جهت فقهی بودن آن و به‌عنوان موید برسیره عقلا در حرمت استعمال مواد مخدر هست و علی‌رغم اینکه در زمان پیامبر گرامی اسلام و ائمه (ع) گستردگی مواد مخدر به این صورت نبوده است لیکن روایات متعددی در این زمینه توسط پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین آمده است و با توجه به مقتضیات زمان و مکان و افزایش ضررهای استعمال انواع مواد مخدر که به‌صورت امر مستحدث‌های درآمدی است به سیره عقلانی استناد کرده‌ایم و از آیات و روایات فقط در حد حرمت ضرر به نفس استفاده شده است.

عن رسول ... (ص) انه قال: سیاتی زمان علی امتی یا کلون شیئاً اسمه البنج، انا بری و منهم وهم برئون منی.<sup>۲</sup>  
از پیامبر گرامی (ص) نقل شده است که فرمودند: زمانی بر امت من فراخوان رسید که چیزی به نام بنگ را می‌خورند که من از آنان بیزارم و آنان نیز از من بیزار هستند.

قال النبی (ص): سلموا علی الیهود والنصارى ولا تسلموا علی آکل البنج<sup>۳</sup>

بر یهود و نصاری سلام کنید ولی بر خورنده بنگ سلام نکنید.

قال النبی (ص): من احتقر ذنب البنج فقد کفر<sup>۴</sup>

رسول خدا (ص) فرمودند: کسی را گناه بنگ را کوچک شمارد کافر است.

<sup>۱</sup> طباطبایی سید محمدحسین، تفسیر المیزان، انتشارات جامعه مدرسین قم، بی تا، ج ۱، ص ۶۴  
<sup>۲</sup> نوری میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل، بیروت انتشارات موسسه آل بیت، چاپ اول، ۱۲ جلدی، ج ۱۷، ص ۸۵  
<sup>۳</sup> نوری، حسن، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۵.  
<sup>۴</sup> همان، ج ۱۷، ص ۸۶.

قال النبي (ص): الا إنّ كل مكر حرام وكل مخدر حرام وما اسكر كثيرة حرام قليله<sup>۱</sup>

پیامبر فرمود: هر مسکر حرام است و هر مخدر حرام است و آنچه که مقدار زیادش مستی آور است مقدار کم آن هم حرام است و آنچه که عقل را خمار و گیج کند حرام است.

قال (ص) من اكل البنج فكانما هرم الكعبه سبعين مره و كانما قتل سبعين ملكاً مقرباً و كانما قتل سبعين نبياً مرسلأ<sup>۲</sup>

کسی که بنگ را می خورد مثل این است که هفتاد مرتبه کعبه را خراب کرده است و هفتاد فرشته‌ی مقرب را کشته است و هفتاد پیامبر مرسل را کشته است و هفتاد کتاب آسمانی را به آتش کشیده است و هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کرده است و او حتی نسبت به نوشیده‌ی شراب و رباخوار و زناکار و سخن چین، از رحمت خدا دورتر است.

عَنْ الصّادقِ (ع): «ما كان عن صنوفِ البقولِ ممّا فيه المضرّةُ على الانسانِ من اكله نظيرِ بقولِ السمومِ القاتلةِ ونظيرِ الدفلا وغيرِ ذلكَ من صنوفِ السّم القاتلِ فحرامٌ اكلُه»<sup>۳</sup>

از امام صادق (ع) روایت است که آنچه از سبزی‌ها و گیاهانی که در خوردن آن برای انسان ضرر دارد مانند گیاهان سمی کشنده و خرزهره و مشابه آن از صنف مسموم کشنده، خوردنش حرام است.

قال امام الرضا (ع): «اعلم يرحمك الله، انّ اله تعالى لا يبيح اكلأ ولا شربأ الا لما فيه المنفعةُ والصلاحُ ولم يُحرّم الا ما فيه الضررُ والتلفُ والفسادُ فكلُّ نافعٍ مقوٍ للجسم وفيه قوةٌ للبدنِ فحلالٌ وكلُّ مُضرٌّ يُذهبُ بالقوةِ او قاتلٌ فحرامٌ، مثلُ السمومِ والميتنهِ والدم»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> المتقى الهندي، كنز العمال، تحقيق بكرى حياتى، ۱۶ جلدی بيروت، موسسه الرساله، ۱۳۶۸، بی تا، ج ۸، ص ۹۳

<sup>۲</sup> نوری، حسن، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۷

<sup>۳</sup> مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق، جزء ۶۲، صفحه ۱۵۲

<sup>۴</sup> مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جزء ۱۹، صفحه ۷۶

بدان خداوند که ترا رحمت کند هیچ خوردنی و نوشیدنی را مباح نکرد مگر اینکه در آن نفع و مصلحتی بود و هیچ چیزی را حرام اعلام ننمود مگر اینکه در آن زیان و نابودی و فساد بود، پس هر چیزی که در آن نفع و قوت جسم و قوت بدن است حلال است؛ و هر چیز زیان‌آوری که نیرو و قدرت را از بین ببرد و یا کشنده باشد حرام است مثل سم‌ها و گوشت حیوان خود مرده و خون که در اینجا اگرچه در ابتدا خوردن و نوشیدن مطرح شده ولی مفهوم کل مطلب یک قاعده کلی برای تحریم بعضی اشیاء می‌باشد.

### گفتار سوم- ادله حرمت از نظر بناء و سیره عقلاء

سیره و بنای عقلا در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر است چرا که یکی از معضلات و نگرانی‌های عمده جهان امروز معضل مواد مخدر است که به دلیل پیامدهای جهانی، روانی، مالی، شخصی، خانوادگی، قانونی و اجتماعی مصرف این مواد توجه افشار مختلف مردم، مسئولین کشوری و لشگری، سازمان‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده و در جهت مبارزه با این پدیده شوم اقدامات گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند و در این میان سازمانهای دولتی و غیردولتی متعددی در جهت مبارزه با این معضل سازماندهی و گامهایی چند در این خصوص برداشته و نشریات، صداوسیما، بزرگان دینی و بزرگان علمی از آثار زیانبار مواد مخدر صحبت به میان آورده‌اند و معتادان در نظام اسلامی منفورترین اشخاص را تشکیل می‌دهند و حتی زنان، فرزندان و پدران و مادرانشان از وجود آنان رنج می‌برند و اهمیت قضیه به حدی جدی و مهم است که کلیه دستگاههای اجرایی از تمامی ظرفیتهای آنها به نفع سلامت جامعه و با بسیج تمام ارگانهای ذی ربط جهت پیشگیری و مبارزه با این پدیده شوم کمر همت بسته‌اند و در سراسر جهان نیز علی‌رغم نداشتن اعتقادات مذهبی مشترک در این باره اجماع وجود دارد.

## بند اول - قاعده لاضرر

ضرر، اسم مصدر و به معنای نقص می‌باشد؛ به عبارت دیگر نقص چیزی از آنچه سزاوار و شایسته است. این نقص می‌تواند نقص در کم متصل مانند تنگی مکان، کم منفصل مانند کمی نقود، در کیف مانند بدی حال به سبب مریضی، در عین مانند نقص عضو و یا نقص در مورد «اعتبار قانونی» باشد. مانند رعایت نکردن حقی از حقوق دیگران، همان طور که در قضیه «سمره» رخ داد. وی حق آن «انصاری» را که بتواند در خانه خویش آزاد و آسوده باشد، نادیده می‌گرفت و سمره سرزده و بدون اجازه از انصاری، وارد خانه‌اش می‌شد.<sup>۱</sup>

ضرر نیز به معنای تکرار صدور معنا از فاعل یا استمرار آن است.<sup>۲</sup>

مفاد قسم دوم یعنی لاضرر، ایجاد سبب برای نفی ضرر رساندن (اضرار) است که خود، دو قانون را در بر دارد:

۱ حرام شمردن اضرار به صورت تحریم مولوی تکلیفی؛

۲ جعل ایجاد وسایل و سازوکارهای اجرایی قانونی برای حمایت از این تحریم.

توضیح اجمالی آن که برای نفی تحقق طبیعت چیزی در خارج، شارع می‌تواند از قالب‌های مختلفی همچون بیان تحریم مولوی یا ارشادی یا بیان نبود حکم توهم شده و مانند آن، استفاده نماید. به کارگیری هر کدام از این معانی، وابسته به نوع موضوع و در مجموع، ویژگی‌های متعلق به آن است. در مورد لاضرر باید گفت که ضرر، با توجه به معنای اسم مصدری‌ای که دارد از کاستی و منقصتی که شخص بدان دچار شده و متضرر گشته، خبر می‌دهد. ماهیت این معنا به روشنی می‌رساند که بر خلاف خواسته انسان است و هیچ انسانی،

<sup>۱</sup> سیستانی، سید علی: قاعده لاضرر و لاضرار، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، قم، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۱۳

<sup>۲</sup> همان، ص ۱۳۱



کاری انجام نمی‌دهد که به خود آسیبی وارد سازد؛ مگر آن که حکمی شرعی سبب شود تا او ضرری را تحمل نماید. زیرا طبیعت آدمی، ضرر را از خویش دور می‌سازد و از هر آسیبی گریزان است.

بدین ترتیب نفی طبیعت به وسیله قالبی مانند «لاضرر» در واقع بیان می‌دارد که جعل شرعی اگر خواسته باشد سببی برای ضرر باشد، از سوی شارع نفی شده است. بنابراین مختار در مفاد لاضرر، همان مسلک مشهور می‌باشد که در اصطلاح عبارت است از «نفی التسیب الی الضرر لجعل حکم ضرری». اگرچه در تحلیل این دیدگاه مشهور، نوآوری‌هایی به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup>

اما بخش دوم قاعده یعنی «لاضرار» در نوع آنچه نفی شده و ویژگی‌های دیگر، با بخش اول یعنی لاضرر، تفاوت دارد. زیرا ضرار دارای معنای مصدری بوده که صدور از فاعل را بیان می‌دارد؛ یعنی ضرر رساندن به دیگری.

قاعده «لا ضرر و لا ضرار» برگرفته از حدیثی از پیامبر اسلام (ص) است. برای درک بهتر مراد از این روایت ابتدا باید معنای مفردات آن معلوم باشد.<sup>۲</sup>

الف. «ضرر»: یعنی نقصانی که در چیزی وارد می‌شود.<sup>۳</sup> یا در جایی دیگر ضرر به معنای ضد نفع تعریف شده است، و این که در روایت آمده: «لا ضرر...»؛ یعنی انسان ضرری به برادرش وارد نمی‌کند تا موجب نقصان او در چیزی شود.<sup>۴</sup>

ب. «ضرار»: این کلمه؛ دارای معانی مختلفی است. «ضرار» بر وزن «فعال» مصدر باب مفاعله است. باب مفاعله دلالت بر اعمال طرفینی می‌کند. پس «ضرار» که مصدر باب مفاعله است مبین امکان ورود ضرر بر دو

<sup>۱</sup> سیستانی، سید علی: قاعده لاضرر و لاضرار، ص ۱۴۷

<sup>۲</sup> مصطفوی، سید محمد کاظم، القواعد، ص ۲۴۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۱ ق؛

<sup>۳</sup> زمخشری، ابوالقاسم، الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۱۷۳، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

<sup>۴</sup> جزری ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۸۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان.

جانب و طرفین است، بر خلاف «ضرر» که همیشه از یک طرف علیه طرف دیگر وارد می‌شود. با توجه به

قید طرفینی بودن، برای «ضرار» معانی مختلفی ارائه شده است:

۱. مجازات بر ضرری است که از جانب دیگری به انسان می‌رسد.

۲. ضرر رساندن متقابل دو نفر است به یکدیگر.

۳. ضرر در مواردی است که شخصی به دیگری ضرر می‌رساند تا خودش منتفع گردد.

۴. ضرر در موردی است که با ضرر رسانیدن به دیگری، نفعی عاید شخص نشود. بنا بر این دیدگاه؛ ضرر

و ضرار دارای معنای واحد هستند.

امام خمینی در کتاب «الرسائل»،<sup>۱</sup> فرق بین ضرر و ضرار را چنین بیان کرده است:

غالب استعمالات ضرر و مشتقات آن مالی یا نفسی است، ولی کاربرد ضرار و مشتقاتش در تضییق، اهمال،

حَرَج، سختی و دشواری، شایع و رایج است. پس ضرار به معنای اخیر غلبه دارد. در قرآن مجید هم هر جا

کلمه ضرر استعمال شده به معنای ضرر مالی و جانی آمده است؛ ولی هر جا کلمه ضرار آمده به معنای

تضییق و ایصال حرج است؛ مانند آیه شریفه «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلَهَا»<sup>۲</sup> «باید مادری به خاطر فرزندش به زیان

افتد» و آیه نازل در خصوص مسجد ضرار. در این آیه، ضرار معنای نفسی یا مالی نمی‌دهد؛ منافقان قصد

نداشتند مالی را تلف کنند یا صدمه بدنی به کسی بزنند، بلکه فقط می‌خواستند عقاید مسلمانان را مشوش

سازند و آنها را به تفرقه و نفاق روحی گرفتار کنند.

<sup>۱</sup> همان، ج ۳، ص ۸۲

<sup>۲</sup> خمینی، سید روح الله، الرسائل، ج ۱، ص ۳۳، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.

<sup>۳</sup> سوره بقره آیه ۲۳۳

بالآخره بررسی موارد استعمال واژه‌های ضرر و ضرار در منابع اسلامی نشان می‌دهد که «ضرر» شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، ولی «ضرار» مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به «سوء استفاده از حق» تعبیر می‌شود.<sup>۱</sup>

درباره «لا» در این روایت نظرات بسیار مفصلی بیان شده است،<sup>۲</sup> ولی به طور کلی با استفاده از تمام نظریات به نظر می‌رسد که معنای حدیث «لا ضرر» به کوتاه سخن آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد، ولی عدم مشروعیت ضرر، هم شامل مرحله قانون‌گذاری می‌شود و هم شامل مرحله اجرای قانون.

### بند دوم - مستندات قاعده لا ضرر

کتاب: در قرآن مجید آیاتی وجود دارند که با تصریح به واژه «ضرر» و مشتقاتش در موارد خاص، احکامی را ارائه کرده که از باب تعلیق حکم بر وصف، حاوی معنای عام هستند و «لا ضرر» را به صورت یک قاعده می‌توانند تثبیت کنند که در ادامه به ذکر دو نمونه از این آیات می‌پردازیم:

۱. «لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا<sup>۱</sup> وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهَا»؛ یعنی هیچ مادری نباید به فرزندش ضرر برساند و نیز هیچ پدری نباید به فرزندش زیان بزند. این آیه به مادران اعلام می‌دارد که با قطع شیر، موجب زیان و ضرر فرزند خود نشوند و پدران نیز با قطع نفقه، چنین ضرری وارد نکنند.

۲. «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا»؛ یعنی برای ضرر رساندن، زنان را نزد خود نگه ندارید؛ تا در حق آنان ستم روا دارید. ظاهراً گروهی از مردان، زنان خود را طلاق داده و بعد به آنها رجوع می‌کردند؛ البته نه به

<sup>۱</sup> بجنوردی، حسن، قواعد فقه، ج ۱، ص ۱۴۱.

<sup>۲</sup> ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۴۲ - ۱۵۰.

<sup>۳</sup> بقره، ۲۳۳.

<sup>۴</sup> بقره، ۲۳۱.

علت رغبتی که به آنها داشتند، بلکه با نیت تجاوز و تعدی و گاه پایمال کردن حقوق مالی ناشی از زوجیت که به زنان تعلق می‌گرفت.

**روایات:** در خصوص لا ضرر، روایات بسیاری وارد شده که نشانگر نوعی تواتر اجمالی در این موضوع است؛ به این معنا که هر چند همه روایات مذکور به یک لفظ نیستند، ولی مضمون واحدی دارند که در ذیل به دو مورد از این روایات، اشاره می‌کنیم.

۱. امام باقر (ع) فرمود: «در زمان رسول خدا (ص)، سمره بن جندب در کنار خانه مردی از انصار، درخت خرمایی داشت که راه رسیدن به آن از داخل خانه آن مرد می‌گذشت. سمره برای سرکشی به آن درخت و انجام امور آن، بارها سرزده وارد منزل مرد انصاری شده و بدین ترتیب باعث مزاحمت خانواده او می‌گردید تا این‌که عرصه بر صاحبخانه تنگ شد و به سمره گفت: تو بدون اطلاع قبلی وارد منزل می‌شوی و ممکن است اعضای خانواده‌ام در وضعیتی باشند که تو نباید آنها را ببینی! بعد از این، هنگام عبور، اجازه بخواه تا اهل خانه‌ام مطلع باشند! سمره گفت: من از میان خانه تو به باغ خودم می‌روم و چون حق عبور دارم لزومی به اعلام و اخذ اجازه نمی‌بینم! مرد انصاری مجبور شد به رسول اکرم (ص) شکایت کند. آن‌حضرت به سمره فرمود: بعد از این هنگام عبور، حضورت را اعلام کن. سمره گفت: این کار را نخواهم کرد. پیامبر (ص) فرمود: از این درخت دست بردار و به ازای آن، درخت دیگری با همین ویژگی به تو می‌دهم. سمره قبول نکرد. آن‌گاه پیامبر فرمود: در مقابل آن درخت، ده درخت بگیر و دست از آن بردار و سمره بازهم قبول نکرد. پس پیامبر فرمود: دست از درخت بردار و به جایش در بهشت یک درخت خرما به تو خواهم داد؛ اما او این بار هم نپذیرفت تا این‌که رسول الله (ص) فرمود: "انک رجل مضارّ و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن"؛

یعنی: تو مرد ضرر زننده‌ای هستی، و کسی نباید به مؤمن ضرر بزند. بعد از آن دستور داد آن درخت را  
کنند و نزد سمره انداختند.<sup>۱</sup>

۲. شخصی به امام حسن عسکری (ع) نوشت که کسی قناتی دارد و دیگری در همسایگی او قصد حفر  
قنات دیگری را دارد. او چه مقدار باید رعایت حریم کند؟ آن حضرت در پاسخ نوشت: «عَلَى حَسَبِ أَنْ لَّا  
تُضِرَّ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى»؛ یعنی: به گونه‌ای باشد که یکی به دیگری ضرر نرساند.<sup>۲</sup>

با توجه به مطالب گفته شده؛ معنای لا ضرر و لا ضرار این است که؛ در تشریح و اجرای احکام اسلامی  
ضرر رساندن به دیگران نفی شده است.

**عقل:** مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار، منبع چهارم فقه؛ یعنی عقل است. در واقع باید گفت که مدلول  
این قاعده جزء «مستقلات عقلیه» است که عبارتند از اموری که بدون حکم شرع خود عقل به آنها می‌رسد.

براساس این نظریه استعمال مصرف مواد مخدر و همچنین قاچاق آن (فرآیند تولید تا مصرف) از صغریات  
قاعده‌ی مزبور می‌باشد زیرا اگر حکم به ربا حدآن شود در واقع تکسب و تولید و معاملاتی شده که ضرر و  
زیان آن برای افراد جامعه، وحیات آنها امری مسلم است؛ لذا از باب نفی حکم ضرری، حکم اباحه‌ی آن  
برداشته شده و حرام می‌گردد. موضوع موادمخدر، تکسب و تولید و... به جز ضرر و زیان برای جامعه چیزی  
در بر ندارد و آن دسته از مشتقات موادمخدر که کاربرد پزشکی دارند نیز چنانکه حکم به طیب آنها کنیم  
مورد سوء استفاده بسیار و بیش از کاربردش در امور طبی قرار می‌گیرند و همان مضرات موادمخدر را دارند از  
این رو از باب نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری آن حرام می‌گردد اما اگر قاعده را از باب احکام

<sup>۱</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج ۵، ص ۲۹۲

<sup>۲</sup> همان، ص ۲۹۳.

حکومتی و سلطانیه حجت بدانیم چون ضرری بودن مواد مخدر برای جامعه و افراد آن روشن بوده و حتی می‌تواند تهدیدی برای حکومت باشد، از باب احکام حکومتی، محکوم به منع و حرمت می‌باشد.<sup>۱</sup>

در مذهب شیعه، که مذهب اکثریت افراد جامعه ایران است، علی‌الظاهر از جهت حرمت استعمال مواد مخدر بین فقها اتفاق نظر وجود ندارد و مثل سایر موارد که ممنوعیت عمل مورد اتفاق همه فقها یا اکثر آنان باشد نیست، برخی از آنان نیز به قاعده کلی لاضرر و الاضرار فی الاسلام استناد می‌کنند و هر آنچه را برای بدن و عقل انسان مضر باشد حرام می‌دانند.

با این حال، از پیامبر اسلام نقل شده است که: هر کس استعمال بنگ را کوچک شمرد کافر است و هر کس بنگ و مشتقات آن را بخورد و استعمال کند همچون کسی است که هفتاد بار کعبه مقدسه را منهدم نموده باشد و از مانی بر امتم خواهد آمد که موادی را استعمال و مصرف می‌کنند و می‌خورند و می‌نوشند که نامش بنگ است. من از چنان افراد امت بیزارم و برکنارم و آنها نیز از من بری و دور و برکنار شده و بپرهیزید از حشیش که حشیش، خمر و نوعی شراب مست‌کننده اقوام عجم است و حیا و شرم را از دیدگان می‌برد.<sup>۲</sup>

برخی از فقها نیز بر حرمت استعمال مواد مخدر فتوا صادر کرده‌اند. برای مثال، ابو عبد الله محمد بن مکی معروف به شهید اول، متوفی به سال ۷۸۶ هجری قمری، می‌گوید: آنچه بر استعمال آن عقل انسان از بین می‌رود بر چند قسم است ... اگر با از بین رفتن عقل در حواس نشاط و سرور پیدا نشود، این ماده فساد آور است، مانند بنگ و حشیش، شیخ مرتضی انصاری نیز می‌گوید: استفاده از عصاره بنگ قطعاً و بدون تردید حرام است، سید ابوالحسن اصفهانی نیز حشیش را جزء مواد سکرآور دانسته و آن را حرام می‌داند. وی در مورد تریاک می‌گوید: تریاک به ترتیبی که امروز معمول شده و در ایران شیوع پیدا کرده حرام است، و اضافه

<sup>۱</sup> هاشمی شاهرودی، سید محمود، فقه اهل بیت (ع)،، سال نهم، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۶۳

<sup>۲</sup> محمدزاده فراهانی، اکرم و رضوان، نقی زاده. ژرفای تربیتش ۲۳، ص ۵-۱۱

می‌کند. چیزی که مصرف زیاد و اعتیاد آن مضر باشد، مصرف مکرر آن مانند تریاک حرام است که می‌بایست از آن پرهیز شود.<sup>۱</sup>

لذا به نظر می‌رسد که مبنای جرم‌انگاری مواد مخدر در ایران، در کنار قبیح اجتماعی در مورد برخی از مواد مخدر و مذهب (هر چند در مورد حرمت استعمال مواد مخدر اتفاق نظر وجود ندارد)، جلوگیری از ایراد ضرر به خود مصرف‌کننده و دیگران باشد.

---

<sup>۱</sup> محمدزاده فراهانی، اکرم و رضوان، نقی زاده. ژرفای تربیت، ص ۵-۱۱

# فصل سوم

ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های

دارای والد معناد



## مبحث اول- ارتباط میان اعتیاد و ارتکاب جرم در خانواده‌های دارای والد معتاد

### گفتار اول- تأثیر اعتیاد والدین در بزهکاری کودک و نوجوان

در گذشته، طرزفکری ازسوی برخی از دانشمندان و محققان عرضه شده بود که براساس آن قائل بودند بعضی از افراد ذاتاً جانی و منحرف دنیا می‌آیند. در رأس این گروه در قرن اخیر، لمبروزو قرارداد داشت که پزشکی عالی مقام و محقق پرتلاش بود. او در کتاب انسان جنایتکار بصراحت اعتراف کرده است که در سرشت و خمیره بعضی از انسان‌ها جنایت نهفته است و چنین انسانی پس از ولادت و رشد در وضع و موقعیتی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند جنایت نکند. تحقیقات دانشمندانی دیگر، خلاف آن را ثابت کرده است ولی این نکته مورد تایید همگان قرار گرفته است که برخی از کودکان، فاسد و شرور و جانی باریمی آیند بدان خاطر که در محیط ناسالمی رشد و پرورش یافته‌اند. اسلام، آیین مقدس ما نیز قائل است هیچ طفلی ذاتاً فاسد و تبه‌کار بدنی نیست. اما بلکه برعکس فطرت او پاک و سالم و بر مبنای سلامت، امانت و صداقت است. ولی اگر کودک در محیط آلوده‌ای رشد و پرورش یابد، شرایط جرم و بزه در وجود او تکون می‌یابد و او آلوده و شرور خواهد شد و در این امر خانواده بیش از دیگر مراکز اجتماعی در کودک نقش دارد. بدین سان ریشه‌های رفتار کودک را پیش از آنکه در ذات و سرشت طفل جستجو کنیم باید از محیط تربیتی او بجوییم.

این امر بدان خاطر است که کودک در خانواده شاهد زشتی‌ها، زیبایی‌ها، محبت‌ها و خشونت‌ها، درگیری‌ها و حتی مرگ و میرها، خوردن و خفتن، غم و شادی و تحت تاثیر القات و تذکرات و امر و نهی والدین و دیگر اعضای خانواده است. این ملاحظات و مسموعات، فکر و روان او را شکل می‌دهد، انگیزه‌هایی سازنده و یا ویرانگر در او پدید می‌آورد و او را به رفتارهایی خاص و ویژه وامیدارد. خانواده، آموزشگاه رفتار و کردار کودک است. مهر و وفا، لبخند، شرافت و انحراف کودک، از خانواده آموخته می‌شود و او بعزت و ضعف عقلانی، عدم استقلال فکری و اقتصادی نمی‌تواند از تاثیرات آن دور و برکنار بماند. تمایلاتی که کودک امروز از خانواده خود نشان می‌دهد در پایه گذاری‌های بعدی زندگی اجتماعی او و روش بعدی حیاتش نقشی

فوق العاده دارد. کودک از آنجا درس ادب و مهربانی می‌آموزد و از آنجا روابط خود را با سایرین تنظیم می‌کند که ممکن است بر اساس عشق و محبت باشد یا خصومت و نفرت و درکل، او از تربیت خانوادگی تاثیر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

اعتیاد یکی از لکه‌های ننگ و داغی است که بر پیشانی گروهی از انسانها زده شده و وجودشان را مایه شرمساری انسانها ساخته است. این امر که زاییده هوس‌مندی‌ها، چاره‌جویی‌ها برای درمان درد درونی، خوشگذرانیها، معاشرت‌های ناباب و زمانی هم با دستیاری و کمک عوامل استعمار است در نزد بسیاری از افراد رواج دارد و حیات شخصی و اجتماعی آنها را برباد داده و خانواده و فرزندانشان را دستخوش نابسامانی می‌سازد. انگیزه اعتیاد هرچه باشد و فرم و صورت آن به هر گونه‌ای که باشد، خواه از مواد مخدر، خواه از الکل و خواه دیگر امور، باید گفت که آن، عاملی برای زوال خانواده و از عوامل جرم زاست. موضوع اعتیاد به هر گونه‌ای باشد سبب زوال، گرفتاری نسل، و سقوط شخصیت معتاد و کلاً نابسامانی خانواده است. بلوغ عاطفی را دچار مخاطره ساخته و از انسانی که قادر است اوج گیری و عروج کند فردی می‌سازد درمانده، ناتوان در اداره خود و زندگی خویش، دوران احساس مسئولیت، بی‌تفاوت در برابر وقایع و امور و نیز حوادثی در دور و برش می‌گذرد.<sup>۲</sup>

«فرزندان اعتیاد» لزوماً معتاد نیستند و در تعریف کلی، فرزندان اعتیاد کودکانی هستند که در محیط پرورشی خود (خانواده) با پدر یا مادر یا یکی از اعضای معتاد خانواده‌ی خود همزیستی دارند: ظاهراً مثل فرزندان خانواده‌های معمولی زندگی می‌کنند، مثل فرزندان دیگر به مدرسه می‌روند، درس می‌خوانند، بازی می‌کنند و ..... تحت «ولایت» و «حضانت» ولی یا اولیای معتاد خویش دوران کودکی و سنین رشد را پشت سر

---

۱ - قائمی، علی، کودک و خانواده نابسامان، ص ۴۵.

۲ - همان، ص ۲۵۴.

می‌گذارند. در بسیاری موارد وضع ظاهری این فرزندان در حد متعارف مطلوب و گاه حتی عالی است و کمتر می‌توان از ظاهر آنان حالت حقیقی درونیشان را درک کرد.

محیط فاسد تربیتی که فرزندان اعتیاد را در بگرفته است به حدی پیچیده و نامشهود است که تا موضوع «اعتیاد» مربی خانواده فاش نگردد، قابل رؤیت و ارزیابی نیست. کسی که طبق قوانین اجتماعی عنوان ولی قهری «پدر» را دارد و مسئولیت اداره امور مالی تغذیه، پوشاک، تحصیل و تربیت و... فرزندش به عهده‌ی او است در مقابل دیدگان کودک به استعمال ماده‌ی مخدر مورد اعتیاد خود می‌پردازد و کسی هم که بنا بر قوانین جاریه و بر مبنای عرف و عادت در مقام والای مادری باید به مراقبت و حضانت، تعلیم و تربیت، تأمین نیازهای عاطفی و روحی و... کودک مشغول باشد، یا در استعمال مواد مخدر با پدر همراه و دمساز می‌شود و یا به تنهایی و برای رفع نیاز شخص خود مقدمات مصرف آن را فراهم می‌سازد. در این نوع محافل غالباً دوستان اهل اعتیاد هم به عنوان همدم و همپا حضور دارند و جمع خانوادگی آنان با حضور دایمی این افراد غریبه متورم می‌شود.<sup>۱</sup>

اولیاء معتاد در شرایط نشئگی بسیار بخشنده، مهربان و ایثارگر می‌شوند و فرزندان را با بذل و بخشش‌ها نوازش‌های افراطی و وعده‌های واهی نسبت به خود وابسته می‌سازند و در حالت «خماری» سرشار از خشم و غضب و عصیان غیر قابل تحمل و درنده خو می‌شوند، یا در کمال بی تفاوتی و بی حوصلگی، نسبت به نزدیکان و وقایع اطراف خود کمترین احساس یا واکنشی بروز نمی‌دهند. کودکان شوم بخت ساکن در چنین خانه‌هایی، که تقدیر شوم به آنان تحمیل شده است، ناگزیرند خود را با شرایط متلاطم محیط منطبق سازند و دم نزنند. تقدیر شوم آن را وادار ساخته تا در نخستین سالهای زندگی با نوسانات روحی و رفتاری ناشی از نشئگی و خماری والدین مواجه شوند و قبح استعمال مواد مخدر، که شعارهای روز، منادی آن است، از

---

<sup>۱</sup> - ممتازی، سعید، خانواده و اعتیاد، زنجان، انتشارات مهدیس، ۱۳۸۱، ص ۸۳

خاطرشان زدوده شود. بروز این تغییرات رفتاری در اولیای معتاد، نخستین عامل گرایش به مواد مخدر در فرزندان اعتیاد است، زیرا کودک به تجربه در می‌یابد که سرپرست او بعد از استعمال مواد دارای رفتاری عاطفی و سرشار از مهر و محبت می‌شود و طفل، ناتوان از تشخیص این مطلب که ابراز احساسات در شرایط نشئگی حالتی موقت و کاذب است، در ذهن خود بین «خوبی و مهرورزی» و «استعمال مواد مخدر» نوعی رابطه مستقیم برقرار می‌کند. تا جایی که ماده مخدر را دریچه‌ای رو به سوی «مهربانی»، «عطوفت» و در مجموع صفات عالی انسانی و پسندیده می‌پندارد. میل و رغبت و ایجاد خوشبینی نسبت به مواد مخدر در فرزندان اعتیاد از این مرحله شروع می‌شود.<sup>۱</sup>

متأسفانه جهان به این صفت آموخته شده است که فقط برای فرزندان یتیم یا فرزندان که از فقر و سوء تغذیه رنج می‌برند احساس مسئولیت و دلسوزی کند. امروزه که دولتها پس از سالها غفلت، اهمال و سهل انگاری در راه مبارزه با مواد مخدر گام برداشته‌اند، جهان باید بیاموزد که در برنامه ریزی‌های اجتماعی و عاطفی خود جایگاه «فرزندان اعتیاد» را به دقت مشخص سازد، به جنبه‌های مادی و معنوی زندگی آنان بیشترین بها را بدهد و با تربیت افراد دلسوز، متخصص و مسئول برای نجات این گروه عظیم از کودکان قیام کند و حتی به تأسیس نهادهای آموزشی و بازپروری ویژه پردازد و بودجه لازم را تأمین سازد. شاید دشواری کار و علت عدم توجه به فرزندان اعتیاد این است که آنان لزوماً و حتماً «معتاد» یا «مجرم» نیستند، بلکه مثل مهره‌های بازی در چنگال بازیگران حرفه‌ای و بیرحم، که متأسفانه خویشاوندان نزدیک و اولیاء آنان هستند، به هرسو می‌غلطند و از هر نظر تحت انقیاد آنان قرار دارند. این فرزندان گاه از بدو تولد در خانواده تحت نظام آموزشی خاصی تعلیم می‌بینند که دوام و بقای شبکه توزیع مواد مخدر در سراسر جهان را به گونه‌ای منظم تضمین می‌کند. پناهگاهشان خانه‌ای است که در مجموع جهانی توزیع مواد مخدر مثل

---

<sup>۱</sup> کریمی پور، صادق، قربان حسینی، علی اصغر، والدین معتاد و فرزندان، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۵۶، ۱۳۷۸، ص ۳۵.

یک واحد و هسته آموزشی فعال عمل می‌کند و فرزندان را برای استقرار در نظام پیچیده و زنجیره‌ای شبکه توزیع مواد مخدر در جهان آینده آماده می‌سازد.

شاید در سراسر جهان نظام آموزشی مشابهی یافت نشود که کار آموزش کودک را از همان بدو تولد آغاز کند و هسته‌های آموزشی را به سرعت و به کمک فرزندان آموزش دیده در سطح جهان به یکدیگر متصل سازد و دام شبکه را مثل تارهای عنکبوت در تمام جوانب و همه جا بگستراند و علیرغم اختلافات گوناگون موجود در زبان، کشور، ملیت، مذهب و ارزشهای اعضای خود، این شبکه را همیشه فعال نگاه دارد.

در هسته‌های آموزش خانوادگی مرتبط با این شبکه جهانی، از کارایی و رقابت فرزندان در برترین حد ممکن سوء استفاده می‌شود. به تجربه ثابت شده است که مجازات به تنهایی نمی‌تواند به عنوان شیوه‌ای کامل برای پاکسازی محیط زیست از آلودگی‌ها انتخاب شود. در کنار اقدامات جزایی، باید برنامه ریزی‌های هماهنگ آموزشی و پرورشی نیز به موقع اجرا گذاشته شود. به بیان دیگر، مکتب‌های مترقی حقوقی بر این عقیده هستند «هنگامی که کودکی دوچرخه‌ای می‌دزدد آنچه برای جامعه حائز اهمیت اساسی است سرنوشت کودک است؛ نه سرنوشت دوچرخه، بنابراین پیش از آنکه طفلی مرتکب جرم و تقصیری گردد مقامات مربوطه باید برای حفظ امنیت و تقویت نیروی دفاعی جامعه به یافتن روش‌هایی در خصوص کسب اطلاعات درباره‌ی عوامل جرم‌زا بپردازند و بدین منظور همواره سازمان و کادر آماده و متخصص در اختیار داشته باشند.<sup>۱</sup>

در فرایند برقراری انطباق با این دیدگاه‌های مترقی، علل گرایش فرزندان اعتیاد به بزهکاری فوراً روشن می‌شود. زیرا بررسی زندگی خصوصی این فرزندان کافی است تا متخصصین ورزیده و مجرب را قادر سازد

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۳۶.

از بروز حالات مجرمانه در آنها با گزینش بهترین شیوه‌های علمی آموزشی، جلوگیری به عمل آورند. اهم عوارضی که بخاطر اعتیاد معترض خانواده می‌شوند عبارتند از:

**۱ - سردی کانون خانواده:** خانه معتاد خانه‌ای سرد و بی رونق است، گرمی و حرارتی در آن به چشم نمی‌خورد. زن و شوهر نسبت به هم احساس بیگانگی دارند هم بدان خاطر که معتاد فقط متوجه خود و دنیای خویش و از دیگران بیگانه است و هم بدان علت که عمل او مورد اعتراض همسر و مورد درگیری و انتقاد است. این سردی از جهت دیگری هم به چشم می‌خورد و آن ضعف اقتصادی خانواده بعلت از میان رفتن توان کار و تلاش است. هرچه تولید می‌شود صرف تهیه مواد می‌گردد. در نتیجه هزینه‌های ضروری خانواده فرو می‌نمایند.

**۲ - تأثیر منفی برنسل:** پدر یا مادر معتاد دو گونه تأثیر برنسل می‌گذارد: یکی تأثیر وراثتی و آن دیگری تأثیری محیطی در جنبه وراثت باید گفت فساد جسمی و روانی معتادان، مخصوصاً معتادات به مواد مخدر و الکل از راه وراثت به فرزندان منتقل می‌شود و زمینه را برای گرفتاری آنها فراهم می‌کند. بخشی از نقص عضوهای مادرزادی، عقب ماندگی‌های ذهنی ناشی از اعتیاد به الکل یا دیگر مواد است. براساس یک تحقیق در غرب، به این نتیجه رسیده‌اند که فرزندان الکلیک غالباً از لحاظ بدنی ضعیف، علیل، گرفتار عوارض ناشی از اختلال در غده تیروئید، انحراف در ستون فقرات، کرولال، گرفتار بلاهت، مالیخولیا، عدم رشد روانی، حتی دیوانگی و... می‌باشد. از لحاظ محیطی تکلیف روشن است. چه محیط رحم برای مادران معتاد و چه محیط خارج رحم برای پدر یا مادر. می‌دانیم کودک در محیط رنگ می‌گیرد و در آنجا ساخته و پرداخته می‌شود. سوء رفتار، بدآموزی‌ها، کج روی‌های آموخته از محیط در آنان کاملاً بچشم می‌خورد. فرزندان افراد معتاد آنچنانند که گویی در برابر بیماری‌ها تاب مقاومت ندارند و در شرایط مساوی زودتر از دیگران بیمار

می‌شوند. اینان در تمام مدت زندگی مخصوصاً در دوران قبل از بلوغ در معرض حملات بیماری‌ها هستند و غالباً ضعیف و برخی از آنان (فرزندان الکلیک) گرفتار تشنجند.

**۳ - عدم پذیرش مسئولیت:** معتاد نه در زندگی خانوادگی و نه در حیات اجتماعی، پذیرای مسئولیت و تعهدی نیست او نمی‌تواند مسئولیت اداره همسر و تربیت فرزندان را بپذیرد و یا در رابطه باتامین اقتصادی آنها، تعهدی را در خود احساس کند و این امر خود یکی از عوامل ویرانی خانواده و سقوط فرزندان است. معتاد پس از مدتی دیوانه می‌شود. رفتار اجتماعی او جنبه ضد اجتماعی دارد و منافعی با اخلاق است. مرتکب انحراف و لغزش می‌شود و برای خود احساس شرمی قائل نیست. از دیگران سرزنش می‌شود، خجالت نمی‌کشد، حتی ممکن است در حضور جمع شلاق بخورد و بی‌آبرو شود ولی از آن شرمسار نیست و در چنین صورتی چه احساس مسئولیتی برای اوست؟

وجود پسیکوز یا جنون ناشی از الکلی، دامنگیر چنین افراد است. حیات عقلانی‌شان پس از مدتی، آنچنان به خطر می‌افتد که حسن وقبح برایشان مطرح نیست، حتی قادر نیستند که خود را جمع و جور کنند. مسئولیت روزمره را نمی‌پذیرند و اگر کسی برای حل مشکلاتشان اقدام نکند، خود در این زمینه گامی بر نمی‌دارند.<sup>۱</sup>

**۴ - تأثیر بر تربیت:** فرزندان افراد معتاد امکان تربیت و رشد ندارند مگر به میزانی که توسط مادر یا پدر غیرمعتاد درباره‌شان اعمال شود و یا به اندازه‌ای که خود، مدیر خود شوند و بتوانند اوضاع خویش را سروسامان دهند. اعتیاد کی به آنان اجازه و فرصت می‌دهد که امکانات تربیتی را در اختیار فرزندان قرار دهند و یا گامی را در راه پرورش آنها بردارند. اصولاً کسی می‌تواند در راه سازندگی نسلی گام بردارد که خود ساخته و نسبتاً پروده باشد. آنکس که گرفتار انحطاط و تنزل اخلاقی بدان حد است که همه چیز را

---

<sup>۱</sup> - قائمی، علی، کودک و خانواده نابسامان، ص ۲۵۵.

فدای اعتیاد می‌کند چه توقع و انتظاری می‌توانیم از او داشته باشیم؟ و تازه اگر بنا شود که آنان در امر تربیت فرزندان گام بردارند، چه تربیتی را می‌توانند به آنان بدهند؟ و با چه شیوه‌ای می‌توانند به پیش روند؟ به فرزندان خود چه بگویند؟ یا آنان می‌توانند به فرزندان خود بگویند که شریف و پاکدامن باشید؟ می‌توانند به آنها بگویند تن به آلودگی‌ها و اعتیاد ندهند؟ اگر هم بگویند آیا واقعاً در کودک اثر خواهد کرد؟ آیا کودک نخواهد پرسید که اگر چنین رفتارهایی انحراف آلود است، پس چرا خود بدان تن داده‌ای؟

**۵ - سستی پیوند عاطفی با فرزند:** معتاد لااقل به ۲ علت در رابطه عاطفی با فرزند دچار سستی است. یکی بخاطر نفس اعتیاد که حالت بی‌تفاوتی به افراد می‌دهد و به اصطلاح روان‌شناسان، آنها را گرفتار حالت پسیکوپاتی می‌کند و این امر درباره آنها که به مواد مخدر چون هروئین گرفتارند بیشتر صادق است و دیگر بدان خاطر که سرگرمی و اشغال به مواد مخدر یا الکل، حالت نشئه‌ای به آنها می‌دهد که خود را از داشتن رابطه عاطفی با فرزندان بی‌نیاز می‌کند. رابطه محبتی با فرزند و همسر، آنچنان سست است که حتی اگر برای او خبر آورند که فرزند او در حال مرگ است نگران نمی‌شود و یا اگر خبردار شود که همسرش دچار آلودگی شده، حس غیرتش نمی‌جنبند. به همین ترتیب پیوند ازدواج سست می‌شود، خوی مهرورزی جای خود را به خشونت می‌دهد، قلب همسر و فرزندان را می‌شکند و از این بابت خود را درخور سرزنش نمی‌داند و این امری است که در رابطه با معتادان سابقه دار، بیشتر به چشم می‌خورد.

**۶ - ویرانی کانون:** فرجام عارضه اعتیاد، نابودی وزوال کانون است و بالاخره روزگاری می‌رسد که اهل خانه احساس می‌کنند نمی‌توانند باهم زندگی کنند. زن برای باقیمانده عمر خود حساس و هشیار می‌شود، می‌کوشد برنامه‌ای بریزد که خود را از این شررها سازد. فرزندان هم راه گریز، ولگردی و دربدری را در پیش می‌گیرند. اختلافات و بگومگوها شروع می‌شود، غیبت معتاد از محیط خانواده کم‌کم رخ می‌نماید. گاهی شب را در قهوه‌خانه‌ای، خرابه‌ای، در کوچه‌ای و یا در منزل معتاد دیگری به روز می‌آورد. مدت غیبت



تدریجاً طولانی می‌شود، از آن بابت که گاهی دستگیر می‌شود و به بازداشتگاه می‌رود در حالیکه خانواده از او بی‌خبر است و او هم ضرورتی نمی‌بیند که خانواده را خبردار کند. در چنین صورتی است که می‌یابیم دیگر خانواده‌ای باقی نمانده است. جدائی‌ها در اوج است. بدبینی‌ها، بدگمانی‌ها، سوء رفتارها از هر سو بر افراد احاطه می‌کند، عواطف خانوادگی به بازی گرفته می‌شوند. زن و همسر دیگر نمی‌توانند روی او حساب کنند. هرکس راه خود را در پیش می‌گیرد و برای سعادت خود می‌اندیشد. چه بسیارند فرزندان که از فرط بینوایی حتی از سوی پدر و مادر توأمأ طرد شده‌اند و همچون توپ فوتبال دست به دست در خانه این و آن می‌گردند.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم- جرم شناسی فرزندان اعتیاد

بررسی وضعیت فرزندان اعتیاد و تحت شرایط این فرض را با عطف توجه به اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌کنیم که به موجب آن اقدام مناسب و اتخاذ تصمیم برای پیشگیری از وقوع جرائم و اصلاح مجرمین از وظایف قوه قضائیه است. نظارت و اجرای مسئولیت‌های مندرج در اصل ۱۵۶ به رئیس قوه قضائیه محول گردیده است.

اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرائم می‌تواند در برخورد با مشکلات فرزندان اعتیاد بیشترین تأثیر را در جهت کاهش موارد بروز جرائم داشته باشد. کودکانی که ناخواسته در مسائل ناشی از اعتیاد پدر یا مادر خود در خانواده درگیر می‌شوند، در معرض ارتکاب جرائم مختلف هستند و سرنوشتی جز قرار گرفتن در رده «کودکان بزهکار» در انتظارشان نیست. عوامل جرم‌زا می‌توانند در زمینه بزهکاری اطفال بیشترین تأثیر محرکه را داشته باشند و با توجه به اینکه جرم شناسی نوین اصولاً مفهوم دیگری از واژگان «بزه» و «بزهکار» به دست می‌دهد و التفات به شرایط زیست محیطی و شخصیت مجرم و انگیزه‌های ارتکاب جرم

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۲۵۷.

را ضروری اعلام می‌دارد. بررسی وضعیت اطفالی که هم اکنون در محیط‌های خانوادگی جرم‌زا به سر می‌برند، مهم‌ترین اقدام در جهت پیشگیری از بزهکار شدن کودکان تلقی می‌شود: زیرا پیشگیری از جرائم اطفال را نمی‌توان فقط در قلمرو منجمد و خشک قانون محدود ساخت. کودکی که در محیط آلوده و اعتیاد زده‌ی خانواده، برای رفع خماری پدر یا مادر روانه کوچه پس کوچه‌ها و بیغوله‌ها و مخروبه‌های جغدنشین می‌شود تا مواد مخدر مورد نیاز آن‌ها را از توزیع کنندگان مواد مخدر خریداری کند، ناخواسته و بدون اینکه قصد ارتکاب اعمال ضد اجتماعی را داشته باشد، صرفاً به خاطر وابستگی‌های عاطفی و ابراز احساسات و نهایتاً رفع خماری و گرفتاری والدین قدم در راهی می‌گذارد که شاید روزی سر از لجن‌زارهای کثیف و یا سیاه چالهای مخوف در آورند.

چنانچه وضعیت او مورد توجه قرار نگیرد و نهادهای مسئول اجتماعی از او حمایت نکنند، به تدریج تبدیل به نوجوانی بزهکار می‌شود که حتی اگر به شبکه توزیع مواد مخدر و گروه مصرف کنندگان آن هم نپیوندد، استعداد و توانایی انجام هر گونه عمل خلاف اخلاقی را به سوی خود می‌کشد.

بسیار دیده شده که این اطفال برای تأمین هزینه مواد مخدر والدین خمار خود حتی جیب بری هم می‌کنند و به سرقت‌های کوچک دست می‌زنند. آنان گاهی چرخ گوشت و دیگ زود پز مادران خود را می‌دزدند و در بازار می‌فروشند تا با پول آن مواد مورد نیاز پدر خود را تأمین کنند و چهره‌ی کهربایی او را که از مهر و محبت تهی شده است یکبار دیگر خندان و شاداب ببینند و گاه به تحریک والدین خود چه تهدید چه تشویق - به بهانه هم بازی بودن با فرزندان همسایه وارد منزل آنان شده و به سرقت پول و طلا و جواهر موجود در این خانه می‌پردازند.

فرزندان اعتیاد تحت چنین شرایطی به دوره جوانی رسیده و از طرف شبکه‌های سرقت، جنایت و توزیع و قاچاق مواد مخدر جذب می‌شوند و حیات فردی و اجتماعی خود را با جرم و مجازات پیوند می‌زنند. زندان

از دیدگاهشان خانه دومی شود که در آن فراگیری سایر جرائم و فنون و شگردهای فرار از چنگ قانون به سهولت میسر و حتی ضروری خواهد بود.

در این مرحله فاجعه به نقطه اوج خود می‌رسد و آنچه به راستی مورد تهدید جدی واقع می‌شود «امنیت اجتماعی» است. نیروی دفاعی جامعه نیز در مقابله با آن به علت تأخیر و اهمال در پی گیری در نهایت ضعف و ناتوانی و ناکامی عمل می‌کند حتی اگر در شکل ظاهر با شدت عمل هم همراه باشد به فرزندان اعتیاد که چنین بی رحمانه با سرنوشت شوم مواجه می‌شوند بیندیشیم آیا جز گرایش به آلودگی بزهکاری و ایجاد انحطاط و ناامنی اجتماعی می‌توان از این نوباوگران انتظار دیگری داشت؟

آیا باید آنان را به حال خود رها ساخت و منتظر ماند تا بعد از رسیدن به سن قانونی تحت تعقیب قرار گیرند؟ مادران مطلقه فرزندان اعتیاد که غالباً زنان خانه دار و فاقد هرگونه تخصص یا اشتغال هستند چگونه باید هزینه آنان را تأمین کنند؟ در مواردی هم که فرزندان اعتیاد پدر یا مادر خود را به علت مصرف زیاد مواد مخدر، حبس‌های دراز مدت، اعدام یا خودکشی و حوادثی نظیر آنها از دست می‌دهند و احیاناً در خانه‌ی پدربزرگ یا مادربزرگ رشد و نمو می‌کنند سرنوشت شوم به صورتهای گوناگون دیگری در انتظارشان است. حضور دلخراش فرزندان اعتیاد در بسیاری از پرونده‌های قتل و سرقت و فحشا به خوبی احساس می‌شود.<sup>۱</sup>

توصیه‌هایی که برای حمایت از فرزندان اعتیاد می‌توان ارائه داد چنین جمع بندی و خلاصه می‌شود:

۱ - **حمایت همه جانبه:** اعم از حمایت‌های قانونی، اجتماعی، مادی، رفاهی و آموزشی و ..... از فرزندان اعتیاد و توجه به مشکلات معیشتی و تربیتی آنان از جمیع جهات، به عنوان بخش عمده‌ای از برنامه گسترده مبارزه با مواد مخدر در عملکرد مبارزه گنجانده شود.

---

<sup>۱</sup> - ممتازی، سعید، خانواده و اعتیاد، ص ۸۸

۲ - بذل توجه شایان به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، به منزله دستاویز قانونی و حقوقی موقت، تا زمانی که قوانین خاص پیرامون موضوع مورد بحث تدوین و تصویب گردد و اجرای دقیق مفاد آن به شرح ذیل است:

«هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که کودک تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی کودک در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای کودک یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت کودک مقتضی بداند، اتخاذ کند» بنابراین با وجود فقدان قوانین خاص در رابطه با فرزندان اعتیاد و در مواردی که هنوز به عمل اخلاقی دست نزده و مرتکب جرمی نشده‌اند، می‌توان از این ماده قانونی و امکانات و فرصت‌های گسترده‌ای که در اختیار می‌گذارند، استفاده کرد. بدین ترتیب که به محض تشکیل پرونده برای معتادان یا توزیع کنندگان مواد مخدر در دادسراها با بهره‌گیری از صراحت این قانون، مدعی العموم مورد را از مصادیق ماده فوق‌الذکر تلقی کند و به کمک دادگاه ترتیب دور سازی اطفال از هسته فاسد خانواده را به هر نحوی که مقتضی است، بدهد.

۳ - تربیت کارشناسان زن، تحت عنوان مددکاران قضایی و متخصص در امور مواد مخدر شاید بهترین و کارآمدترین نیروی امدادی را برای رسیدگی به وضعیت فرزندان اعتیاد در اختیار بگذارند. میزان اختیارات و قدرت اجرایی این کارشناسان باید در سطحی باشد که بتوانند به طور مرتب و پی در پی محل زندگی کودکانی را که اولیاء آنان تعهد به ترک اعتیاد کرده‌اند تحت نظر داشته باشند. و هر گاه محیط خانواده را نامناسب تشخیص دهند ضمن گزارش به دادستان مربوطه، ترتیب استفاده از مفاد ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و اجرای دقیق آن را بدهند و در نهایت فرزندان را از محیط نامناسب و آلوده دور و جدا سازند. ضمناً این کارشناسان می‌توانند در جهت نیازهای مالی فرزندان اعتیاد گام‌های مؤثری بردارند، به نحوی که آنان مجبور نباشند برای خرید یک دفترچه و یا یک جعبه مداد رنگی به سرقت روی آورند یا دست تکدی و نیاز

به سوی دوستان پدر یا مادرشان، که آنان نیز غالباً در شبکه مصرف و توزیع مواد مخدر فعالیت دارند، دراز کنند و احیاناً توسط آنان در جهت تخریب و ویرانگری به کار گرفته شوند. فقط بخشی از آنچه توسط مأمورین مبارزه با مواد مخدر کشف و ضبط می‌شود می‌تواند جوابگوی این هزینه‌های منطقی باشد.<sup>۱</sup>

۴ - تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی از طریق رادیو، تلویزیون، فیلم، روزنامه، کتاب و ..... برای فرزندان اعتیاد می‌تواند آنان را از فرهنگ اعتیاد، که بر روابط خانوادگی آن‌ها و فضای خانه سلطه کامل دارد، دور سازد و در مرحله همانند سازی آنان را با الگوهای دیگری آشنا سازد. پخش گزارش‌های مربوط به کشف و نابودی باندها و شبکه‌های مواد مخدر و مجازات مجرمین مرتبط با مواد مخدر به تنهایی روند مبارزه با مواد مخدر را با توفیق همراه نمی‌سازد و چنانچه عامل سازنده‌ی آموزش از کودکانی که با این شبکه‌ها و گروه‌ها وابستگی خویشاوندی دارند، دریغ شود، آنان در آینده به انحاء مختلف محل نظم و آرامش و امنیت جامعه خواهند بود. انگاره‌هایی که سایر کشورها در زمینه آموزش و پرورش و باز سازی شخصیت این قبیل کودکان در قالب شعر و فیلم و قصه به کار گرفته‌اند، قابل تعمق و بررسی است. علاوه بر این، فرهنگ ایرانی برای خلاقیت‌های هنری - آموزشی سرشار از موضوعات مناسب، جذاب و مورد علاقه کودکان است.

۵ - باید برای زنان خانه دار و فاقد مهر درآمد که سرانجام ناگزیر می‌شوند از شوهران معتاد و مزاحم خود طلاق بگیرند طراحی ریخت و ضمن تدوین یک برنامه دقیق، آنان را بر حسب استعداد و توانایی که دارند به کار گماشت تا بتوانند هزینه فرزندان تحت حضانت خود را پردازند و برای تأمین مخارج زندگی خانواده به اعمال ناشایست رو نیاورند. ضرورت و فوریت طرح و تدوین قوانین خاص در این زمینه

---

۱ - مهرانگیزکار، فرزندان اعتیاد، چاپ اول، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۶۹، ص ۱۰۷.

با مشاهده تراکم حضور این زنان درمانده در دادگاههای مدنی خاص، که از عظمت و گستردگی فاجعه خبر می‌دهد، به خوبی احساس می‌شود.<sup>۱</sup>

### گفتار سوم - بزه دیدگی نوزاد معتاد و گستره آن

نوزادان از طریق مصرف مواد مخدر یا الکل توسط مادر مبتلا به سوءمصرف و استنشاق مواد مخدر بعد از تولد، توسط مادر و پدر مصرف کننده، به مواد افیونی وابسته می‌شوند. این گرایش به مواد مخدر یا الکل از طریق شیر مادر آغاز می‌شود و منشأ چرخه‌ای خواهد شد از رفتارهای ضداجتماعی که در شکل گیری آن، گزینش عقلانی‌ای از سوی نوزادان وجود نداشته و ناخواسته به این چرخه ورود پیدا کرده‌اند. عارضه ابتدایی در این نوزادان سندرمی به نام سندرم پرهیز نوزادی است: سندرم پرهیز نوزادی: یک حالت محرومیت از مواد در مادران وابسته به مواد است که با نشانه‌های غیراختصاصی در نوزاد تظاهر می‌کند. سندرم پرهیز نوزادی در نوزادان متولدشده از مادران وابسته به مواد افیونی، نسبت به مادران وابسته به الکل و سایر مواد، شایع‌تر است. این سندرم در نوزادان با تهییج نورولوژیک، کژکارکردی گوارشی و نشانه‌های اتونومیک مشخص می‌شود. نشانه‌هایی چون خوب شیرنخوردن، مشکلات خواب، استفراغ، وزن نگرفتن و گاه تشنج ممکن است دیده شود. با توجه به اینکه مصرف مواد مخدر و الکل بر سلامت جسمی و ذهنی نوزادان، آثار منفی بسیاری دارد، ممکن است این امر، نوعی خشونت علیه نوزاد تلقی شود. کودکان خشونت پذیر بر اساس تقلید می‌توانند به کودکان خشونت‌گرا و ناسازگار تبدیل شوند.

اعتیاد نوزادان، صفتی نیست که با بزرگ شدن آنها محو شود بلکه می‌تواند در سراسر زندگی‌شان وجود داشته باشد و در جوانی باعث تمایل آن‌ها به ارتکاب رفتارهای ناهنجارتری نیز شود. والدین معتاد و الکلی، مجرم و منحرف، الگوهای مناسبی برای فرزندان خود نیستند.

---

<sup>۱</sup> ممتازی، سعید، خانواده و اعتیاد، ص ۹۰.

شاید در این خصوص بتوان گفت تداوم، فراوانی و عمق معاشرتی که بین پدر و مادر و فرزندان وجود دارد موجبات یادگیری و تقلید از آنان را برای کودکان فراهم می‌آورد.

### بند اول - نوزاد معتاد متولد شده

اعتیاد در نوزادان، به عنوان وصف اکتسابی از والدین سهل انگار و بی توجه به سرنوشت فرزندشان در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند در بردارنده عوامل متعدد خطرناک در نوزاد شود. واضح است که در برخی موقعیتها میزان خطر (یعنی وقایعی که به احتمال بسیار زیاد نتیجه نامطلوب به بار می‌آورند) بیشتر از دیگر موقعیتهاست. این مفهوم از میزان خطر، با اعتیاد در نوزادان به عنوان عاملی که محرک انواعی از بزه دیدگیهای بعدی در اوست، هماهنگی دارد. این نوزادان به دلیل وجود ضعف جسمی ناشی از اعتیاد، به عنوان کم سن ترین «کودک در معرض خطر» نیازمند نگاهی افتراقی از سوی مسئولین و متخصصین علوم مختلف هستند. در وهله اول، وجود عوارض گوناگون جسمی، آنها را در جرگه بزه دیدگان جسمی قرار می‌دهد و در گام بعدی، استعداد و زمینه موجود در آنان به دلیل اعتیاد اولیه تحمیلی، موجب بزه دیدگی مکرر این نوزادان می‌شود. نوزادان با لحاظ معیار آسیب شناسانه از جمله سن و ویژگیهای جسمی و روانی، بیش از بزرگسالان در معرض آسیب قرار دارند و به این دلیل می‌توان آنان را به عنوان «بزه دیده خاص و ایده آل» نیز در نظر انگاشت. ذیلاً مصادیقی از بزه دیدگی ایشان که مهمتر است مورد بحث و تطبیق مصادقی قرار می‌گیرد.

تعاریف گوناگونی درباره بزه دیدگی جسمانی وجود دارد که می‌توان گفت تحت تأثیر مسائلی مانند قوانین و مقررات حقوقی مربوط به بزه دیدگی کودکان، ارزشهای فرهنگی رایج درباره تربیت آنها و استعدادهای زیست شناختی ارائه شده‌اند. اما با نگاه کلی به این نوع بزه دیدگی می‌توان آن را اعمال هرگونه خشونت که به قصد آزار جسمی یا به این نیت، نسبت به کودک اعمال می‌شود، تعریف کرد. شاید این سؤال ایجاد شود

که در اعتیاد نوزاد به وسیله مادرِ باردارِ مبتلا به سوءمصرف یا از طرق دیگر مثل شیردهی یا استنشاق مواد مخدر مصرفی توسط والدین، این قصد صریح ایجاد صدمات جسمانی به نوزاد وجود ندارد اما با وحدت ملاک از بندهای (ب) و (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲<sup>۱</sup> که در مقام بیان مصادیق جنایت عمد است می‌توان اینگونه بیان داشت که رفتار والدین معتاد نسبت به فرزندشان، نوعاً خطرناک محسوب می‌شود و با لحاظ وضع سنی و ناتوانی جسمی نوزاد که والدین نیز آگاه به آن بوده‌اند، باوجود سوءنیت تبعی در ایجاد صدمات جسمی وارده که در تعریف بزه دیدگی جسمانی آمده است، جنایت محرز است و لذا اقدام والد باوجود سایر شرایط می‌تواند از مصادیق جنایات علیه تمامیت جسمانی اشخاص محسوب شود چرا که در زمره رفتارهای موجد خطر و ایراد آسیب شدید نسبت به نوزاد است نه اقدام علیه خود. منشأ این طرز تلقی را باید در عواقب طولانی مدت اعتیاد در این گروه سنی، وابستگی نوزاد به والدین به ویژه مادر در تأمین خوراک وی و البته از باب شدت و سخت‌گیری نسبت به والدینی فرض کرد که تا این حد، بی توجه و سهل‌انگار هستند زیرا قدر مسلم این است که نوزاد مادر معتاد، معتاد است و بسیاری مواقع، آثار محرومیت با توجه به ساعتی که مادر ماده مخدر مصرف کرده در نوزاد نیز مشاهده می‌شود که چه بسا منجر به معلولیت یا مرگ نوزاد شود. لذا در استناد به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی و با لحاظ تفسیر به نفع متهم می‌توان اعتیاد نوزاد از طریق والدین را منسوب به بند (پ) این ماده محسوب کرد زیرا بند (پ) اثبات آگاهی مرتکب نسبت به کشنده یا مجروح کننده بودن رفتار را ضروری می‌داند. به این ترتیب با توجه به نسبی بودن ویژگی عمل مرتکب، اصل بر ناآگاهی وی است.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> بند (ب) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: ... هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

- بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: ... هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف، نوعاً موجب جنایت واق‌ عشنده یا نظیر آن نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی، نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

<sup>۲</sup> میر محمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرائم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، میزان، ۱۳۹۲، صص ۱۲۲-۱۲۳



در این بند، علاوه بر آگاهی مرتکب نسبت به وضعیت خاص مجنی علیه، آگاه بودن وی نسبت به کشنده یا مجروح کننده بودن عمل در آن شرایط نیز لازم است که در این رابطه می‌توان از نظر کارشناسان نیز بهره برد و در نتیجه، اثبات این درجه از آگاهی بر عهده مدعی است که درباره نوزاد معتاد با توجه به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان است، می‌توانند به عنوان اعلام کننده جرم در نظر گرفته شوند. در این بزه دیدگی، طیف وسیعی از سندرم‌ها، نقایص و بیماریهای فیزیکی در نوزادان در نتیجه این وابستگی تحمیلی ایجاد می‌شود. به طور مثال می‌توان به مرگ یا تأخیر در رشد داخل رحمی، نارسایی جفت، زایمان زودرس، سقط خودبه خودی، خونریزی داخل جمجمه و محرومیت تغذیه‌ای اشاره کرد. البته نباید از نظر دور داشت که مصرف هر نوع مواد مخدر، آثار و تبعات اختصاصی و جداگانه‌ای بر سلامت جسمی نوزاد دارد. مثلاً نیکوتین دارای آثار کوتاه مدت افزایش مرگ و میر نوزادی، سندرم مرگ ناگهانی نوزاد و آثار طولانی مدت آسم کودکی، مشکلات رفتاری، اختلال توجه و بیش‌فعالی است. هروئین دارای آثار کوتاه مدت افزایش مرگ و میر حول و حوش تولد و سندرم پرهیز نوزادی است و آثار طولانی مدت آن شامل افزایش بی‌توجهی، بیش‌فعالی و مشکلات رفتاری، دشواری در فرایندهای جسمی، اجتماعی، سازگاری و یادگیری است. آمفتامین‌ها دارای آثار کوتاه مدت، آنومالی‌های مادرزادی دستگاه اعصاب مرکزی، قلبی، عروقی، شکاف کام و لب، عوارض عصبی رفتاری مانند کاهش برانگیختگی، افزایش استرس و کیفیت حرکتی پایین و آثار بلندمدت شامل

---

<sup>۱</sup> ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق، اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل، شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند.

مشکلات رفتاری هستند. توهم زها باعث ایجاد ناهنجاریهای مادرزادی، نقایص قلبی و عروقی و کلیه مدولای اسفنجی می‌شوند.<sup>۱</sup>

بنابراین آزار جسمی کودک، منجر به آسیب جسمی بالفعل یا بالقوه وی خواهد شد. این رفتار در حیطه رابطه مسئولیت، اعتماد یا اعمال اختیارات فرد صورت می‌پذیرد. بدین معنا که بیشتر توسط افرادی که اختیار یا مسئولیت نگهداری کودک را بر عهده دارند و کودک نسبت به آنها اعتماد دارد، صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup>

در تقسیم بندی دیگر می‌توان بزه دیدگان را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- بزه دیدگان عادی ۲- بزه دیدگان آسیب پذیر. کلمه آسیب پذیر در واژه شناسی عبارت است از آنکه یا آنچه آمادگی آسیب دیدن داشته باشد و در برابر نامالایمات و صدمات، ضعیف و ناتوان است.<sup>۳</sup> دسته دوم، همان بزه دیدگان ایده آل هستند یعنی کسانی که در پی ضربه خوردن از جرم، پایگاه کامل و مشروع بزه دیده بودن را به سادگی می‌پذیرند زیرا آنان ناتوان و آسیب پذیر شمرده می‌شوند. این بزه دیدگان، نسبت به دیگران به کمک، همدردی و توجه بیش نیاز دارند؛ مانند کودکان و سالمندان. در تطبیق اصطلاح بزه دیده ایده آل با نوزاد معتاد، می‌توان به عبارت «ناتوان آزاری جسمی» رسید که به معنای «به کارگیری هرگونه رفتار خشونت آمیز فیزیکی از سوی دیگران است» که مانع رشد سلامت جسمانی فرد ناتوان شود.<sup>۴</sup>

ناتوان آزاری جسمی می‌تواند مصداقی از توجه قانونگذار در بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی قلمداد شود زیرا ناتوانان به دلیل ویژگیهای خاص جسمانی و روانی خود می‌توانند به مثابه آماج بالقوه انواع بزه دیدگی در نظر گرفته شوند. از سوی دیگر، نوزادان به مثابه بزه دیدگانی متمایز و خاص مفروضند زیرا

<sup>۱</sup> نوروزی، علی رضا، راهنمای مدیریت و ابستگی به مواد در بارداری، تولد (هنگام زایمان)، شیردهی و نوزادی، دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد، اداره پیشگیری، درمان و کاهش آسیب سوء مصرف مواد با مشارکت دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس، معاونت بهداشت اداره سلامت مادران، ۱۳۹۰، صص ۳۱-۳۲

<sup>۲</sup> ایروانیان و همکاران، پیشین، ص ۶۲

<sup>۳</sup> انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۱، چاپ چهارم، سخن، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹

<sup>۴</sup> نقدی نژاد، مجتبی، پیشگیری از بزه دیدگی اطفال، چاپ دوم، جاودانه (جنگل)، تهران، ۱۳۹۰، صص ۲۰-۴۳

<sup>۵</sup> حاجی تبار فیروزجانی، حسن، بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، انتشارات جاودانه (جنگل)، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰

از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی با بزرگسالان متفاوتند و وابستگی شدید به والدین برای زیست و ادامه حیات، آن‌ها را بیشتر آسیب پذیر می‌کند تا جایی که می‌توانند جایگاهی ویژه در سیاست جنایی حمایتی افتراقی به خود اختصاص دهند.

عواملی چون صغر سن، ناتوانی جسمانی، درک نادرست از محیط، فقدان قدرت بازگویی وقایع، دردها و ناراحتیهای فیزیکی، آن‌ها را در زمره بزه دیدگان خاص در هر جامعه‌ای قرار می‌دهد. به ویژه اگر منشأ بزه دیدگی و خشونت دیدگی آنان را به دوره جنینی ایشان معطوف بدانیم، به درستی «عدم تقصیر» چنین خشونت دیدگانی را در قرارگرفتنشان در مسیری ناخواسته، به نحو ملموس، درک خواهیم کرد. نوزادان به عنوان افرادی آسیب پذیر در برابر بهره کشی‌ها و بی توجهی‌ها، استعداد و پیش زمینه بزه دیدگی بسیار بالایی دارند و به راحتی از بزه دیدگان بالقوه، به بزه دیدگان بالفعل تبدیل می‌شوند.

بنابراین، سیاستگذار جنایی باید از طرق مختلف مانند جرم انگاری برخی رفتارها و تشدید مجازات و پیش بینی تدابیر پیشگیرانه، موجبات کاهش بزه دیدگی و تجاوز به حقوق و آزادیهای نوزادان را فراهم کند. عملاً ممکن است آنان در محیطهای گوناگون، از جمله خانواده، مراکز پرستاری و مراقبت، مورد سوءاستفاده و بی توجهی قرار گیرند. همچنین علاوه بر بزه دیدگی می‌توان جنبه دیگر در معرض خطر قرار داشتن نوزادان را در بزهکاری آینده آنان از طریق فراهم آوردن شرایط موجد خطر مورد توجه قرار داد. اعتیاد تحمیلی در دوران جنینی و نوزادی، آثار منفی کوتاه مدت و صدمات و آسیب‌های بلندمدتی در زندگی آنان بر جای می‌گذارد. علاوه بر آثار آنی مانند معلولیت، عقب ماندگی و مرگ، تأثیر این اعتیاد ناخواسته، عمیقاً می‌تواند روح و جسم آنان را هدف گیرد و در سراسر زندگی همراهشان بماند و موجبات گرایش آنان به سمت بزهکاری را فراهم آورد زیرا زمانی که از افراد دارای حالت خطرناک صحبت می‌شود، در برهه‌ای از زمان

در آینده، آنان فاعل یا مفعول نوعی آسیب و صدمه خواهند شد. در واقع به دلیل وجود شرایط و اوضاع و احوال خاص، احتمال ایجاد صدمه به کودک وجود دارد.<sup>۱</sup>

### بند دوم- از نوزاد بزه دیده تا کودک بزه‌کار

اولین موضوع قابل بحث، بزه دیده - بزه دیده یا بزه دیده مداوم است شخصی که در کودکی بزه دیده می‌شود ممکن است مستعد بزه دیدگی در آینده نیز قرار گیرد. در واقع این اصطلاح در جامع‌ترین معنای خود، متضمن افرادی است که استعداد دائمی و ناخودآگاه در نقش بزه دیده از خود نشان می‌دهند (بزه دیدگی مکرر). نوزادان به دلیل محدودیتهای فیزیکی، حرکتی و حسی مؤثر، از انجام فعالیت‌های روزمره مانند حرکت و جابه جایی، نظافت شخصی، مراقبت از خود، خوردن و آشامیدن ناتوانند. ناتوانی چند نوع است: جسمی و حرکتی، روانی، ذهنی، یادگیری، حسی ...<sup>۲</sup> نوزادان بر اساس معیار آسیب شناسانه سن و برخورداری از اقسام ناتوانی، وابستگی بسیار زیادی به والدین و مراقبان خود برای نگهداری دارند که در صورت بهره مندنبودن از این موهبت، مستعد بزه دیدگی می‌شوند.

در بحث اعتیاد نوزادان، دو مؤلفه به عنوان عوامل خطرزا مورد توجه قرار می‌گیرد. نخست والدین معتاد و دوم نوزاد معتاد. در سطح خانواده، اعتیاد والدین موجب حذف بستر مطلوب و کارکردهای مورد انتظار از پدر و مادر معتاد در راستای رشد و پرورش سالم نوزاد و رفع نیازهای روانی و جسمانی وی می‌شود. در این شرایط، بهترین وضعیت قابل تصور این است که والدین معتاد، نسبت به نوزاد از خود رفتار خشونت بار بروز نمی‌دهند. در این وضعیت، ایشان به دلیل وابستگی به مواد مخدر، قادر به برآورده ساختن نیازهای عاطفی و تربیتی نوزاد نیستند و بسیاری از حوائج ضروری وی، مورد غفلت قرار خواهد گرفت. حال چنانچه تعداد کل معتادان ایرانی را دو میلیون نفر محاسبه کنیم و تنها هفتاد درصد آن‌ها متأهل و فقط هشتاد

<sup>۱</sup> زینالی، امیرحمزه، ابعاد حقوقی و جرم شناختی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، ص ۵۵

<sup>۲</sup> آقابخشی، حبیب، کودکان پدمعتاد، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۷، ۱۳۸۲، ص ۱۹۲

و پنج درصد آنان دارای فرزند باشند و بیش از دو فرزند هم نداشته باشند، دو میلیون و پانصد هزار کودک پدر معتاد خواهیم داشت.<sup>۱</sup>

درباره مؤلفه دوم یعنی اعتیاد در کودک، می‌توان اینگونه بیان کرد که درجه آسیب‌پذیری کودک معتاد از موقعیتهای ناخوشایند به شدت افزایش می‌یابد و نوع آزارهای صورت گرفته در ارتباط با کودک نیز به نحوی معنی دار متحول و تشدید می‌شود.<sup>۲</sup>

این موضوع درباره نوزاد معتاد، به دلیل درجه وابستگی وی به والدین و ناتوانی و ضعف فیزیکی و زیستی وی به مراتب بیشتر خواهد شد.

لازم است به بزه دیده بزهکار نیز در بحث درباره الگوی رشد این نوزادان توجه شود. اعتیاد در نوزادان علاوه بر آنکه موجب بزه دیده شدن آنها می‌شود، می‌تواند زمینه ساز بزهکاری آنها نیز باشد. در جرم‌شناسی برای دست‌یابی به مطالعه همه جانبه از جرم، علاوه بر بزهکار، به بزه دیده نیز به عنوان فراهم‌آورنده وضعیت پیش‌جنایی توجه جرم و عوامل ایجادکننده آن، مانند حلقه‌های یک زنجیر متصلند. خاص می‌شود. بنابراین وقتی رفتار مجرمانه، مجموعه‌ای از یک سلسله عوامل فردی و اجتماعی تلقی می‌شود، باید به نقش بزه دیده نیز به عنوان عامل خارجیِ موجد خطر بزهکاری توجه کرد.<sup>۳</sup>

که در شرایطی باعث ترغیب دیگران به بزهکاری می‌شود و در شرایط دیگر، موجب بزهکار شدن شخص بزه دیده در اثر الهام گرفتن و تقلید از تجربه‌های گذشته می‌شود. در اینجا شایسته است به بیان نقش شخصیت مجرمانه در تکوین جرم و عوامل مؤثر بر آن در پرتو نظریه شخصیت جنایی "ژان پیناتل" پرداخته شود.

<sup>۱</sup> سماواتی پیروز، امیر، ناتوانان بزه دیده، از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۵۲ و ۵۳، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷

<sup>۲</sup> ایروانیان و همکاران، پیشین، ص ۱۱۱

<sup>۳</sup> بابایی، محمد، جرم‌شناسی بالینی، میزان، ۱۳۹۰، ص ۲۷۲

از نظر فلسفی، مجموعه نفسانیات هر کس، شخصیت او را تشکیل می‌دهد ولی در منظر عامه، شخصیت اشخاص در نتیجه ظهور و بروز صفتی خاص مشخص می‌شود.<sup>۱</sup>

شخصیت افراد از ابتدای تولد شکل می‌گیرد و تا خاتمه عمر در حال تکامل است. هر فرد، خصوصیات مانند هوش، رنگ پوست، شکل استخوان بندی و ... را از والدین و اجداد خود به ارث می‌برد اما علاوه بر وراثت عده‌ای از پژوهشگران حوزه علوم جنایی به اثبات تأثیر عوامل طبیعی و گروه دیگر به تعیین نقش عوامل اجتماعی در رشد شخصیت اهتمام ورزیده‌اند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> ای تروی، برنت، ترسیم شخصیت جنایی، ترجمه: اکبر استرکی، معاونت آگاهی ناجا، ۱۳۸۵، ص ۷۶  
<sup>۲</sup> مختاری، یوسف، رابطه اختلالات شخصیت با جرم، مجله دانش پژوهان، ۱۳۸۴، شماره ۷، ص ۱۸۹

## نتیجه گیری

بزهکاری نوجوانان در زمینه مواد مخدر علل بسیاری دارد. بزهکاری در زندگی هر نوجوانی، به شکل خاصی ظاهر می‌شود و معنا و مفهوم متفاوت دارد. هر نوع محرومیت و وضعیت نامناسب ممکن است پیامدهای رفتاری نوجوان را توأم با ناکامی و ناامیدی و شکست نماید که بیشتر این نوجوانان راه بزه را انتخاب می‌کنند، شاید به این خاطر است که در گروه‌های بزهکاری به آنان بها داده می‌شود. همچنین نوجوانانی که والدینشان دچار اعتیاد و مواد مخدر بوده‌اند بیش از سایر افراد به این جرائم روی می‌آورند و لذا بزهکاری و بزه دیدگی ارتباط مستقیمی با محیط تربیتی و کیفیت برخورداری از تعاملات بین فردی و محیط‌های زندگی نظیر محیط خانواده و محیط‌های تفریحی و محیط اجتماعی دارد. همچنین باید گفت که پیشگیری اجتماعی بزه دیدگی نوجوانان پسر در زمینه مواد مخدر از پیشگیری کیفی (مجازات) کارآمدتر است.

خانواده به عنوان عمده‌ترین نهاد اجتماعی، اولین نظام مؤثر بر نحوه رشد کودکان و نوجوانان می‌باشد. عوامل مختلف موجود در خانواده هر یک به روش و به مقدار متفاوتی بر فرآیند تحول فرزندان به عنوان محصول خانواده اثر دارند. با عنایت به تأثیر عوامل خانوادگی و حمایتی بر پدیده‌های تحولی می‌توان به مطالعه ترکیب مجموعه این عوامل پرداخت. نحوه شکل‌گیری عزت نفس، خودپنداره، اکتساب هویت و به طور کلی کیفیت انطباق فرد با اجتماع به عنوان شاخص‌های سازگاری همگی متأثر از چگونگی تعامل عوامل حمایتی، خانوادگی، رویارویی مؤثر و پدیده‌های تحولی می‌باشد.

بررسی‌های آسیب‌شناسی نشان داده است که حاصل اعتیاد والدین سردی کانون و سستی پیوند عاطفی ویرانی کانون و عوارض ناشی از تبه‌کاری آلودگی والدین به آموزش و تقلید ناروا احساس شرمساری نابسامانی زندگی استعداد انحراف و سرانجام منجر شدن به ارتکاب جرم می‌باشد. معمولاً والدین و اعضای معتاد خانواده تنها به فکر تهیه مواد جهت رفع نیاز خود بوده و نسبت به فرزندان و سایر اعضای خانواده خود

احساس مسئولیت نمی‌کنند. چه تعداد زیادی از این خانواده‌ها سرپرست ونان آور خود را که محکوم به مجازات و زندان طویل‌المدت شده‌اند از دست داده و همین امر باعث متلاشی شدن خانواده و بی‌سرپرستی کودک گردیده است. آلوده بودن والدین زمینه رشد را برای نابسامانی کودکان مهیا و مساعد می‌سازد. چه بسا کودکان که تحت تأثیر اجبار والدین قرار گرفته و در رفتار و اعمال آنها مشارکت و یا معاونت نموده و بدین وسیله در منجلا ب فساد گرفتار می‌شوند. غالباً کودکان مادران معتاد قبل از تولد بمعتاد به همان ماده‌ای می‌شوند که مادر به آن اعتیاد دارد. به همین ترتیب اگر پدر و مادر معتاد به استعمال مواد مخدر باشند چنین خطراتی را نیز برای فرزندان بوجود خواهند آورد. والدین معتاد در مواجهه با مشکلات رفتاری فرزندان خود، گاهی از روش‌های خشن استفاده کنند و در زمان دیگر تمام مشکلات کودکان و نوجوانان تازه معتاد خود را ندیده می‌گیرند. روش‌های حل مسئله در خانواده‌های دارای عضو معتاد دارای ویژگی‌های خاصی است. راه حل‌ها دارای کانون کوتاه مدت و محدودند و در بلند مدت کارایی ندارند. مثلاً "پدر برای آنکه از تأثیر اعتیاد خود بر فرزندان بکاهد، در هنگام مصرف مواد کودک بزرگتر را مسئول کودکان کوچک‌تر می‌کند تا شاهد مصرف مواد نباشند و آن را یاد نگیرند. این روش در کوتاه مدت مفید است اما در بلند مدت مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند. فرزندی که در خانواده‌ای با پدر و مادری معتاد مواجه است، وضع مناسبی ندارد. اعتیاد پدر و مادر به او سرمشق غلط می‌دهد و ممکن است وی را به سوی اعتیاد سوق دهد. احساس ناامنی ناشی از اختلال فکری و رفتاری پدر و مادر معتاد، زمینه را برای دل‌واپسی و اضطراب فرزند فراهم می‌کند و سبب می‌شود، در خانه و مدرسه آرام و قرار نداشته باشد، لذا یکی از علل عدم پیشرفت تحصیلی برخی از کودکان همین موضوع است. احساس شرمساری ناشی از داشتن پدر یا مادری معتاد، مشکلی دائمی برای آنها در جامعه و مدرسه به وجود می‌آورد. احساس عدم تأمین ناشی از وضع بد اقتصاد خانواده همیشه همچون بار سنگینی دل کودک را می‌آزارد و او را به شدت نگران می‌کند. حتی گاهی به فکر گریز از خانواده و یا جست‌وجوی پناهگاهی برای نجات خود می‌افتد.



براساس این نتایج این پژوهش، از جمله خطرات مهمی که دامن‌گیر فرزندان معتادان است، خطر ارتکاب جرم است. اصولاً تن دادن به یک لغزش یا جرم انگیزه می‌خواهد و کار پدر یا مادر معتاد نه تنها انگیزه‌ساز است، بلکه کودک را به سوی جرم و انحراف سوق می‌دهد. بنابر اعلام مسئولان قوه قضاییه در سال ۱۳۹۰، حدود ۶۵ درصد مجرمان کانون اصلاح و تربیت فرزند خانواده معتاد بوده‌اند. والدینی که مراقبت و نظارت کافی بر امر تربیت فرزندان نداشته‌اند و یا با روش غلط خود موجبات انحراف و تبه‌کاری آنان را فراهم آورده‌اند. فرزندان افراد معتاد مستعد ارتکاب جرم‌اند، زیرا فرو افتادگی در اخلاق و انحطاط معنوی به علت الگوگیری از والدین در آنها بسیار است. آنها از پدر و مادر خود درس شرافت و اخلاق نگرفته‌اند که آن را در زندگی به کار بگیرند. به آنچه دیده و شنیده‌اند، عمل می‌کنند. چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که از چنین خانواده‌هایی افرادی سالم، متعهد و دارای منش و روش انسانی و اخلاق سر برآورند؟ مگر آن‌گاه که خود به درجه‌ای از رشد و تکلیف برسند که برای سعادت خویش برنامه‌ای بریزند.

### نتیجه کاربردی برای ستاد مبارزه با مواد مخدر

اولویت نخست ستاد مبارزه با مواد مخدر، اقدامات پیشگیری اجتماعی جهت مصون نگاه داشتن جوانان از این بلای خانمان سوز است. ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌تواند به فرزندان افراد معتاد امکان تربیت و رشد دهد، چراکه اعتیاد به والدین اجازه و فرصت نمی‌دهد که امکانات تربیتی را در اختیار فرزندان قرار دهند. همچنین این ستاد می‌تواند با اطلاع رسانی و آگاه سازی عمومی اقشار مختلف جامعه به خصوص خانواده‌ها، جوانان و نوجوانان توطئه‌های دشمنان را خنثی کند.

در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اولویت در مبارزه با مواد مخدر است و مسئولان فرهنگی باید تلاش کنند تا با برگزاری دوره‌های بازآموزی، شناسایی محله‌های آسیب خیز و برپایی نمایشگاه‌هایی از معضلات مواد مخدر در امر آگاه سازی و پیشگیری از اعتیاد گام‌های موثری بردارند. اصل برخورد با پدیده شوم اعتیاد

باید از خانواده‌ها شروع شود و اگر این انگیزه در میان خانواده به وجود آید، بسیاری از اقدامات پیشگیرانه نیروهای انتظامی به ثمر خواهد نشست.

### پیشنهادات

✓ والدین باید ارتباط با فرزندانشان را بهبود بخشند و به آنها استقلال رأی و دخالت در امر تصمیم‌گیری بدهد.

✓ تحکیم پایه‌های اعتقادی و آموزش فرزندان و آشنا کردن آنان با عوارض اعتیاد به جای محدود کردن آنان.

✓ از طریق رسانه‌های همگانی باید برنامه‌هایی را پخش کرد که بر کانون گرم خانواده تأکید کند و از خانواده با الگوی غربی در برنامه‌ها انتقاد شود، به نحوی که بر زندگی خانوادگی همراه با محبت‌وبه حضور و همدلی والدین تأکید نماید.

## منابع و ماخذ

➤ قرآن کریم

➤ نهج البلاغه

۱. آتشین، شعله: «ما، اعتیاد، جامعه»، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی گوهر منظوم، ۱۳۸۱.
۲. آقابخشی، حبیب: «اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده»، انتشارات دانش‌آفرین، ۱۳۷۹.
۳. ابن بایویه، محمد بن علی، فقه الرضا، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن منظور ابی فضل، لسان العرب، بیروت دار الطباعة و النشر، الطبعة الاولى، بی تا
۵. اسلامی تبار، شهریار و دیگران: «بررسی وضعیت بهداشت جوانان»، گزارش ملی جوانان، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱.
۶. اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیله النجاه، قم، مهر، ۱۳۹۳ ق.
۷. اکبری، ابوالقاسم: «مشکلات نوجوانی و جوانی»، انتشارات ساوالان، ۱۳۸۱.
۸. امامی، سید حسن: «حقوق مدنی»، تهران، انتشارات اسلامی، چ بیست و دوم، ۱۳۸۱.
۹. انصاری، مرتضی، مکاسب، قم، دهقانی، چ سوم، ۱۳۷۸.
۱۰. ایکاردی، چامبرز: «اعتیاد و بزهکاری»، مجله صف، شماره ۲۵۵، ۱۳۸۰.
۱۱. بجنوردی موسوی سید محمد، ۱۳۷۹، قواعد فقهیه، انتشارات موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ سوم
۱۲. جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چ دوم، ۱۴۲۷ ق.
۱۳. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی عاملی: «مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام»، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. جراح، قاضی بن، المذهب البارع، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ارث، تهران، دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۷۴.
۱۶. جوادیان، سیدرضا: «خشونت و سوء مصرف مواد»، فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی، سال سوم، شماره دهم، ۱۳۸۱.
۱۷. چیریلو، استفانو و دیگران: «اعتیاد به مواد مخدر در آیین روابط خانوادگی»، ترجمه سعید پیرمرادی، نشر هماد (اصفهان)، ۱۳۷۸.
۱۸. حبیبی تبار، جواد، حقوق خانواده، قم، گام به گام، چ دوم، ۱۳۸۳.

۱۹. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۳۹۱ ق). *وسائل الشیعه*، چاپ چهارم، بیروت، احیاء التراث العربی.
۲۰. حکیم، سید محسن: «مستمسک العروه الوثقی»، قم، مکتبه السید المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. الحلّی حسن بن یوسف بن علی، ۱۳۶۳، ایضاح الفوائد، قم انتشارات اسماعیلیان
۲۲. الحلّی حسن بن یوسف بن علی، ۱۴۲۰، تحریر الاحکام، قم انتشارات موسسه امام صادق (ع)
۲۳. حلّی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین (۱۴۰۹ ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ۴ جلدی، چاپ دوم، بیروت، مطبعه.
۲۴. حلّی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. حلّی، شیخ حسین، بحوث فقهیه، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۹۳ ق.
۲۶. حلّی (علامه)، جمال الدین الحسن بن یوسف بن علی المطهر: «تذکره الفقهاء»، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، چ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. روزنامه ولایت، ماهنامه رهایی، ۱۳۸۷، شماره ۱۶۱۳
۲۹. زین الدین، شیخ محمد امین: «کلمه التقوی»، الطبعة المهر، الطبعة الثالثه، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. سیستانی، سید علی: «منهاج الصالحین»، مکتبه آیت الله العظمی السید علی الحسینی الیستانی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ ق.
۳۱. شهیدی، محمد حسن (۱۳۷۵). *مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم*، تهران: انتشارات اطلاعات.
۳۲. شهیدی، مهدی: «حقوق مدنی - تشکیل قراردادها و تعهدات»، انتشارات مجد، چ دوم، ۱۳۸۰.
۳۳. شیخ بهائی (عاملی) بهاء الدین محمد، جامع عباسی، ۱۳۲۵ ه. ق، بی تا
۳۴. شیخ طوسی ابوجعفر محمد بن الحسین بن علی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات بیروت دارالقدس، بی تا، ج ۱
۳۵. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسین بن علی، الخلاف فی الاحکام، انتشارات ایران، بی تا
۳۶. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسین بن علی، تهذیب الاحکام، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵
۳۷. شیخی، محمد تقی: «جامعه شناسی زنان و خانواده»، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۸۰.
۳۸. صدوق، محمد بن علی، هدایه، قم، مؤسسه الامام الهادی، ۱۴۱۸ ق.
۳۹. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله: «نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ هشتم، ۱۳۸۰.

۴۰. طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم: «العروة الوثقی»، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. طباطبایی، سید محمد حسین: «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية، ۱۳۹۱ ق.
۴۲. طبرسی، امین الاسلام ابی علی الفضل بن الحسن: «مجمع البیان فی التفسیر القرآن»، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ ق.
۴۳. طوسی، محمدبن حسن، النهایه، بیروت، دارالکتب العربی، چ دوم، ۱۴۰۰ ق.
۴۴. طوسی، ابی الجعفر محمد بن الحسن: «التبیان»، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹ ق.
۴۵. طوسی، ابی الجعفر محمد بن الحسن: «الخلاف»، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ ق.
۴۶. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۴۷. غنجی علی، ۱۳۷۶، ژئوپلتیک موادمخدر، انتشارات معاونت آموزش ناجا
۴۸. غنجی علی، ۱۳۸۶، کلیات موادمخدر، ناشر معاونت آموزش ناجا ص ۳۱
۴۹. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، قم، امیر، ۱۳۷۵.
۵۰. فیض کاشانی، ملّامحسن، وافی، اصفهان، عطر عترت، ۱۴۳۰ ق.
۵۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد: «تزویج کودکان»، قم، فصلنامه نامه مفید، تابستان ۱۳۷۴.
۵۲. قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۱، تصحیح و تنظیم جهانگیر منصور، تهران انتشارات آگاه، چاپ نوزدهم
۵۳. قانون مجازات اسلامی، جمع آوری علی عبداللهی، تهران انتشارات فروغ، چاپ اول
۵۴. قدیری اصلی نوز، پیشگیری از اعتیاد، انتشارات اداره کل بهزیستی استان قزوین
۵۵. قمی، ابو القاسم بن محمد، جامع الشتات، تهران، کیهان، چ سوم، ۱۴۱۳ ق.
۵۶. کاتوزیان، ناصر، «حقوق مدنی - خانواده»، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چ ششم، ۱۳۸۲.
۵۷. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۷ ق.
۵۸. گرجی دکتر ابوالقاسم، ۱۳۸۱، حدود - تعزیرات و قصاص، انتشارات دانشگاه تهران ۲۵۸۵
۵۹. گلپایگانی، سید محمدرضا، مجمع المسائل، قم، دارالقرآن الکریم، چ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶۰. گنجینه آری فقهی - قضایی، قم، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۴.
۶۱. محقق داماد سید مصطفی، ۱۳۸۱، قواعد فقهیه، ناشر مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ نهم
۶۲. محقق داماد، سیدمصطفی: «بررسی فقهی حقوق خانواده»، مرکز نشر علوم اسلامی، چ دهم، ۱۳۸۲.

۶۳. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چ بیست و پنجم، ۱۳۷۶.
۶۴. مفید، محمدبن محمد، المقنعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ سوم، ۱۴۱۳ ق.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه. تهران، چاپ چهاردهم، ج ۲، ص ۷۴.
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر، سلسله القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امیرالمؤمنین (ع)، چ دوم، ۱۴۱۱ ق.
۶۷. مهریزی، مهدی: «رساله‌های فقهی ۱ بلوغ دختران»، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۷۶.
۶۸. ناصح علوان، عبدالله (۱۴۳۵ ه.ق). تربیت اولاد در اسلام، ترجمه: ملیحه وفایی، انتشارات مبین اندیشه، جلد ۱.
۶۹. نائینی، محمدحسین، منیه الطالب، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۷۰. نائینی، احمدرضا: «مشروح مذاکرات قانون مدنی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ اول، ۱۳۸۶.
۷۱. نجفی، محمد حسن: «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، تهران، مکتبه الاسلامیه، الطبعة السادسة، ۱۳۹۴ ق.
۷۲. نوری میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل، بیروت انتشارات موسسه آل بیت، چاپ اول، ۱۲ جلدی، ج ۷
۷۳. ولایی، عیسی: «فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول»، تهران، نشر نی، چ چهارم، ۱۳۸۴.
74. Barlow, D. (2006). Clinical Hand book of psychological Disorders. New York: University of Minnosota Press
75. Weinberg, N.Z. (2010). Risk factors for substance abuse. Journal of Learning Disabilities: 34

Unit name: Sabzevar Unit code: 127	Identify code of thesis:
Studentname: Student code: Ali Hossein Mansouri	Academic year:
<b>Relationship between addiction and crime in addicted parent families</b>	
Presentation date: Number of college course:	Thesis score:
<p>The family is the smallest and most important social and constructive entity of the next generation, but this humane and future environment can have two enemies in the name of addiction and divorce from parents. Family life is important to children more than adults, the child learns his first experiences in living with other family members, and is the home environment that is the basis for the future growth of children. A child who has a family who is from the outset with aggressive parents 'spirits, caused by parents' lawsuits and addictions and experiencing a life of unrest, compared with a child who grew up in courage and blessedness and always loved and fulfilled all his material and spiritual desires Executed, it is definitely different from the point of view of thinking about criminal factors</p> <p>And he feels less guilty of criminal action, and may even not think about it, because it has grown so much and its surroundings are impressive. In the face of the crimes of these people, the law should be treated with greater prudence and the duration of the maintenance in the center of reforming for these individuals should be reduced and, as stipulated in Article 38, Article 38 of the Criminal Code, for offenders, For those people who are not the culprit, they are given the maximum discounts due to their particular circumstances.</p> <p>Keywords: addiction, crime, parental addiction, jurisprudence and rights</p>	